

وقت است که باز آیی...

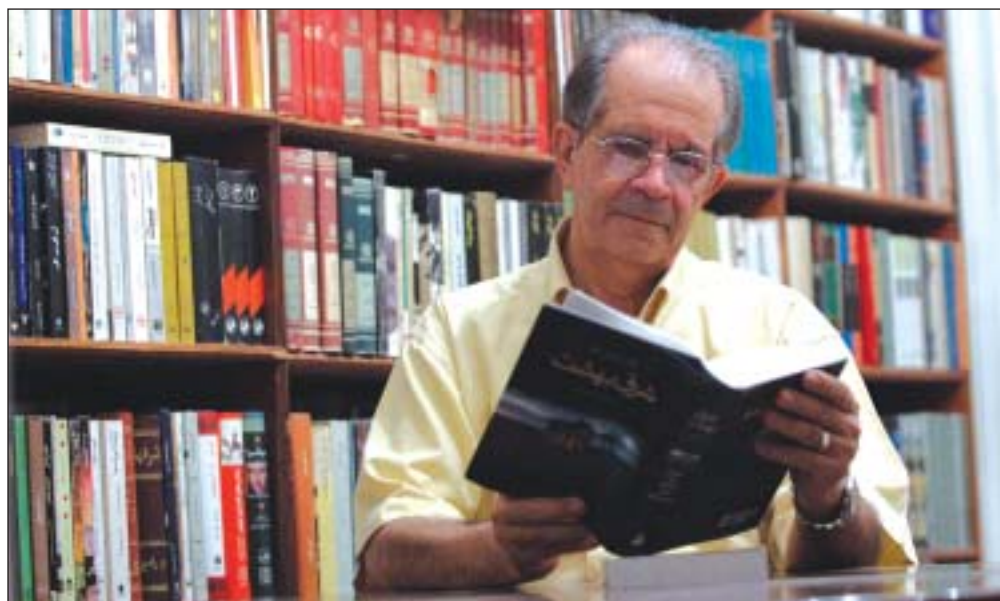
رودها به امید تو سرازیر دریا، شعله آفتاب به امید تو گرمای این زمین، نفس به امید تو ممد حیات... به راستی چه نامی است نام تو که نور به دل ظلمت می ریزد؟ چه نامی است نام تو که توش و توان قدم های بازمانده است؟ و چه نامی است نام تو که موهبت الهی (صبر) را در ثانیه ای در وجود آدمی شکوفا می کند...
یا مهدی (عج)! نام بزرگت مرهم دل های دردمند ماست و امید نا امیدیه هایمان. در تمام این سال ها نام بزرگت را به دعا زمزمه کرده ایم و از یاد نبرده ایم که: ای نور خورشید، ای مهابت دریا، ای صلابت کوه: عجل علی ظهورک.

از سوی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشریح شد

جزئیات جایزه جلال

ضد کتاب

پدیده کتابسازی، مسئله ای است که نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان همواره در مقابل آثار ارزشمند قرار گرفته است. پیدایی این رویکرد را مقارن با پیدایی صنعت چاپ می دانند، چرا که پس از مدت کوتاهی، برخی از ناشران که جنبه های فرهنگی کتاب را نادیده می گرفتند دریافته اند که می توان به شیوه هایی نه چندان اخلاقی و فرهنگی، صفحاتی را سرهم بندی کرد و آن را با جذابیت های ظاهری به خورد جماعت داد. وضع قانون حقوق مصنفان و مولفان سبب شد در مواردی مولفان و نویسندگان به اقدامات قانونی در برابر ناشر سودخواه بپردازند اما این قانون جهانی نیز نتوانست از پدیده کتابسازی جلوگیری کند، چرا که محدوده سی ساله آن پس از نشر اولیه اثر، دست ناشران تجاری را باز گذاشت تا پس از این زمان محدود، بدون توجه به حقوق معنوی آثار، آنها را با کمی تغییر و بدون منع قانونی، آنچنان که می خواهند به انتشار برسانند. اما اقداماتی که در این عرصه صورت گرفت، دست کم سبب شد تا از گسترش این پدیده غیر فرهنگی در جهان جلوگیری شود. به عنوان نمونه، دیوید سلینجر، نویسنده مطرح آمریکایی پس از آن که داستان های کوتاهش در یک کتاب دوجلدی جمع آمد، به شکایت از گردآورنده و ناشر پرداخت و هرچند رای اولیه دادگاه علیه این نویسنده بود، اما او در دادگاه تجدید نظر توانست رای جمع آوری این کتاب را به دست آورد. خوشبختانه در چندسال اخیر، توجه ویژه ای در این مورد در کشور ما صورت گرفته است.



پرویز شهدی از ترجمه های تازه اش می گوید

پشت پرده آمریکا

دزیره عنوان رمانی به قلم آن ماری سلینکو نویسنده گمنام اتریشی است که چهره واقعی و ویژگی های ذاتی ناپلئون را به عنوان شخصیتی موثر در تاریخ فرانسه و جهان ترسیم می کند. این رمان که نزدیک به پنج دهه قبل از سوی چند تن به فارسی ترجمه و منتشر شده بود، اخیراً با برگردان پرویز شهدی از سوی نشر صدای معاصر و انتشارات مجید به بازار آمده است. پرویز شهدی از جمله مترجمان فعال و حرفه ای در عرصه ادبیات امروز است که فعالیتش را هنگام تحصیل و اقامت در بروکسل حوالی سال ۴۸ با ترجمه رمان 'متهاب' اثر پی بر لامور که سرگذشت دوبوسی موسیقیدان بزرگ اتریشی است آغاز کرد.

۱۰

به یاد محمود درویش، شاعری که هرگز آرمان هایش را کنار نگذاشت

شعر با طعم حماسه و زیتون

علاوه بر نگاهی انسانی در شعرهایش، در فعالیت های صلح دوستانه بسیاری نیز شرکت کرد. به عنوان نمونه او برای نزدیکی میان کشورهای عرب و مسلمان، سفرهای بسیاری به کشورهای مختلف انجام داد، هرچند این سفرها، به دلیل ماهیت رهبران برخی از کشورهای عربی به سرخوردگی شاعر انجامید، اما کسی نمی تواند اهمیت تلاش های درویش را انکار کند. محبوبیت این شاعر فلسطینی تا به آن حد بود که رهبر تشکیلات خودگردان فلسطین، محمود عباس با همه مشکلاتی که برای این دولت وجود دارد، هوایمایی اختصاصی را برای بازگرداندن پیکر شاعر به آمریکا روانه کرد تا او را در موطنش به خاک بسپارند. محمود عباس همچنین به مناسبت درگذشت این شاعر ملی، سه روز عزای عمومی در فلسطین اعلام کرد و طی بیانیه ای، درگذشت محمود درویش را مصیبتی بزرگ برای مردم کشورش خواند. او در این پیام آورده است: 'درگذشت شاعر بزرگ ما، محمود درویش یک عاشق فلسطین، پیشگام فرهنگی فلسطین معاصر و یک رهبر بزرگ ملی، ما را در زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با مشکل مواجه خواهد ساخت. از بیان این که چقدر از مرگ او قلب های مهربان ما متاثر شده است، عاجزیم. محمود! خدا ما را در غم از دست دادن تو کمک کند.'



درگذشت محمود درویش، شاعر مقاومت، شاعر آرزوها و آرمان های مردم فلسطین، اتفاق ناگواری بود که اهالی فرهنگ را در هفته گذشته داغدار کرد. پس از انتشار خبر درگذشت این شاعر بزرگ عرب، بسیاری از مردم رام الله با چشمانی اشکبار و شمع هایی در دست به خیابان های این شهر ریختند و در سوگ شاعر ملی شان گریستند. اما درگذشت محمود درویش تنها مردمان فلسطین را داغدار نکرد، بلکه همه عرب زبان ها و همه کسانی که همواره آزادی را سرلوحه خویش قرار داده اند، بر مرگ این شاعر بزرگ که هرگز به آرمان هایش پشت نکرد، گریستند. اهمیت و ارزش وی چنان بود که حتی رژیم اشغالگر صهیونیستی نیز نتوانست به سادگی از کنار آن بگذرد و یکی از روزنامه های این کشور، درگذشت این شاعر محبوب فلسطینی را با اظهار همدردی و تألم نوشت. خبر درگذشت محمود درویش در حالی در اکثر روزنامه ها، خبرگزاری ها و رسانه های جهان منعکس شد که کمتر کسی گمان می کرد در این روزهای پرخبر - روزهای که المپیک چین و حمله گرجستان به یکی از جمهوری های استقلال طلبش - خبری دیگر بر صدر اخبار بنشیند. این همه نشان از آن داشت که جهانیان چه ارزش و امتیازی برای این شاعر آرمان های بشری قائلند؛ رفتاری که کمتر می توان آن را در شعر معاصر جهان دید. محمود درویش

۱۶

کتابخانه

شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۸۷
۱۴ شعبان ۱۴۲۹، ۱۶ آگوست ۲۰۰۸
شماره ۰۴۴، پیاپی ۷۹۵
۲۸ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواجہ نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir

برنامه های

سرای اهل قلم

برنامه های سرای اهل قلم در هفته جاری با برگزاری دو نشست پی گرفته می شود.
در اولین برنامه سرای اهل قلم در این هفته احسان عباسلو کارگاه داستان خوانی برگزار می کند. در این کارگاه داستان 'من بابایم' را می خواهیم مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. این نشست روز دوشنبه ۲۸ مرداد ماه از ساعت ۱۷ آغاز می شود. چهارشنبه ۳۰ مردادماه نیز سرای اهل قلم میزبان علاقه مندان به نمایشنامه خوانی خواهد بود.
در این روز از ساعت ۱۷ نمایشنامه 'دشمنان' به کارگردانی جعفر برقی کیوان اجرا خواهد شد. پس از اجرای این نمایشنامه، همایون علی آبادی، آتش تقی پور و مریم جعفری حصارلو به نقد و بررسی 'دشمنان' خواهند پرداخت.

۱۳

افکار فلاسفه و نویسندگان و متفکران مادی غرب، امروز در سطح دانشگاه‌های مابعد صورت کتاب و ترجمه وجود دارد. نمی‌شود سدی درست کرد که اینها وارد نشوند؛ این امکان ندارد و مصلحت نیست. افکار باید بیایند و حضور داشته باشند. در مقابل آن افکار، باید پادزهر ایجاد کرد...

مارکسیست‌ها در این مملکت مگر کم کار می‌کردند، کم جزوه منتشر می‌کردند و کم بحث می‌کردند؟ همین متفکران اسلام و روحانیون بودند که توانستند در مقابل آن همه حرف پر جاذبه و شیرین و عوام فریب - که از آن عوام فریب‌تر، انسان کمتر حرفی را سراغ دارد - جوانان ما را حفظ کنند. حالا دیگر هر فکری باشد، جاذبه‌اش بیشتر از آنها که نیست. ما باید مطالبی را آماده کنیم که رد انحرافات و تحریفات و اشتباهاتی باشد که به شکل خوراک فکری در کتاب‌ها و جزوه‌های مختلف میان جوانان ما تقسیم می‌شود. حتی گاهی نادانسته در جزوه‌ها و کتاب‌های درسی دانشگاه و نیز در گفت‌وگو‌هایی که در رسانه‌های جمعی ما منتشر می‌شود، این مطالب می‌آید.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نهمه جمعه سراسر کشور (۱۳۷۰/۶/۲۵)

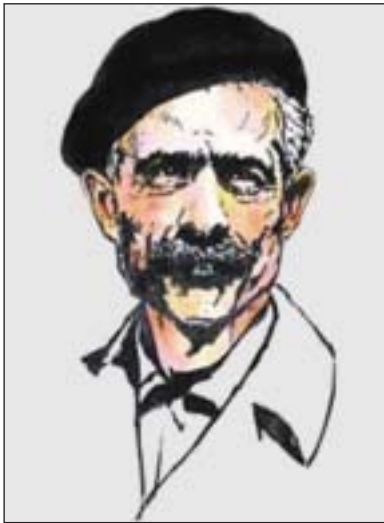
تسلیت رهبر معظم انقلاب به مناسبت درگذشت محمد مهدی فولادوند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت مترجم برجسته و نامدار قرآن کریم مرحوم آقای محمد مهدی فولادوند را تسلیت گفتند. متن پیام به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
درگذشت مترجم برجسته و نامدار قرآن کریم مرحوم آقای محمد مهدی فولادوند را به خانواده محترم و بازماندگان آن مرحوم و همه مستفیدان از اثر ماندگار ایشان تسلیت عرض می‌کنم. امید است این خدمت قرآنی در کفه حسنات آن مرحوم مقبول پروردگار قرار گیرد.

سید علی خامنه‌ای - ۲۰ مرداد ۱۳۸۷

جزئیات جایزه جلال



برگزاری جایزه ادبی جلال آل احمد از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است که مقارن با روز تولد این نویسنده، برگزیدگان خود را در پنج رشته داستان کوتاه، داستان بلند، نقد ادبی، تاریخ‌نگاری و مستندنگاری خواهد شناخت.

ارزش جایزه نفرات اول از این رشته‌ها، علاوه بر اعطای نشان ادبی، ۱۱۰ سکه بهار آزادی است و از این حیث از جوایز مشابه گرانسنگ‌تر شمرده می‌شود. اجرای مراحل گوناگون برگزاری این جایزه را معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عهده دارد. از این رو جزئیات این طرح و روند برگزاری آن را از دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت ارشاد جویا شدیم که حاصل این گفت‌وگو در پی می‌آید.

جشنواره جلال آل احمد بر پایه چه اهداف و سیاست‌هایی برگزار می‌شود و دلیل انتخاب جلال، به عنوان محور این جایزه ادبی چه بوده است؟

جایزه ادبی جلال آل احمد، مصوبه ۵۹۳ جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در تاریخ ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۵ برگزار شد و در تاریخ هشتم آذرماه همان سال ابلاغ شده است. آنچه‌آن که از آیین‌نامه این جشنواره که مصوبه این جلسه است برمی‌آید، هدف از برگزاری جایزه جلال، ارتقای زبان و ادبیات ملی و دینی شناخته شده و برای دستیابی به این هدف، بزرگداشت پدیدآورندگان برجسته، قوی و پیشرو مد نظر قرار گرفته است.

دوستانمان در شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلال آل احمد را به عنوان نماد نویسنده روشنفکر و متعهد در نظر گرفته‌اند و بر همین اساس جایزه را به اسم جلال تعریف کرده‌اند. بر اساس آیین‌نامه، ارگانی هم برای این جایزه در نظر گرفته شده که عبارت از هیئت امنا، هیئت علمی و دبیرخانه است. هیئت امنا شامل اعضای حقیقی و حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی است که عضو شورای هنر هم هستند؛ به عبارتی اعضای مشترک شورای هنر و شورای عالی انقلاب فرهنگی. ریاست هیئت امنابا وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیری آن به عهده معاونت امور فرهنگی است. غیر از هیئت امنا، برای

این جایزه یک هیئت علمی هم در نظر گرفته شده که شامل ۹ نفر صاحب‌نظر در زمینه‌های داستان، نقد ادبی و مستندنگاری است. جایزه همچنین یک دبیرخانه دارد. مجری جایزه جلال آل احمد، معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. نکته قابل توجه آن که اگر فردی به عنوان برگزیده اعلام شود، جایزه او ۱۱۰ سکه بهار آزادی خواهد بود. البته در کنار این جایزه، جایزه‌ای اختصاصی برای بانوان به نام جایزه پروین اعتصامی هم داریم که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است.

دلیل با ارزش‌تر بودن جایزه جلال به لحاظ مادی نسبت به جشنواره‌های مشابه حتی کتاب سال چیست؟

جایزه جلال، یک جایزه ادبی است. درباره عدد و رقم این جایزه در جلسه‌ای در شورای عالی انقلاب فرهنگی بحث شد. پیشنهاد شورای هنر به شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد. در قیاس با جایزه کتاب سال، جوایز این جشنواره بیش از دو برابر است. این موضوع یک دلیل منطقی می‌تواند داشته باشد و آن این که شاید بعضی از رشته‌های مختلف مطروحه در کتاب سال، به لحاظ میزان تأثیرگذاری در مخاطبان به پای بخش اختصاصی که جایزه جلال به آن می‌پردازد، نرسد؛ مثلاً کتابی که در رشته کشاورزی یا مهندسی انتخاب می‌شود، طبعاً مخاطبان خاص خودش را دارد. در آنجا مخاطب عام وجود ندارد. از طرف دیگر در حوزه‌های مختلف مثل

حوزه کودک و نوجوان یا علوم جوایز متعددی از سوی نهادهای مختلف اعطا می‌شود.

در حوزه علوم، آثار برتر بعضاً از سوی وزارت علوم یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد تقدیر قرار می‌گیرند. در این بین، جایزه‌های ادبی پر مخاطب‌تر از سایر جوایز است.

جایزه کتاب سال هم به لحاظ جایگاه نهاد اهداکننده آن، درجه متفاوتی از اهمیت را دارد.

نکته مهم دیگر آن که هر چه جوایز حوزه‌هایی از این دست بیشتر شود، به افزایش مخاطبان و تشویق و ترغیب آنان به مطالعه آثار سودمند در این بخش‌ها کمک می‌کند. در بخش ترجمه یک رشته مثلاً مهندسی، فردی پس از مدتی صرف وقت، موفق به یک تولید علمی - فرهنگی می‌شود؛ اما آیا این تولید علمی - فرهنگی با تلاش فردی که عمری را در تالیف یک اثر خلاق گذرانده و مجموعه تراوش‌های ذهنی و مطالعات وسیع او طی سال‌های متمادی در آن اثر به منصف ظهور رسیده، قابل مقایسه است؟

جوایز ادبی در تمام جهان عموماً جوایز پر رنگ‌تری بوده و بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ حتی در جوایزی مثل نوبل که در حوزه‌های عام‌تر داده می‌شود، بخشی که بیشتر مورد توجه ملت‌هاست، نوبل ادبی است؛ شاید بخش‌هایی هم که به نوعی به سیاست برمی‌خورد، همین گونه باشد؛ به طوری که عامه مردم، پیگیر جوایز بخش علمی نوبل نیستند و غالباً نیروهای متخصص آن را دنبال می‌کنند، بنابراین به نظر می‌رسد که استقبال از جوایز ادبی در بین عموم مخاطبان، بیش از سایر بخش‌هاست.

جایزه جلال، علاوه بر هیئت‌های داوری، یک هیئت علمی دارد. کارکرد این هیئت به طور مشخص چیست و با وجود آن، گزینش داوران جشنواره چه تفاوتی با جشنواره‌های مشابه خواهد داشت؟

هیئت علمی در خیلی از جوایز وجود دارد، اما با هیئت امنا یا شورای سیاست‌گذاری آمیخته است. در اینجا با توجه به این که هیئت امنا الزاماً کارشناسان حوزه ادبی نیستند، سه کارشناس برای هر یک از حوزه‌های مرتبط با جایزه یعنی ادبیات داستانی، تاریخ‌نگاری و مستندنگاری به عنوان هیئت علمی در نظر گرفته شد که یکی از مهم‌ترین وظایف آنها، انتخاب داوران و همین‌طور تدوین آیین‌نامه‌های داخلی و اجرایی، نظارت بر تفکیک آثار رسیده به دبیرخانه و تصمیم‌گیری درباره جوایز ویژه و بخش‌های جانبی است.

قدردانی نماینده اردبیل از برگزاری نمایشگاه‌های استانی



قاسم محمدی، نماینده اردبیل و نهمین در مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ای به محمدحسین صفار هنردی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از برگزاری نمایشگاه کتاب استان اردبیل تقدیر کرد. در نامه محمدی آمده است: «نظر به برگزاری مناسب و مطلوب پنجمین نمایشگاه کتاب استان اردبیل از زحمات و مساعدت‌های حضرت‌عالی و معاونت محترم فرهنگی آن وزارتخانه قدردانی می‌کنم. در ادامه این نامه آمده است: «شایسته است دستور فرمایید از تلاش‌های مدیر کل محترم، معاون فرهنگی و هنری و کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل به نحو مقتضی تقدیر به عمل آمده و امکان برگزاری سالانه نمایشگاه کتاب استان به صورت بین‌المللی فراهم آید.»

گفتار سبز بر پلکان پنجاه و سوم

گفتار سبز همچنین در گفت‌وگویی با عباس سلیمی نهمین چالش‌های کاریکاتور مطبوعاتی در ایران را بررسی کرده است. این نشریه که به صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی محمدجعفر محمدزاده و با گرایش فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منتشر می‌شود، رویکردی جدی به حوزه فرهنگ مکتوب به ویژه ادبیات دارد.



پنجاه و سومین شماره فصل‌نامه «گفتار سبز» با مطالبی پیرامون طنز در عرصه‌های گوناگون، به مباحث نظری و پژوهشی حوزه طنز پرداخته است. در این شماره نوشتارهایی از سید فرید قاسمی، جلال رفیع، محمدجعفر محمدزاده، محمد حنیف، جواد علیزاده، محسن نوری نجفی و ابوالفضل محترمی به چاپ رسیده است.

افزایش ۸۰۰ هزار کتاب به منابع کتابخانه ملی

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی از افزوده شدن هفتصد تا هشتصد هزار جلد کتاب تا نیمه آبان ماه به شبکه کتابخانه ملی خبر داد.

علی اکبر اشعری در این باره گفت: چون در ساختمان سی تیر فضای کافی در اختیار نداشتیم، حدود هفتصد تا هشتصد هزار کتاب به صورت نامناسبی انبار شده بود که از پارسال تلاش کردیم این کتاب ها را در ساختمان جدید به سرعت وارد شبکه کتابخانه کنیم تا مردم بتوانند به آن ها دسترسی داشته باشند. مشاور فرهنگی رئیس جمهور تصریح کرد: برآورد ما این است که تا نیمه آبان، همه این کتاب ها در دسترس مردم قرار گیرد؛ کما این که الان هم هست و ما از حدود دو هفته پیش، مخازن زیرزمینی کتابخانه را فعال کرده ایم. تنها در یک مخزن ما ۵۵۰ هزار جلد کتاب وجود دارد که اینها در اختیار مراجعان نبود اما الان کتابدار آن جا حضور دارد و کتاب در اختیار مراجعان قرار می گیرد.

تحول در منابع فارسی کتابخانه ملی

در عین حال اشعری از قرار گرفتن تمام منابع فارسی کتابخانه ملی در دسترس مخاطبان تا مهر ماه خبر داد. رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در این باره نیز گفت: به زودی کلیه منابع فارسی کتابخانه ملی در دسترس قرار می گیرد. وی افزود: با این کار



و تا موعد مقرر - اواسط مهر ماه - مشکلی که در جستجوها وجود داشت مرتفع شده و تمام منابع مذکور قابل مشاهده خواهد بود.

اشعری ادامه داد: پیش از این عده زیادی از مخاطبان از نحوه جستجوی منابع فارسی گلایه داشتند و از اینکه در جستجوها عنوان می شد کتابی هست و بعد از مراجعه به کتابدار به آنها اعلام می شد که کتاب موجود نیست یا هنوز چیده نشده و به هر شکل منبع مذکور در اختیارشان قرار نمی گرفت، انتقاد می کردند.

واکنش دکتر پرویز به نامه سرگشاده یک ناشر

ما مجری قانون هستیم

در پی انتشار گفت و گوهای دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشریات و خبرگزاری های مختلف درباره مجوز چاپ کتاب، شهلا لامیجی، مدیر انتشارات روشنگران با درج نامه ای سرگشاده به اظهار مطالبی در این باره پرداخت. به دنبال انتشار این نامه خبرنگار کتاب هفته طی گفت و گویی کوتاه، نظرات معاون فرهنگی وزارت ارشاد را درباره محتوای نامه مذکور جویا شد.

دکتر محسن پرویز در گفت و گو با کتاب هفته درباره پاسخ به نامه مدیر انتشارات یادشده گفت: یکی از ناشران نامه ای خطاب به من نوشته و به دفتر تحویل داده بود با آن که رویه ام بر این است که نوشته های اهل فرهنگ را بی پاسخ نگذارم، اما به دلایلی احساس کردم پاسخگویی به این نامه ضرورتی ندارد. دکتر پرویز همچنین با اشاره به درج نامه مذکور در یکی از روزنامه ها گفت: البته پاسخ روزنامه مربوطه توسط روابط عمومی تنظیم و ارسال خواهد شد، اما واقعیت این است که شخصا پاسخگویی به فرمایشات نویسنده نامه را ضروری نمی دانم، چرا که این نامه مشحون از دروغ و تحریف واقعیت است.

معاون فرهنگی وزارت ارشاد با اشاره به جمله ای در نامه یادشده گفت: ایشان نوشته اند که تاکید مبنی بر رد درخواست احتمالی مجلس راجع به ممیزی کتاب صرفا واکنشی ارفاقی است که ایستادگی در مقابل قوانین نظام است، در حالی که همگان مکلف به پیروی از مصوبات آن هستند. کما این که نمایندگان اتحادیه ناشران هم در کمیسیون فرهنگی مجلس با واکنش مشابهی از سوی نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مواجه شده بودند.

وی افزود: نسبت دادن این مطالب به بنده در حالی که اصل مصاحبه موجود است، حاکی از عدم همراهی نگارنده نامه با جریانات فرهنگی است. من در جای جای مصاحبه خود که قابل مراجعه و دسترسی است، گفته ام که ما مجری قانون هستیم و به آنچه قانونی باشد عمل می کنیم. با وجود این ایشان این گفته را تحریف و این گونه القا کرده که ما گفته ایم اگر مجلس چیزی را تصویب کند، زیر

علی اکبر اشعری اضافه کرد: البته باید تلاش کرد تا جایگاه کتابخانه ملی را متفاوت از کتابخانه ها تعریف کرد و شناساند. برخی هنوز اعتراض می کنند که چرا مثلا دیپلمه ها نمی توانند عضو کتابخانه ملی شوند، در حالی منابع مورد نیاز آنها در کتابخانه های عمومی، دانشگاه ها، کتابخانه های تخصصی و... پیدا می شود. کتابخانه ملی ظرفیت محدودی دارد و سطح آن مطابق با نیازهای پژوهشگران و مدارج علمی بالا تعریف شده است.

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی خبر داد تأسیس بانک اطلاعاتی مترجمان



رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از تدوین اساس نامه مرکز ساماندهی ترجمه خبر داد. مهدی مصطفوی در این باره گفت: ما اساسنامه مرکز ساماندهی ترجمه

را قطعی کرده ایم و در آخرین جلسه ای که شورای سیاست گذاری مرکز ساماندهی ترجمه برگزار کرد، پیش نویس اساسنامه مطرح شد که به صورت قطعی به تصویب رسید. همچنین بانک اطلاعاتی کتاب هایی هم که تا به حال ترجمه شده اند راه اندازی شده است.

وی خاطر نشان کرد: در واقع، مقدار زیادی اطلاعات در این بانک جمع آوری شده است. همچنین براساس برنامه ریزی ها، بانکی اطلاعاتی را برای شناسایی بنگاه های ترجمه و اشخاصی که مترجم حرفه ای هستند تأسیس خواهیم کرد. تأسیس مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی در خارج از کشور زیر نظر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تیرماه سال گذشته به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و حسن رحیم پور از غدی، حجت الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا و آیت الله تسخیری به عنوان اعضای شورای برنامه ریزی و سیاست گذاری مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی در خارج از کشور معرفی شدند.

سنگری، دبیر جایزه کتاب سال دفاع مقدس

شورای سیاست گذاری دوازدهمین دوره جایزه انتخاب بهترین کتاب سال دفاع مقدس، محمدرضا سنگری را به عنوان دبیر علمی این جایزه برگزید.

این جایزه که در آبان ماه سال جاری و همزمان با هفته کتاب برگزار می شود، به بررسی کتاب های منتشر شده دفاع مقدس در سال ۱۳۸۶ می پردازد. محمدرضا سنگری سال ۱۳۳۳ در شوش به دنیا آمده است. سال ۱۳۶۴ موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی شده و مدرک دکتری خود را نیز در سال ۱۳۷۳ در همین رشته از دانشگاه تهران اخذ کرده است.

سنگری که مدت ها در سازمان برنامه ریزی و تألیف کتب درسی فعالیت داشته، سه دوره دبیر علمی جایزه انتخاب بهترین کتاب سال دفاع بوده و کتاب هایی را نیز در زمینه دفاع مقدس به مخاطبان ارائه کرده است.

تشکیل ۱۳ گروه داوری

دوازدهمین دوره جایزه انتخاب کتاب سال دفاع مقدس این روزها با تشکیل ۱۳ گروه داوری فعالیت خود را آغاز کرده است.

پس از انتخاب محمدرضا سنگری به عنوان دبیر علمی و سیدمحمد میرکاظمی به عنوان دبیر اجرایی این جایزه، ۱۳ گروه داوری بر اساس کتاب های منتشر شده در سال گذشته تشکیل شد. بر این اساس، کتاب های منتشر شده در سال ۱۳۸۶ که به موضوع دفاع مقدس اختصاص دارند، در گروه های خاطره، زندگی نامه داستانی، شعر، داستان، شعر کودک و نوجوان، داستان کودک و نوجوان، تحقیق و پژوهش ادبی، تحقیق و پژوهش نظامی، تحقیق و پژوهش حقوقی و اجتماعی، جنگ و زندگی نامه غیرداستانی، هنر، گرافیک و طراحی جلد و انتخاب ناشر نمونه مورد داوری قرار می گیرند.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی در کتابخانه دیجیتال تبیان

دایرة المعارف بزرگ اسلامی، از یک سو امتیاز آن را بر دانش نامه های مشابه که به برخی از موضوعات تمدن اسلامی توجه بیشتری داشته اند، نشان می دهد و از سوی دیگر، کوشش های گسترده و عمیقی را برای دست یابی به نکات و جزئیات مهمی از این فرهنگ و تمدن که مورد غفلت قرار گرفته است، طلب می کند. همچنین برخی از مدخل ها و موضوعاتی که در این دایرة المعارف مطرح شده، برای اولین بار مورد تحقیق دقیق تر قرار گرفته است. از ۱۴ جلد منتشر شده مجموعه دایرة المعارف بزرگ اسلامی تاکنون ۱۲ جلد الکترونیکی خریداری شده توسط مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان بر روی کتابخانه سایت تبیان به نمایش گذاشته شده است و کاربران، پژوهشگران، اندیشمندان و شخصیت های علمی و فرهنگی می توانند با مراجعه به آدرس www.tebyan.net/library.html از این مجموعه استفاده کنند.

مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی برای گسترش فرهنگ و ارزش های دینی اسلامی در محیط مجازی و اینترنت، مجموعه دایرة المعارف بزرگ اسلامی را در کتابخانه دیجیتال خود قرار داده است.

در این دایرة المعارف که دومین دانش نامه تخصصی - دانشگاهی اسلامی در طول تاریخ مطالعات اسلامی جهان است، مدخل های گوناگونی پیش بینی شده که زمینه های مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی، مانند قرآن شناسی، فقه، حدیث، تاریخ سیاسی و اجتماعی، جغرافیای تاریخی و انسانی، اسلام و فرقه های اسلامی اعم از فرق مذهبی و مکاتب کلامی، فلسفه و عرفان، زبان و ادبیات سرزمین های اسلامی، تاریخ علوم ریاضی و طبیعی، هنر و معماری در سرزمین های اسلامی، مردم شناسی و نیز جنبه های فرهنگ بومی و محلی اقوام مسلمان را در بر می گیرد. بنابراین گزارش، این تنوع در موضوعات و مدخل های

مفاتیح الحیات تدوین شود

پیشنهاد آیت الله جوادی آملی برای تدوین جلد دوم «مفاتیح الجنان» با نام «مفاتیح الحیات» با استقبال صاحب نظران مواجه شده است.

کتاب ارجمند «مفاتیح الجنان» حاج شیخ عباس قمی، محدث بزرگ و از شاگردان برجسته میرزا حسین نوری نزدیک به یک قرن است که محل مراجعه اهل ایمان است تا به واسطه آن دست نیاز به پیشگاه بی نیاز دراز کنند و به بارگاه قدسی خداوند متعال تقرب جویند.

بیشتر بر روایاتی است که به امور روزمره و رفتارهای فرهنگی - اجتماعی مسلمانان مربوط می شود و به همین خاطر نام «مفاتیح الحیات» را برای آن مناسب دانسته است.

رویکرد عرفانی

در عین حال کریم زمانی که از منظری عرفانی به اهمیت تدوین این کتاب پرداخته و اخلاق را پایه سیر و سلوک توحیدی به شمار می آورد درباره چگونگی تدوین مفاتیح الحیات می گوید:

«مرحوم شیخ عباس قمی با صداقت باطن مفاتیح الجنان را جمع کرده و الگوی وی هم ظاهراً کتاب زادالمعاد علامه مجلسی بوده است و البته در نیاز انسان به دعا هم شکی نیست. بنابراین اگر ذوق و علم با صدق باطن نوامان شود، حتماً جلد دوم مفاتیح یا همان کلیدهای حیات هم توفیق پیدا می کند.»



یحیی یثربی استاد فلسفه نیز از منظر دیگری به اشارت آیت الله

جوادی آملی نگاه می کند و آن را با بینشی فلسفی می کاود و می گوید: «به نظر من اینکه ما در کنار مفاتیح الجنان یک کتاب هم ضمیمه کنیم که مربوط به مسائل زندگی باشد، من با این نگرش موافقم، اما آن را خیلی عرفی و ساده می بینیم، با این نگرش ما باید بپذیریم که مفاتیح در جامعه یک اصل است و باید در کنار آن چیزی بگذاریم.»

استاد دانشگاه علامه طباطبایی (ره) با تاکید بر اجتماعی بودن دین اسلام می افزاید: «ما باید به قرآن و فلسفه سیاسی اسلام برگردیم، اسلام یک دین فردی

نیست بلکه یک دین جمعی است. در همان اوایل سوره بقره چند آیه درباره متقین و دو سه آیه درباره کفار داریم و به اندازه هر دو حتی یک مقدار هم بیشتر درباره منافقان دیده می شود.»

یحیی یثربی که به نظر می رسد سعی دارد از گفتار آیت الله جوادی آملی رمزگشایی کند، اضافه می کند: «تکیه بر منافق و حساسیت روی نفاق در ادیان، درونی و فردی مطرح نیست یعنی وقتی دین فردی باشد، من در خانقاه خودم، در خانه و زاویه خودم کار خود را می کنم و کاری به کار اجتماع ندارم. اسلام معنویت فردی و رهبانیت را مشروع نمی داند، حتی نظام پرستش فردی و امثال آن را به رسمیت نشناخته و قبول ندارد.»

وی تصریح می کند: «اسلام دین زندگی اجتماعی و مبارزه است. پیامبر (ص) همیشه می فرمود دین من رهبانیت ندارد و اگر دلتان رهبانیت می خواهد، رهبانیت دین من جهاد است. نه اینکه بنشینید در یک گوشه ای و عزلت پیشه کنید. بیاید وارد جامعه بشوید، از حق و حقیقت حمایت کنید و با باطل مبارزه کنید. این مبارزه از درون و خانواده شما شروع می شود تا شهر و جامعه و کشور تا جامعه جهانی، همه جاهست، همیشه هست. هر روز و هر زمان می تواند عاشورا باشد و همه زمینمان می تواند کربلا باشد.»

حمیدرضا بصیری استاد حوزه و دانشگاه نیز از جایگاه پیشنهاد دهنده وارد بحث می شود تا اهمیت آن را نشان دهد. وی می گوید: «پیشنهاد دهنده دارای

مقام علمی و معنوی بالایی در حکمت و فقاهاست است و شاید در عالم تشیع در وادی تفسیر مانند ایشان را نداشته باشیم. بنابراین باید همه حوزویان و دانشگاهیان با نگاه خاص به این مطلب توجه کنند و به همین نسبت به جوانب این پیشنهاد بپردازند.»

این روحانی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی (ره) با بیان اینکه قصد حضرت آیت الله جوادی آملی به هیچ عنوان تعریض به مفاتیح یا نادیده گرفتن جایگاه و اهمیت این کتاب ارزشمند نیست. به ارزش های مفاتیح پرداخته و تصریح می کند: «مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی آنقدر با اخلاص نوشته شده که الان یک قرن است در خانه های ما در کنار قرآن قرار داده می شود.»

استاد حوزه علمیه توضیح می دهد: «قصد این نیست که آن را با قرآن مقایسه کنیم و خدای ناکرده در مورد آن غلو کنیم اما مقام معصومیت گویندگان مفاتیح و اخلاص مرحوم شیخ عباس قمی موجب شده این کتاب جایگاهی اینچنینی پیدا کند.»

حمیدرضا بصیری درباره چگونگی تالیف کتاب مفاتیح الحیات نیز می گوید: «می توان این کار را به صورت گروهی انجام داد و امروزه کار گروهی خطایش کمتر است و از مقبولیت اجتماعی بالاتری هم برخوردار خواهد بود البته این مانع کار فردی اهل ذوق نیست.»

وی تصریح می کند: «اما پیشنهاد دیگر با کسب اجازه از آیت الله جوادی آملی این است که خود ایشان به دلیل اینکه متعلق به آداب الهی و اسلامی هستند افرادی را مشخص و آن گروه علمی راهدایت کنند.»

این استاد حوزه و دانشگاه در پایان با استقبال از تدوین مفاتیح الحیات می گوید: «باید از تعجیل پرهیز کرد و با یک فراخوان و کار علمی گسترده امراض اخلاقی بشر عصر امروز را شناسایی و با استفاده از قرآن کریم و سیره و روایات معصومان علیهم السلام و با نقد و نظر علما و مراجع، کتابی جامع تدوین شود.»

این کتاب که حاوی ادعیه و اوراد و اذکار نقل شده از جانب ۱۴ معصوم علیهم السلام است امروزه در خانه هر ایرانی شیعه و بعضاً برادران اهل تسنن و دوستان اهل بیت در کنار قرآن کریم قرار دارد.

مفاتیح الجنان نه تنها مورد توجه عموم مردم است بلکه علمای تراز اول هم قدر و جایگاهی رفیع برای آن قائلند.

شاید همین ارزش و اعتبار و حسن قبول «مفاتیح الجنان» باعث شده است که آیت الله عبدالله جوادی آملی جهت اعتلای اخلاق و سلوک اجتماعی خواستار تدوین جلد دوم این کتاب به نام «مفاتیح الحیات» شود. آیت الله جوادی آملی طرح تدوین جلد دوم کتاب «مفاتیح الجنان» را اولین بار در اسفند سال ۸۵ مطرح کرده بود که بعد از گذشت یک سال و نیم محقق نشده است. وی بار دیگر امسال در مقام امامت جمعه شهر قم باردیگر و همزمان با هفتادمین سال درگذشت شیخ عباس قمی، گردآورنده کتاب «مفاتیح الجنان» این مطلب را یادآور و خواستار تحقق آن شد. آیت الله جوادی آملی معتقد است امامان شیعه تمام نیازهای بشر را پاسخ گفته اند و اکنون وظیفه پیروان آنهاست که این پاسخ ها را استخراج و در قالب جلد دوم کتاب مفاتیح منتشر کنند. به گفته آیت الله جوادی آملی، جلد دوم «مفاتیح الجنان» جایش خالی است و عده ای باید آن را بنویسند تا معلوم شود دین تنها این نیست که ما زیارت بکنیم و ذکری بگوییم.

تاکید وی بر نگارش جلد دوم «مفاتیح الجنان»

فراخوان

دومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می شود

این جایزه با هدف کشف استعداد و تشویق هر چه بیشتر پدیدآورندگان است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده اند.

موضوع های مورد ارزیابی هئیت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را از اول سال ۱۳۸۶ در زمینه های یاد شده به چاپ رسانده اند، دعوت می شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان مرداد ۱۳۸۷ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۱۷۸، طبقه اول

دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰ تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹

فراخوان

پنجمین جشنواره نقد کتاب

همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کیفی نقد کتاب، پنجمین جشنواره نقد کتاب را همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات تخصصی کتاب و نشرانی که اثری با موضوع «نقد کتاب» در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده اند دعوت می کند آثار خود را حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۷ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۱۰، سرای اهل قلم، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۴۱۵۲۵۵ تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdketab.ir

۳۵ میلیون کلمه برای تألیف بزرگ ترین فرهنگ فارسی



صادقی درباره شیوه نامه تألیف بزرگ ترین فرهنگ زبان فارسی اظهار داشت: حدود سه سال است که ما شیوه نامه می نویسیم و برای تأیید آن را بررسی می کنیم و مجدداً اصلاحات آن را اعمال و سپس دوباره بررسی می کنیم که تاکنون چند تحریر شده و هم اکنون آماده چاپ است.

به گفته عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی تاکنون حدود ۳۵ میلیون کلمه فارسی با شاهد مثال از هر قری، برای تألیف بزرگ ترین فرهنگ فارسی جمع آوری شده است. علی اشرف صادقی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس گروه فرهنگ نویسی در این فرهنگستان درباره تألیف بزرگ ترین فرهنگ زبان فارسی بیان داشت: از سال ۷۹ تهیه بانک واژگان زبان فارسی را شروع و طبق شیوه نامه، واژه های هزار متن فارسی را از زمان های قدیم تا زمان حال، فیش برداری رایانه ای کردیم و قرار است این کلمات و ترکیبات را با شواهد تألیف کنیم. وی با تأکید بر این نکته که این پایان کار نیست و اگر باز هم متن جدیدی پیدا کنیم که دارای کلمات تازه ای باشد، آن را وارد این فرهنگ می کنیم، عنوان کرد: تاکنون مجموع این واژگان به ۳۵ میلیون کلمه رسیده است.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره همکاران این پروژه گفت: پژوهشگران و افرادی زیادی را در این پروژه به کار گرفتیم و کلاس هایی در زمینه فرهنگ نگاری برای آن ها گذاشتیم. هم اکنون ۳۰ همکار موظف داریم و برخی هم از بیرون به صورت پروژه ای با ما همکاری می کنند.

وی با اشاره به آغاز کار تألیف نگاری توسط رایانه ها تصریح کرد: از آغاز سال ۸۷ تألیف نگاری از حرف آ آغاز شده است و احتمالاً این حرف در دو جلد منتشر می شود. به گفته صادقی علت مفصل شدن حرف آ این است که این فرهنگ به صورت تاریخی تألیف می شود و برای این که نشان دهند واژه های فارسی از چه تاریخی وارد زبان شده و چه زمانی منسوخ شده اند، در نتیجه برای هر کلمه ای از هر قری شاهد آورده شده است. عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره تفاوت این فرهنگ با لغتنامه دهخدا، فرهنگ معین، فرهنگ سخن و همچنین لغتنامه جدیدی که مؤسسه دهخدا روی آن کار می کند، گفت: این فرهنگ به کل با آنها فرق می کند چرا که با دستاوردهای جدید فرهنگ نگاری و با اسلوب و شیوه نامه جدید تألیف می شود. به گزارش فارس وی خاطر نشان کرد: این فرهنگ با حذف حشو و زوائد لغتنامه دهخدا، دو برابر آن حجم دارد و واژه های علمی را نیز دربرمی گیرد؛ ضمن آن که لغتنامه جدیدی که مؤسسه دهخدا در حال تألیف آن است با روش قدیم تألیف می شود.

۲۷ میلیارد ریال اعتبار برای تجهیز و ساخت کتابخانه های گیلان

جلسه ای که اخیراً برای پیگیری نتایج دور اول سفر ریاست جمهوری به استان گیلان تشکیل شد، معاون مدیرکل کتابخانه های عمومی از پیشرفت فیزیکی پروژه ساخت کتابخانه مرکزی رشت به میزان ۱۵ درصد خبر داد. وی همچنین اعلام کرد: در صورت تأمین اعتبار از محل اعتبارات استانی، تا پایان سال جاری دو کتابخانه تخصصی منطقه ای (یکی در شرق (لاهیجان) و دیگری در غرب گیلان (بندر انزلی) - ساخته می شود.

به گفته مدیرکل کتابخانه های گیلان مبلغ ۲۷ میلیارد ریال از محل اعتبار استانی برای تعمیر، تجهیز و ساخت کتابخانه های جدید در استان گیلان در نظر گرفته شده است. محمد احمدی ضمن اعلام این خبر اظهار داشت: از این مبلغ، ۲۳ میلیارد ریال به تعمیر و تجهیز کتابخانه های موجود و چهار میلیارد ریال نیز به تکمیل پروژه های نیمه تمام اختصاص می یابد. مدیرکل کتابخانه های گیلان همچنین خبر داد: در

شماره تازه کتاب ماه علوم اجتماعی



سومین شماره کتاب ماه علوم اجتماعی نشریه تخصصی اطلاع رسانی نقد و بررسی کتاب منتشر شد. در سخن نخست این نشریه که پرونده ویژه خود را به ارتباطات اختصاص داده آمده است: شماره حاضر ویژه فناوری های جدید ارتباطی، جامعه اطلاعاتی و فضای ماورای جو است که حوزه بزرگ ارتباطات را مورد توجه ویژه قرار داده است. وسایل مورد استفاده در دنیای امروز وسایلی است که شکل دهی به پیام را در نزد مخاطب با ادراک کامل تر شکل می دهد و آثار عمیق تر و پرمایه تری را بر جای می گذارد. در این وادی زمینه ها و مفاهیمی خاص مطرح است که در این شماره مورد توجه قرار می گیرد. مقالات، معرفی و نقد کتاب بخش های دیگر این نشریه را که به صاحب امتیازی خانه کتاب و مدیر مسئولی دکتر سیدرضا نقیب السادات منتشر می شود را تشکیل می دهد.

تصحیح و بازچاپ آثار شیخ بهایی

همزمان با فرارسیدن چهارصدمین سال وفات شیخ بهایی مجموعه آثار او پس از تصحیح در ۲۶ جلد منتشر می شوند. حجت الاسلام علی اوسط ناطقی مدیر مرکز احیای آثار اسلامی وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان این که کار جمع آوری و تصحیح آثار شیخ بهایی از سه سال قبل آغاز شده، گفت: این مجموعه سال آینده همزمان با فرارسیدن چهارصدمین سال وفات او منتشر خواهد شد.

انتشارات پرتو خورشید

چرا و چگونه جراح شدم؟

Why and How I Become a Surgeon?

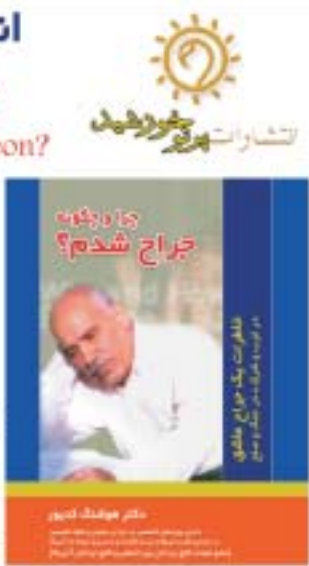
خاطرات یک جراح عاشق در غرب و شرق و در جنگ و صلح
دکتر هوشنگ کدیور

دارای بوردهای تخصصی در جراحی عمومی و فوق تخصصی در جراحی قلب و عروق و ریه و قفسه ی صدری و تروما از آمریکا، (عضو هیئت کالج جراحان بین المللی و کالج جراحان آمریکا)

این کتاب در قطع وزیری کالینکوب با قیمت: ۱۶۰۰۰۰ ریال و تعداد صفحات: ۱۰۹۶ به چاپ رسید

www.p-khorshid.ir

آدرس: تهران - خ انقلاب - خ فخر رازی - کوی فاطمی داریان - پلاک ۳۹ - طبقه دوم
تلفن: ۷-۶۶۹۷۷۹۶۴ همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

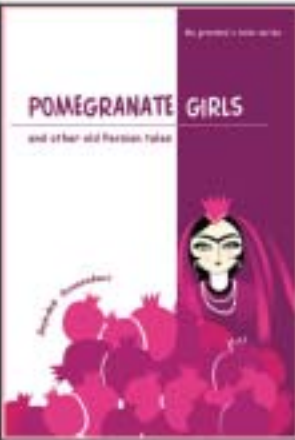


www.ibna.ir

اسنا

سایت خبرگزاری ایبنا (IBNA) تلفنی آگهی می پذیرد

۲۲۲۵۵۲۴۶



انتشارات نورسان

POMEGRANATE GIRLS
(دختران انار)

اولین داستان امیل ایرانی در بازارهای اروپای غربی
بهترین هدیه برای دانشجویان زبان انگلیسی
و دوستان انگلیسی زبان شما همراه
با واژه نامه کامل
ارسال رایگان بیش از ۵ جلد برای تهرانی ها
تلفن: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰ - ۸۸۳۳۴۷۶۹

انشارات مسرتقم

اصفهان: میدان امام حسین (ع)
چهارباغ پایین، انتشارات بهرناقم
تلفاکس: ۰۳۱۱-۲۲۰۱۹۹۵

مراکز پخش: ۰۹۱۳۳۰۰۳۲۸۶ - ۰۳۱۱ ۲۲۰۴۷۲۴ - پخش پکتا: ۰۵-۸۸۹۴۰۳۰۳-۰۲۱-۰۲۱-۲۲۰۵۰۳۲۶ گستر: ۰۲۱-۲۲۰۵۰۳۲۶

خانه کتاب منتشر کرد

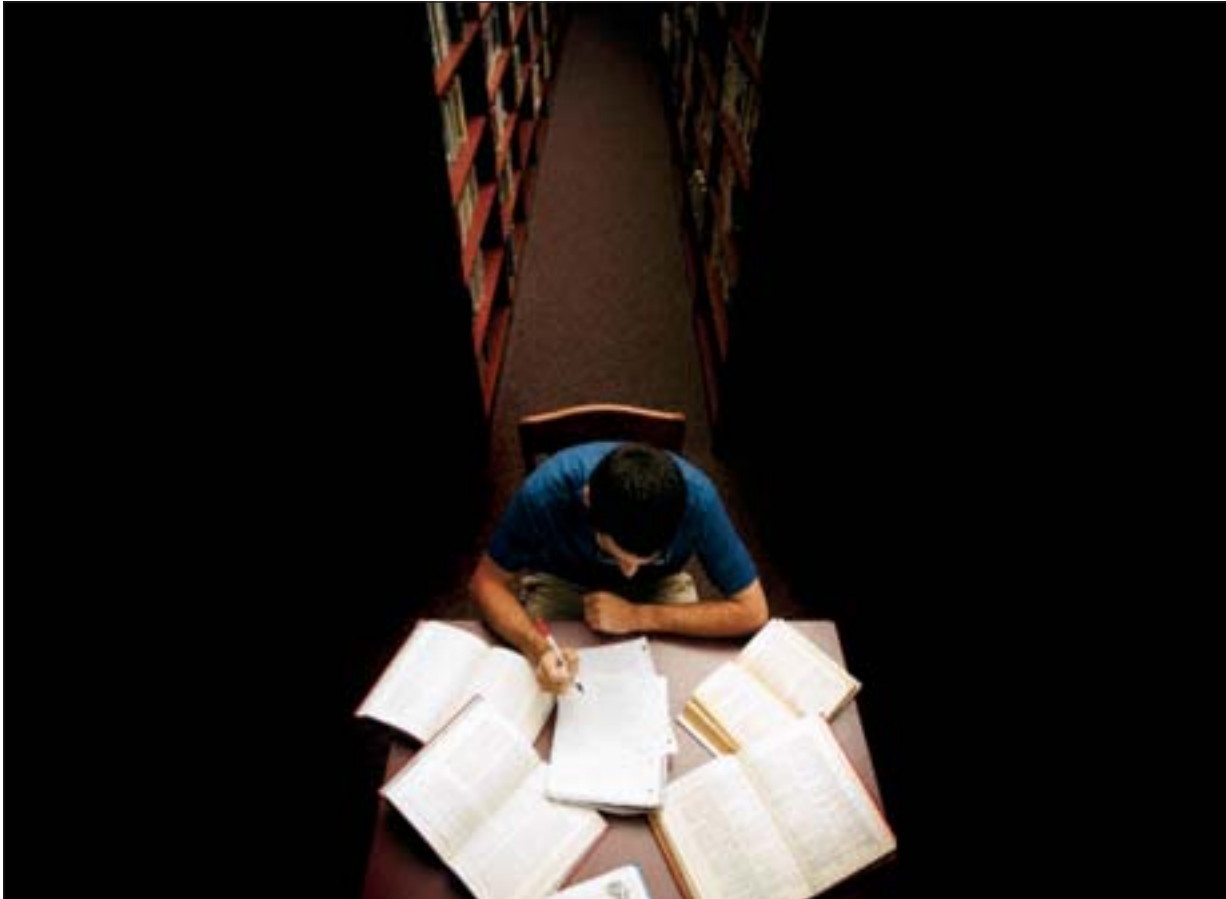
خلاصه مقالات همایش مولود

خیابان انقلاب بین فلسطین و مبای جنوبی
شماره ۱۱۷۸



«کتابسازی» در گفت و گو با ناشران، پژوهشگران و کارشناسان کتاب

ضد کتاب



پدیده کتابسازی، مسئله‌ای است که نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان همواره در مقابل آثار ارزشمند قرار گرفته است. پیدایی این رویکرد را مقارن با پیدایی صنعت چاپ می‌دانند، چراکه پس از مدت کوتاهی، برخی از ناشران که جنبه‌های فرهنگی کتاب را نادیده می‌گرفتند دریافته‌اند که می‌توان به شیوه‌هایی نه چندان اخلاقی و فرهنگی، صفحاتی را سرهم بندی کرد و آن را با جذابیت‌های ظاهری به خورد جماعت داد. وضع قانون حقوق مصنفان و مولفان سبب شد در مواردی مولفان و نویسندگان به اقدامات قانونی در برابر ناشر سودخواه بپردازند اما این قانون جهانی نیز نتوانست از پدیده کتابسازی جلوگیری کند، چراکه محدوده سی ساله آن پس از نشر اولیه اثر، دست ناشران تجاری را باز گذاشت تا پس از این زمان محدود، بدون توجه به حقوق معنوی آثار، آنها را با کمی تغییر و بدون منع قانونی، آنچنان که می‌خواهند به انتشار برسانند. اما اقداماتی که در این عرصه صورت گرفت، دست کم سبب شد تا از گسترش این پدیده غیر فرهنگی در جهان جلوگیری شود. به عنوان نمونه، دیوید سلینجر، نویسنده مطرح آمریکایی پس از آن که داستان‌های کوتاهش در یک کتاب دو جلدی جمع آمد، به شکایت از گردآورنده و ناشر پرداخت و هر چند رای اولیه دادگاه علیه این نویسنده بود، اما او در دادگاه تجدید نظر توانست رای جمع‌آوری این کتاب را به دست آورد.

خوشبختانه در چند سال اخیر، توجه ویژه‌ای در این مورد در کشور ما صورت گرفته است. به عنوان نمونه حدود دو سال قبل، مولفی بی‌آن که از داستان نویسان کسب اجازه کند، آثار ایشان را در مجموعه‌ای گردآورده بود. اعتراض یکی از نویسندگان به انتشار داستانی از خود در این مجموعه سبب شد تا ناشر متعهد شود تا در چاپ‌های بعدی، از انتشار آن داستان در مجموعه فوق‌الذکر جلوگیری کند. افزون بر این، انتشار کتاب‌هایی با استانداردهای مناسب و توجه به مسائل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کتاب، سبب شده تا مردم نیز با این عرصه آشنایی بیشتری حاصل کنند. چنانچه به گفته یکی از ناشران، این روزها کتابسازی به نفع مالی ناشر سودخواه منجر نخواهد شد. در کنار این مسائل، انتشار اخبار تازه منتشر شده در رسانه‌ها و اختصاص صفحات ویژه برای این مسئله، سبب شده علاقه‌مندان جدی، کتاب‌های مورد نیاز و علاقه خود را در این صفحات بیابند.

دکتر سیدرضا نقیب‌السادات، سردبیر نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، از بحث کتابسازی در ایران به عنوان مبحثی با گذشته تاریخی یاد می‌کند. وی معتقد است از آنجایی که برخی از ناشران ما به حقوق مصنف، مولف و پژوهشگر بها نداده‌اند و از سویی روند فنی کتاب از قبیل ویراستاری، تصحیح، نمونه خوانی، چاپ و گرافیک را مورد توجه قرار نداده‌اند، خود را مجاز دیده‌اند که با تغییراتی کوچک، کتاب را دوباره چاپ کنند. وی به چند پارچه کردن یک کتاب یا تقسیم آن به چند کتاب دیگر اشاره می‌کند و بر این باور است که ناشر با این کار اصالت کتاب را از بین خواهد برد. وی از بین بردن انسجام کتاب را به شکستن یک زنجیره تشبیه می‌کند و می‌گوید: هر کتاب درست شبیه یک زنجیره است. هرگاه بخشی از آن حذف شود، این زنجیره دیگر دارای اصالت نیست و به تعبیری

فرهنگی، با تشکیل این گروه‌ها، تا اندازه زیادی می‌توان از کتابسازی جلوگیری کرد.

محسن باقرزاده، مدیر انتشارات توس که از ناشران با سابقه بخش خصوصی به حساب می‌آید نیز از کتابسازی به عنوان یکی از مشکلات عرصه نشر یاد می‌کند. او با بیان این که این گرفتاری، همواره ناشران را با مشکل مواجه ساخته، از پخته‌خواری برخی از ناشران می‌گوید که بدون توجه به مسئله فرهنگ، حق مولف، مسائل فنی و اخلاق نشر، اثری را تنها برای آن که سودآور باشد به چاپ می‌رسانند. وی برای آن که حرف‌هایش با موردی عینی همراه باشد، به ذکر مثالی می‌پردازد. او از انتشار دیوان ملک الشعرای بهار توسط نشر متبوعش می‌گوید که با اجازه از خانواده شاعر و با ویراستاری و تلاشی چند ساله صورت گرفته است. باقرزاده سپس به انتشار سه مجموعه دیگر از دیوان ملک الشعرای بهار اشاره می‌کند که همزمان با این کتاب منتشر شد. وی در توضیح این مورد می‌گوید: «متأسفانه برخی از دوستان، تنها با رونویسی از روی دیوانی که حدود سی سال پیش توسط یک ناشر منتشر شده و بدون آن که هیچ هزینه و وقتی روی ویراستاری و تصحیح دیوان بگذارند، آن را با کیفیت بسیار نازلی منتشر کرده‌اند که این نکته دل آدمی را به درد می‌آورد.»

وی با اشاره به این که کتابسازی در عرصه مسائل علمی و پژوهشی بسیار مخرب تر از مسائل دیگر است، به استقبال مردم از آثار تاریخی پس از فیلم ضد ایرانی ۳۰۰ اشاره می‌کند و می‌گوید: در سال گذشته، مردم به کتاب‌های تاریخی علاقه نشان دادند. این سبب شد تا عده‌ای بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی، اقدام به کتابسازی در این عرصه کنند. به طور مثال تصاویری در این کتاب‌ها چاپ

چه کتابی اصیل و چه کتاب‌هایی سرهم بندی هستند. وی سپس به موارد دیگری از عرصه کتابسازی اشاره می‌کند که مضرات آن قابل جبران نیست. دکتر نقیب‌السادات از کتابسازی در حوزه علوم می‌گوید و مصداق آن را کتاب‌هایی مطرح می‌کند که برای آمادگی کنکور منتشر می‌شوند. به گفته این فعال عرصه مطبوعات و پژوهشگر، دانش‌آموزانی که در هنگام آمادگی برای کنکور زمان بسیار محدودی دارند، گاه با کتاب‌هایی مواجه می‌شوند که از کنار هم قرار گرفتن قطعاتی ناهمگون شکل گرفته است که این کتاب‌ها، وقت و هزینه دانش‌آموز را هدر می‌دهد. وی می‌افزاید: کتابسازی، صدمات اقتصادی قابل توجهی به جامعه تحمیل می‌کند و مهم‌تر از آن، جامعه را نسبت به کتابخوانی بی‌اعتماد می‌کند.»

دکتر سید رضا نقیب‌السادات، سپس به عرصه کنترل بر آثار اشاره می‌کند. به اعتقاد این مدیر فرهنگی، باید در عرصه انتشار کتاب‌هایی که ما آنها را کتابسازی می‌نامیم، کنترل بیشتری صورت گیرد. وی در این مورد می‌گوید: «متأسفانه کتاب‌هایی که برای دانش‌آموزان کنکوری منتشر می‌شوند، در کمتر زمان ممکن مجوز انتشار می‌یابند، چراکه این اعتقاد وجود دارد که در این کتاب‌های علمی، مسئله خلاف اخلاقی وجود ندارد. اما به گمان من، توجه نداشتن به حقوق مولف و اصالت برخی از این کتاب‌ها، مسئله بسیار مهمی است که باید به آن نیز توجه شود. وی وضع مقررات در این زمینه را بسیار مهم ارزیابی می‌کند و از کنترل آثار در مرحله اخذ مجوز می‌گوید. به گفته نقیب‌السادات، اداره کتاب باید با تشکیل گروه‌های متخصص به بررسی آثار بپردازد و در نهایت رای به اصالت اثر یا عدم آن بدهد. به اعتقاد این مدیر

درست‌تر از بین خواهد رفت. دکتر نقیب‌السادات، سپس در مورد مضرات کتابسازی به سه مورد اشاره می‌کند. او سردرگمی مخاطب را که همه اطلاعات لازم را در یک کتاب نخواهد یافت، هزینه‌ای که باید متقبل شود و اصالت نداشتن اثر را به عنوان مضرات کتابسازی عنوان می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه برخی از ناشران به دلیل سود بالایی که از این راه به دست می‌آورند بدون توجه به مسائل اخلاقی و فنی، اقدام به کتابسازی می‌کنند؛ چراکه این دسته از ناشران که برای مخاطبانشان احترام قائل نیستند، هیچ‌گونه توجهی به حق مولف ندارند و بدون توجه به مسائل فنی کتاب از قبیل ویراستاری و چاپ، قصد دارند کتاب را با کمترین هزینه ممکن به چاپ برسانند.»

سردبیر نشریه تخصصی کتاب ماه علوم اجتماعی، سپس به آگاهی مخاطبان در چند سال اخیر می‌پردازد. به گفته وی در سال‌های اخیر برخی از کتاب‌هایی که با توجه به شرایط فوق‌منتشر شده‌اند، بازدهی اقتصادی لازم را برای ناشر نداشته‌اند، چراکه مردم در حال رسیدن این آگاهی هستند که

انتشار کتاب‌هایی با استانداردهای مناسب و توجه به مسائل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کتاب، سبب شده تا مردم نیز با این عرصه آشنایی بیشتری حاصل کنند

شده که تنها برای فریب مخاطب آمده و هیچ ربطی به مطالب کتاب ندارد.

عبدالعلی دستغیب، منتقد باسابقه ادبیات داستانی، عرصه کتابسازی را یکی از عرصه های خطرناک حوزه نشر برمی شمرد. به گفته دستغیب، ذهن مردم با خواندن آثار نادرست و سرهم بندی شده آسیبی جدی می بیند. او کتابسازی را با غذاهای مسموم مقایسه می کند و معتقد است که همان گونه که غذای مسموم، سبب بیماری فرد می شود و او را تا مدتی از غذا خوردن دور می کند، کتابسازی و عرضه کتاب های نامناسب نیز سبب می شود تا ذهن مخاطب دچار بیماری شود. دستغیب سپس به سابقه کتابسازی در ایران اشاره و بیان می کند که این مورد در حال کاهش یافتن است و می گوید: «متأسفانه در سال های قبل، هر جریان متداول می شد، به سرعت برخی از ناشران بازاری، کتاب هایی در آن عرصه ارائه می کردند تا بازار کتاب را به دست گیرند.» دستغیب سپس به سرعت های ادبی اشاره می کند و آنها را بدترین نوع کتابسازی می داند. او معتقد است برخی از نویسندگان ایرانی با گرته برداری از داستان های بزرگ دنیا، آثاری را به نام خود منتشر می کنند و این بدترین کاری است که می توان در عرصه کتاب انجام داد.

بهاءالدین خرمشاهی از منظری دیگر به کتابسازی نگاه می کند. به گفته این مترجم، قرآن پژوه و پژوهشگر عرصه ادبیات، تشخیص آن که چه کتابی با تلاش مولف و چه کتابی بدون این تلاش منتشر شده، در نگاه اول بسیار دشوار است. به عقیده وی، برخی از کتاب ها که در ظاهر، آنها را کتابسازی می دانند، چه بسا محصول تلاش چندساله یک مولف باشد. خرمشاهی، توجه به این مسئله را خاص ناشران می داند و معتقد است که ناشران باید دارای یک تیم یا چند تیم متخصص باشند تا آثار را مورد بررسی جدی قرار دهند. وی در این مورد می گوید: «ناشران باید تیم هایی در عرصه های مختلف تخصصی داشته باشند و با استفاده از دانش آنها، به شناسایی آثار اصیل بپردازند. این تیم تخصصی که آنها را می توان در بسیاری از ناشران مطرح دنیا نیز یافت، ناشر را برای انتشار کتاب های جدی و موفق یاری خواهند رساند.» این پژوهشگر سپس به اقتصاد نه چندان قوی نشر در ایران اشاره می کند و می گوید: «متأسفانه با این شرایط، تشکیل این تیم های تخصصی کمی دشوار است.» خرمشاهی بدترین عرصه کتابسازی را عرصه کتاب های فرهنگ (دیگشتری) قلمداد می کند و می گوید: «متأسفانه در این عرصه ما با مشکلاتی جدی روبه رویم، چراکه به راحتی می توان در آن وارد شد.»

محمد حمزه زاده، مدیر انتشارات سوره مهر، کتابسازی را از عرصه های بی ضرر حوزه نشر معرفی می کند. او با بیان این که «اگر محتوای کتابی با مسائل اخلاقی اجتماع مخالف نباشد و بر اساس داده، نادرست قلمداد نشود، نمی توان آن را محکوم کرد، می افزاید: اگر کتاب ها از نظر فنی نیز به درستی منتشر شوند یعنی اگر در چاپ، ویراستاری، صفحه آرایی، انتخاب کاغذ و سایر موارد فنی کتابی با مشکل مواجه نشود و اطلاعات آن نیز نادرست نباشد، کتابی بی ضرر به حساب می آید.»

حمزه زاده درباره نویسندگانی که آثار آنها یا بخشی از آثارشان بدون اجازه منتشر می شود می گوید: «ایشان باید از طریق مراجع قضایی پیگیری شوند، چراکه پیگیری آنها سبب کاهش کتابسازی و مسائل پیرامونی آن خواهد شد.» وی از سوی دیگر دشواری مسئله کتابسازی را مطرح می کند. به گفته این ناشر، تشخیص این که چه کتابی کتابسازی شده و چه کتابی دارای اصالت است آنچنان آسان نیست و قضاوت رادر مورد آثار سخت می کند. وی در نهایت کتابسازی را مخل کتابخوانی کشور نمی داند و بر این باور است که این کتاب ها، گاه خود سبب کتابخوانی و علاقه مردم به کتاب خواهد شد» اعتقادی که با باور بسیاری از اهالی نشر، تناسب چندانی ندارد.

دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی ضمن تحقیق درباره سرانه مطالعه در جهان بررسی می کند

عادت های جهانی کتابخوانی



مرتضی قدیمی: حمایت از انتشار کتاب های ارزشمند و ترویج فرهنگ کتابخوانی و برنامه ریزی های فرهنگی و کتابخوانی از وظایف اصلی دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی است.

در این میان جمع آوری و ترجمه طرح ها و پژوهش های انجام شده در حوزه ترویج و ترغیب کتابخوانی و عادت مطالعه در سایر کشورها در حال حاضر در واحد کتابخوانی دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست تهیه و تدوین است.

هدف این طرح به گفته مسئولان این دفتر، بهره گیری از تجربیات سایر کشورها در این حوزه است؛ به طوری که راهکارهای ارائه شده در هر طرح، بر اساس ضوابط و شرایط تعیین شده در سیاست های فرهنگی کشور و در قالب طرح های اجرایی مد نظر قرار می گیرد.

بهره گیری از تجربیات دیگران

سالاری، مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی درباره فعالیت های این دفتر می گوید: «دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی یکی از ادارات تحت پوشش معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که وظیفه اصلی آن حمایت از کتاب های ارزشمند و طرح های فرهنگی است.»

سالاری درباره حمایت از کتاب های ارزشمند و طرح های فرهنگی با اشاره به شیوه های این حمایت می گوید: «این حمایت ها به دو شکل انجام می شود، یا به صورت پیش خرید و یا خرید کل حق انتشار آن کتاب یا مجموعه که البته باید در این بین به سفارش طرح ها و پژوهش های فرهنگی هم اشاره کنیم؛ برای مثال طرح سرانه مطالعه را می توان نام برد که در حال حاضر با پژوهشگاه فرهنگ و هنر در ارتباط با آن همکاری داریم.»

مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی درباره اهداف این حمایت ها به برطرف کردن خلاهای فرهنگی اشاره می کند و می گوید: «سعی می کنیم در قالب این حمایت ها خلاهای فرهنگی را شناسایی و ارزیابی کنیم؛ به عنوان مثال از کتاب هایی که ارزشمندند و ناشران خصوصی به دلیل هزینه بالای چاپ و یا داشتن مخاطبان خاص توانایی انتشار آنها را ندارند، حمایت کنیم.»

سالاری می افزاید: «یکی دیگر از فعالیت های این دفتر بحث ترویج کتابخوانی است که در این بخش سعی کرده ایم مطالعات تطبیقی در خصوص سایر کشورها انجام دهیم.»

مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی درباره این طرح می گوید: «هدف از اجرای این طرح بهره گیری از تجربیات سایر کشورها در حوزه ترویج و ترغیب کتابخوانی و بررسی عادت مطالعه در سایر کشورهاست.»

سالاری درباره ویژگی این طرح ها می گوید: «سعی می کنیم ایرانی عمل کنیم، چراکه شاهدیم که در برخی از نقاط دنیا آمار مطالعه بالاست، ولی کتاب هایی که در آنجا منتشر می شوند و مورد استقبال قرار می گیرند، برای ما مناسب نیستند؛ بنابراین سعی ما بر این است که این طرح ها و پژوهش ها را بومی سازی کنیم.»

سالاری گام بعدی را رایزنی با مراکز فرهنگی ایران در سایر کشورها می داند و می گوید: «بعد از انجام مطالعات و جمع آوری اطلاعات گام بعدی ما رایزنی با مراکز فرهنگی سایر کشورها و هدف ما احصاء راه های ترویج فرهنگ کتابخوانی، سرانه مطالعه و چگونگی به دست آوردن میزان سرانه

مطالعه است.»

سالاری مرحله بعدی را استخراج راهکارها و روش هایی می داند که به بالا رفتن سرانه مطالعه در کشور می انجامد.

وی با اشاره به ضرورت اجرایی کردن این طرح ها می گوید: «بعد از استخراج راهکارها آنها را به معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل می کنیم و این معاونت این راهکارها را اجرایی می کند.»

بومی سازی مطالعات

در دسترس قرار دادن کتاب های ارزان قیمت از جمله مواردی است که سالاری در مسیر ترویج فرهنگ کتابخوانی به آن اشاره می کند. به گفته وی یکی از راهکارها در این زمینه در دسترس قرار دادن کتاب های ارزان قیمت است که راه اندازی کتاب مسافر در قطار و هواپیماها از جمله این اقدامات بوده است.

سالاری درباره مخاطبان و گروه هدف پژوهش های دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی می گوید: «در بحث سرانه مطالعه، مخاطبان عامی را که از توان خواندن و نوشتن برخوردارند؛ به عبارتی از سوم ابتدایی را مد نظر داریم علاوه بر این در این طرح ما بخشی از مطالعه را در نظر داریم که مطالعه اختیاری است؛ یعنی در این طرح مطالعه اجباری که مربوط به مطالعه کتاب های درسی می شوند لحاظ نمی شود.»

سالاری با اشاره به اهمیت و اولویت توجه به دانش آموزان در این بخش می گوید: «برنامه های مختلفی در مکان های مختلف از جمله کارخانجات، زندان ها، مدارس و دانشگاه ها داریم و سعی می کنیم هر برنامه ای را که به رشد کتابخوانی می انجامد، مورد بررسی قرار دهیم. برای مثال در مدارس با برگزاری نمایشگاه های مختلف کتاب ها را با تخفیف در اختیار دانش آموزان قرار می دهیم. در حال حاضر طرح ۲۵ هزار نمایشگاه در ۲۵ هزار مدرسه را در دست داریم و طرح دیگر ما بحث ساعت مطالعه در مدارس است. در این ساعت سعی داریم مطالعه هدفمند و کارآمد را آموزش دهیم. این طرح در شورای عالی آموزش و پرورش مطرح شده است و در دست بررسی است.»

مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی درباره زمان بندی و برنامه ریزی طرح های ترویج فرهنگ کتابخوانی می گوید: «سند چشم انداز و برنامه پنج ساله تکلیف را روشن می کند؛ علاوه بر این که تلاش می کنیم ضمن

افزایش شاخص های کمی از لحاظ کیفی هم رشد مطلوبی داشته باشیم.»

سالاری می گوید: «در حال حاضر سرانه مطالعه هر میزان که باشد، سعی داریم آن را افزایش دهیم.»

تنبیث عادت مطالعه از کودکی

یکی از طرح هایی که در حال حاضر در دست دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی است، جمع آوری و ترجمه طرح ها و پژوهش های انجام شده در حوزه ترویج و ترغیب کتابخوانی و عادت مطالعه در سایر کشورهاست.

فاطمه کنارسری کارشناس این طرح درباره ویژگی های آن می گوید: «در این طرح بنا را بر این گذاشته ایم که از تجربیات سایر کشورها در راستای ترویج کتابخوانی استفاده کنیم.»

کنارسری می افزاید: «در این طرح کشور خاصی را مد نظر نداریم و شیوه هایی را به کار برده ایم که به رونق کتابخوانی بینجامد. ما از این طرح ها ایده می گیریم و با توجه به سیاست های فرهنگی خودمان طرح های جدیدی را ارائه می دهیم.»

کنارسری درباره موضوعات این طرح ها هم می گوید: «ممکن است این طرح ها در مورد کتابخانه ها، آموزش کتابخوانی یا فعالیت های گروه زنان باشد.» کارشناس این طرح درباره منابع این اطلاعات می گوید: «منبع اصلی ما اینترنت است و از یونسکو، کتابخانه کنگره و سایت های مرتبط با کتابخوانی هم اطلاعاتی را استخراج کرده ایم که در حال ترجمه و دسته بندی آنها هستیم.»

فاطمه کنارسری برخی از روش های ترویج کتابخوانی به دست آمده از این مطالعات را این گونه معرفی کند: «ترویج کتابخوانی از طریق کار با کودکان، چگونگی تشویق نوجوانان به استفاده از کتابخانه ها و ترویج مطالعه فوق برنامه، برنامه ریزی بر مبنای کتاب و پرورش کتابخوانان و ترویج مطالعه در کتابخانه های مدارس و کتابخانه های عمومی.»

کنارسری درباره گروه های هدف این مطالعات می گوید: «یکی از گروه های هدف ما کودکان و نوجوانان هستند که بسیار مورد توجه قرار گرفته اند. علاوه بر این در این پژوهش ها کتابخانه های عمومی یک رکن مهم به حساب می آیند که می توانند نقشی اساسی را ایفا کنند.»

کنارسری می افزاید: «در حال حاضر در حال جمع آوری اطلاعات هستیم و هدف اصلی ما تثبیت عادت مطالعه از کودکی است؛ هر چند در این طرح ها گروه های جوانان و بزرگسالان نیز مورد توجه قرار دارند.»

گزارشی از گردهمایی خبرنگاران حوزه کتاب به مناسبت روز خبرنگار

تیر یک؛ این بار خبرنگار

حرفه ای پوشش خبری در عرصه کتاب اشاره کرد و گفت: «پربار سازی (مشارکت در آماده سازی منابع) جامع نگری (نگاه همه جانبه به مسائل) سرعت پوشش اخبار، نوآوری در پوشش رسانه ای، کیفیت انتقال دقیق، بهره وری، سودمندی، صداقت، درستی و امانتداری از جمله این اصولند.»

در ادامه مراسم میترا لبافی خبرنگار واحد مرکزی خبر از ارتباط بین ناشران و خبرنگاران کتاب سخن گفت. به گفته این خبرنگار، دغدغه نوشتن و نشر تنها به عهده ناشران نیست و خبرنگاران نیز در این عرصه سهم اند. وی افزود: «امیدوارم شاهد روزی باشیم که انصاف به صورت برابر برای همه کسانی که در عرصه کتاب فعالیت می کنند به وجود آید.» پس از وی سام محمودی سرابی به عنوان آخرین خبرنگار سخنران پشت تریبون رفت. وی خواستار توجه بیشتر به خبرنگاران حق التحریر حوزه کتاب شد.

برپایی جشن بزرگ خبرنگار کتاب در حالی پایان یافت که خبرنگاران پس از صرف شام در هتل بلور، دقایقی را به گفت و گو با یکدیگر و تبادل تجربه در عرصه خبرنگاری پرداختند. آنها همچنین این فرصت را یافتند که با مسئولان و مدیران فرهنگی حاضر در مراسم به گفت و گوهای صمیمانه و رودر رو بپردازند و مشکلات خود را مطرح کنند.



کتاب ماه علوم اجتماعی که در این مراسم حضور داشت نیز با اشاره به پیچیدگی های جهان امروز که سبب شده خبرنگار به مثابه مخاطب به عرصه خبری خود نگاه کند، افزود: «لازمه این مهم صداقت، درستی و امانت است و امیدوارم همه خبرنگارانی که در عرصه کتاب به فعالیت مشغولند با رعایت این اصول، شایسته مقام خبرنگاری باشند.» وی به اصول

پشت تریبون برود. خبرنگار اعتماد در ابتدای سخنان خود از اتفاقات ناگواری سخن گفت که در سال گذشته برای اهل قلم روی داده و بالطبع خبرنگاران حوزه کتاب را نیز سوگوار کرده است. او از حاضران خواست برای شادی روح قیصر امین پور و نادر ابراهیمی یک دقیقه سکوت کنند. سپس صاحبان زنده به محور پرداخت که توجه به آنها می تواند حوزه اطلاع رسانی کتاب را وارد فضای بهتری کند. این خبرنگار حوزه کتاب در ابتدا به انجمن صنفی منتقدان سینمای ایران، انجمن منتقدان و خبرنگاران تئاتر و چند انجمن مشابه دیگر اشاره کرد و تشکیل انجمن صنفی خبرنگاران و منتقدان حوزه کتاب را خواستار شد. وی در بخشی دیگر از سخنانش بهبود وضعیت کتابخوانی را به بخش های خصوصی و حرکت های خودجوش بخش فرهنگ مرتبط دانست و از ارتباط این موضوع با اصل چهل و چهار قانون اساسی و اجرای آن سخن گفت. سجاد صاحبان زند همچنین از حوزه خبرنگاری کتاب به عنوان یک حوزه مادر نام برد و بی توجهی به آن را در نهایت، بی توجهی به کل فرهنگ قلمداد کرد. این خبرنگار در نهایت با طرح پیشنهاد توجه به حوزه کتاب، خواهان جدی تر گرفتن این حوزه از سوی خبرنگاران و سایر دست اندرکاران این حوزه شد.

پس از خبرنگار اعتماد، سایر محمدی خبرنگار با سابقه روزنامه ایران پشت تریبون رفت. او از تجربیات ۲۰ ساله خود به عنوان خبرنگار کتاب گفت و از پرکاری اش در چند سال گذشته. این خبرنگار کتاب که علاوه بر ستون روزانه «امروز با...» در روزنامه ایران، صفحه پنجشنبه بازار کتاب را نیز با محوریت معرفی تازه های نشر تهیه می کند، چند خاطره با محوریت مصائب خبرنگاران حوزه کتاب عنوان کرد. او در این خاطرات به نقد عملکرد برخی ناشران و مولفان پرداخت که برخورد درستی با خبرنگاران کتاب ندارند. وی در این مورد گفت: «مشکلات حوزه نشر تنها به خبرنگاران مربوط نمی شود. بلکه به ناشران نیز برمی گردد که با بی توجهی به خبرنگاران حوزه کتاب و اهمیت قائل نشدن برای کار خبری در این حوزه، مشکلاتی را برای خبرنگاران فراهم آورده است.»

پس از ارائه نکاتی طنز آمیز توسط ناصر فیض که با استفاده از صفحه نیازمندی های روزنامه خوانده شد، غلامرضا معصومی خبرنگار حوزه کتاب روزنامه جام جم پشت تریبون رفت. وی به بخش جدایی ناپذیر انتقاد در حوزه کتاب اشاره کرد و گفت: «با توجه به این که انتقاد بخش جدایی ناپذیر حرفه خبرنگاری به حساب می آید، این حوزه نیازمند نگاه تیزبین و دقیق خبرنگاران است.» معصومی همچنین به نوع پرداخت اخبار و معرفی کتاب ها اشاره کرد و افزود: «خبرنگار کتاب نباید نگاه وسیع و همه جانبه خود به این عرصه را فراموش کند.»

مصطفی خلجی سخنران بعدی بود تا به عنوان یک خبرنگار کتاب از خصوصیات حرفه اش بگوید. او از این که خبرنگاری در حال گسترش است از پاگرفتن بیشتر این حوزه سخن گفت و ضمن تبریک روز خبرنگار افزود: «امیدواریم خبرنگاری حوزه کتاب چنانچه هم اکنون در حال خروج از نوپایی است، بارورتر شده و در جایگاهی که شایسته آن است قرار گیرد.»

پس از خلجی، دکتر نفیبه السادات سردبیر

حضور پر شور خبرنگاران حوزه کتاب در جشن بزرگ خبرنگاران این حوزه در حالی بود که بسیاری از خبرنگاران حاضر در این مراسم از گسترش حوزه خبری خود و حضور قابل توجه خبرنگاران این حوزه در این مراسم اظهار خرسندی می کردند. مراسم، بسیار دوستانه و صمیمانه برگزار شد به گونه ای که مسئولان فرهنگی حاضر در مراسم از جمله دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی اکبر اشعری، مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس کتابخانه ملی ایران، علی شجاعی صائین، مدیرعامل خانه کتاب، محمود سالاری مدیرکل دفتر توسعه برنامه ریزی و کتابخوانی وزارت ارشاد و جمعی از مدیران و مشاوران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صمیمانه در کنار خبرنگاران کتاب نشستند و در برخوردی که در این رهگذر حاصل شد، بسیاری از مشکلات و مصائب امر اطلاع رسانی کتاب با معاون فرهنگی وزیر ارشاد و دیگر مسئولان در میان گذاشته شد.

اما این گفت و گوهای صمیمانه و نشست دوستانه مانع از آن نشد که بحث های جدی در این جمع مطرح نشود. چند محور در سخنرانی های کوتاه خبرنگاران حوزه کتاب مطرح شد که تامل و توجه مسئولان را طلب می کند. توجه نکردن برخی از ناشران و ایجاد فرهنگ سازی در این زمینه که رسانه بخشی جدانشدنی از کتاب است، یکی از این مسائل بود. جدا از این موضوع، توجه جدی به کتاب به عنوان حوزه مادر، تشکیل انجمن صنفی خبرنگاران حوزه کتاب، توجه به حقوق صنفی خبرنگاران و برخی از مسائل مرتبط با این موضوع از جمله مسائلی بود که توسط خبرنگاران این حوزه مطرح شد.

مراسم با کلام کوتاه دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز شد. دکتر پرویز که خود نیز از اهالی قلم به حساب می آید، با اشاره به آن که قصد آن دارد سخنان خبرنگاران را بیشتر بشنود، اعیاد شعبانیه و تقارن آن با روز خبرنگار را تبریک گفت و افزود: «از اقدامات اصحاب رسانه قدردانی می کنم و امیدوارم رهر و شهیدان بزرگوار حرفه خبرنگاری باشیم.»

پس از معاون فرهنگی وزارت ارشاد، جوادمهرزاده، دبیر بخش ادب و هنر خبرگزاری مهر به ایراد سخن پرداخت. مهرزاده که چند سالی از عمر خود را به عنوان خبرنگار کتاب سپری کرده است، از حضور فرزند خبرنگاران حوزه کتاب ابراز خرسندی کرد. وی ضمن تبریک روز خبرنگار به مصائب اشاره کرد که خبرنگاران حوزه فرهنگ همواره با آن روبه رو هستند و اظهار امیدواری کرد که خبرنگاران این حوزه برای پیمودن این مسیر خطری با جدیت بیشتری به فعالیت بپردازند، سختی ها را کنار بزنند و مردم را هر چه بیشتر با کتاب آشنا کنند. وی در این باره گفت: «در حرفه خبرنگاری، همیشه مشکلاتی وجود داشته که سبب شده به مقولات فرهنگی کمتر پرداخته شود. بر همین اساس برای ادامه راه پیشکسوتان این حرفه لازم است با جدیت بیشتری کار در این عرصه را دنبال کنیم.»

جلسه دوستانه و صمیمانه بزرگداشت خبرنگاران حوزه کتاب با اجرای علی آقاغفار، سرپرست خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) همراه بود. وی که همواره می کوشید در راستای فضایی دوستانه، جمع را با خود همراه کند از خبرنگار روزنامه اعتماد خواست که به عنوان سخنران بعدی



فراخوان

انجمن خبرنگاران ایران

بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۸۷ برگزار می شود. بر این اساس دبیرخانه کتاب سال از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و ناشران دعوت می کند، آثار خود را تا ۲۱ شهریور ۱۳۸۷ به نشانی زیر ارسال کنند.

اهداف کتاب سال:

- ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی
- حمایت و تشویق مولفان، مترجمان و مصححان و ناشران متعهد کشور

شرایط شرکت در کتاب سال:

- آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ منتشر شده باشند.
- کتاب های درسی و کمک درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان فلسطین جنوبی و صبا، شماره ۱۱۷۸، طبقه ۴-، دبیرخانه کتاب سال

تلفن: ۶۶۹۶۶۱۳۹، دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.ketabsal.ir



چرا کتاب های پالتویی خوب می فروشند؟

سفر با پالتو به سرزمین کتاب

وارداتی در یک اندازه وارد ایران می شود و ناشر برای جلوگیری از هدر رفتن کاغذ مجبور است یکی از این سه اندازه را برای کتاب خود در نظر بگیرد اما در خارج از کشور اندازه کاغذ متنوع است، پس طبیعتاً، قطع های متنوع تری نیز وجود دارد.

اهمیت قطع کتاب در کتابخانه ها

چیدمان کتاب در کتابخانه نیز عامل تعیین کننده دیگری در این زمینه است. مریم پورثانی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در زمینه کتابداری در این باره می گوید: «در کتابخانه های کودکان ۹۹ درصد از کتاب ها قطع خشتی دارند چون به ساده ترین و جذاب ترین روش می توان آنها را چید. در کتابخانه های دبیرستان ها و بزرگسالان نیز قطع وزیری در سایزهای ۲۰x۱۳ سانتیمتری و ۲۰x۲۶ سانتیمتری چید مناسب تر است. اما در این وجود در کتابخانه های کودکان آنچه اهمیت دارد این است که بچه ها بتوانند به راحتی به کتاب دسترسی داشته باشند. به همین دلیل قطع مختلف کتاب در کتابخانه کودکان مشکل چندانی ایجاد نخواهد کرد. چون با جابه جا کردن قفسه ها می توان قطع های خیلی بزرگ و یا خیلی کوچک را به صورت مرتب و با لیبیل های رنگی چید. لازم به ذکر است که تنوع قطع کتاب ها جذابیت بیشتری برای کتابخانه های کودکان ایجاد خواهد کرد.»



ارتباط لازم را برقرار کرده اند.

صرف نظر از سلیقه ناشر عوامل دیگری نیز در تعیین قطع کتاب موثر است. ناصر در این باره می افزاید: «استاندارد قطع کتاب در ایران بیشتر بر اساس اندازه کاغذ یعنی در سه اندازه رقیعی، وزیری و خشتی تعیین می شود. به این دلیل که کاغذهای

مختلف می گوید: قطع کتاب ها معمولاً با توجه به بازاری و غیربازاری بودن آنها در نظر گرفته می شود و درصد بالایی از کتاب های بازاری قطع خشتی دارند در حالی که قطع کتاب های غیربازاری از تنوع بالاتری برخوردار است.»

اندازه کاغذ وارداتی تعیین کننده است

به نظر می رسد قطع کتاب های موجود در بازار بر حسب سلیقه و امکانات ناشر انتخاب شده است. مدیرمسئول انتشارات گوهر دانش که کتاب های مختلفی را در قطع های مختلف و شکل های گوناگون از قبیل کتاب های ۱۰x۱۰ سانتیمتری، ۶ ضلعی، ۱۷/۵x۱۲/۵ سانتیمتری و ... به چاپ رسانده درباره اهمیت این موضوع می گوید: «بازار نشر خارج از کشور تنوع قطع بیشتری دارد. تنوع در قطع کمک بزرگی به فرهنگ مطالعه، به خصوص در قشر کودک خواهد کرد البته ما نیز همواره سعی مان بر این بوده تا بازار کتاب ایران را ارتقای کیفی بخشیم.»

مژگان ناصر مدیرمسئول روابط عمومی انتشارات شباویز در این باره می گوید: «همه کتاب های ما در قطع وزیری ۱۷x۲۴ به چاپ می رسد. این قطع استاندارد بین المللی است و به این دلیل که بیشتر فعالیت ما مربوط به نمایشگاه های خارجی و بین المللی است، این قطع را برای کتاب هایمان در نظر گرفته ایم. تاکنون نیز مخاطبان با کتاب هایمان

همه روزه کتاب های فراوانی در قطع های متنوع چاپ و روانه بازار می شود. بنابر اطلاعات موجود در خانه کتاب، در سال ۸۶ کتاب های قطع پالتویی، پرشمارگان ترین کتاب های کودک، نوجوان و بزرگسال را تشکیل داده اند؛ کتاب «دختران آسمان» که توسط انتشارات سنبله با شمارگان ۳۵۰ هزار نسخه در گروه سنی کودک و نوجوان به چاپ رسیده و کتاب «در مسیر شکوفایی» که با شمارگان نهصد هزار نسخه توسط انتشارات الهدی و برای رده سنی دبیرستان منتشر شده است. این کتاب ها برای دانش آموزان در نظر گرفته شده است؛ یعنی افرادی که در سنین کودکی و نوجوانی قرار گرفته اند.

ارتباط جوانان با کتاب های قطع کوچک

راضیه تجار نویسنده «آرام شب به خیر» و «کوچه افاقا» که هر دو در قطع رقیعی به چاپ رسیده اند، در این باره می گوید: قطع پالتویی از نظر حسی با مخاطب ارتباط بیشتری برقرار می کند. در گذشته نیز بهترین کتاب ها در قطع کوچک یعنی قطع جیبی بودند و به این ترتیب کتاب های خوبی با قیمت مناسب عرضه می شد. به طور کلی قطع های کوچک مثل پالتویی و جیبی برای نسل جوان جذابیت بیشتری ایجاد می کند.»

سیدمحمد نصری مدیرمسئول انتشارات گوهر دانش درباره اهمیت چاپ کتاب در قطع های

کمیته سیاست گذاری این نمایشگاه از پنج عضو فعال تشکیل شده است و اعضای ستاد ثبت نام و دبیرخانه نمایشگاه نیز دوازده نفر هستند.

چرا این تاریخ برای برگزاری نمایشگاه انتخاب شده است؟

به این دلیل این نمایشگاه را در تاریخ ۱۶ تا ۲۳ شهریور ماه برگزار می کنیم که هنوز حدود دو هفته تا آغاز سال تحصیلی باقی مانده است و مردم ناچار به تعجیل نخواهند بود. ساعات برگزاری آن را هم از ۹ صبح تا ۱۰ شب انتخاب کرده ایم تا مراجعه کنندگان فرصت داشته باشند پیش یا پس از زمان افطار به نمایشگاه بیایند و اقلام مورد نیاز خود را تهیه کنند.

برگزاری این نمایشگاه چه اثری بر حذف وسایل کمک آموزشی و بعضاً نوشت افزار از نمایشگاه های کتاب دارد؟

ما به نمایشگاه های کتاب یا سایر نمایشگاه هایی که بازار هدف ما را هم پوشش می دهند، به عنوان رقیب نگاه نمی کنیم و معتقدیم که هر چه تعداد نمایشگاه ها بیشتر باشد، بازار وسایل کمک آموزشی و نوشت افزار، رونق بیشتری می گیرد.

اما آنچه مشخص است این است که هر چه نمایشگاه ها به سمت تخصصی تر شدن پیش بروند، برای تولید کنندگان، نمایندگی ها و مصرف کنندگان بهتر خواهد بود. به عنوان مثال نشر الکترونیک همه ساله در نمایشگاه کتاب حضور داشت اما در حال حاضر که نمایشگاه فناوری های دیجیتال، به طور تخصصی توسط وزارت ارشاد برگزار می شود، این نمایشگاه از نمایشگاه کتاب جدا شده است. این مساله درباره وسایل کمک آموزشی و نوشت افزار هم صدق می کند. پیش از این در نمایشگاه های کتاب یا کامپیوتر، بخش هایی به این اقلام اختصاص داشت. البته در ابتدای امر به خاطر گستردگی مخاطبان نمایشگاه کتاب، ممکن است برخی تولید کنندگان از تخصصی شدن این نمایشگاه ناراضی باشند اما به مرور متوجه اثرات مثبت این نمایشگاه خواهند شد.

با مدیر اجرایی نخستین نمایشگاه وسایل کمک آموزشی و نوشت افزار

خرید بی واسطه نوشت افزار

بنفشه محمودی: نخستین نمایشگاه وسایل کمک آموزشی و نوشت افزار ۱۶ تا ۲۳ شهریور ماه در سالن حجاب مرکز آفرینش های هنری و ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهران برگزار می شود. این نمایشگاه، امسال برای نخستین بار با هدف معرفی توانمندی ها، امکانات و محصولات این حوزه برگزار می شود. اتابک اصغری مدیر اجرایی این نمایشگاه در گفت و گو با کتاب هفته به تشریح اهداف و برنامه های این نمایشگاه پرداخته است. وی پیش از این مدیریت اجرایی کمیته امور رایانه ای یازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن، مدیریت اجرایی نمایشگاه کامپ مازندران، مدیریت پنجمین نمایشگاه نشر الکترونیک و ... را بر عهده داشته است.

تشکیل می دهند؟

سازمان ها، مراکز و موسسات مرتبط، تولید کنندگان نوشت افزار، لوازم کمک آموزشی و کمک درسی مدارس، مراکز آموزش عالی و دانشگاه ها، دست اندرکاران دانش فناوری ارتباطات و اطلاع رسانی، تولید کنندگان نرم افزارهای رایانه ای مرتبط و فرآورده های الکترونیکی و چند رسانه ای، تولید کنندگان و توزیع کنندگان انواع لوازم نقشه کشی، تجهیزات مدرسه ها و موسسات آموزشی، انتشارات آموزشی، لوازم آموزشی و تربیتی، سرگرمی ها و اسباب بازی های آموزشی و سایر فرآورده های مرتبط در این نمایشگاه حضور خواهند داشت.

چرا تا کنون چنین نمایشگاهی به طور مستقل برگزار نشده است؟

شاید به این دلیل که تا کنون توجه چندانی به این حوزه نشده و به شکل مستقل به آن نگریسته نشده است. بنابراین شاید در سال های اولیه برگزاری این نمایشگاه، متقاعد کردن تولید کنندگان برای شرکت گسترده در آن کمی سخت باشد، اما در سال های بعد وضعیت بهتر خواهد شد.

چه تعداد تولید کننده نوشت افزار و وسایل

اصولی ترین اهداف برگزاری نخستین نمایشگاه وسایل کمک آموزشی و نوشت افزار چیست؟

این نمایشگاه در راستای اهداف دولت نهم برای عرضه مستقیم کلیه کالاها و حذف واسطه ها و با هدف عرضه نوشت افزار با قیمت مناسب برگزار می شود.

برگزاری نمایشگاه مستقلاً در این سطح تاکنون مطرح نبوده است و وزارت بازرگانی یا شهرداری در قالب نمایشگاه های عرضه مستقیم کالا، غرفه هایی را به لوازم التحریر اختصاص می دادند که در این شکل عرضه، معمولاً عموم تولید کنندگان موفق به عرضه محصولات خود نمی شدند. بنابراین دومین هدف برگزاری این نمایشگاه، گردهم آوردن عموم تولید کنندگان در کنار یکدیگر بود. در این صورت فضای رقابتی ایجاد می شود و سود نهایی را مصرف کننده می برد، چون با حضور تمام تولید کنندگان نوشت افزار و وسایل کمک آموزشی، قدرت انتخاب مصرف کنندگان بالاتر می رود.

بابرگزاری مستقل این نمایشگاه، فعالان این صنف ها از وجود یکدیگر باخبر می شوند و رقابت میان آنها، سبب بهبود وضعیت بازار می شود.

چه نهادهایی در برگزاری این نمایشگاه شما را یاری داده اند؟

در وهله اول، آنچه اهمیت دارد، قانونمند بودن فعالیت هاست که جز با کسب اجازه از نهاد های مربوطه امکان پذیر نیست. مجوز برگزاری این نمایشگاه از سوی دفتر معام و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است و با سایر قسمت های مرتبط با فعالیت این نمایشگاه در وزارت ارشاد نیز رایزنی هایی انجام داده ایم. برای جلب همکاری نیز با نهاد هایی مانند وزارت بازرگانی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رایزنی هایی انجام شده تا از همه امکانات موجود در جهت هر چه بهتر برگزار شدن این نمایشگاه استفاده کنیم. چه اصنافی شرکت کنندگان در این نمایشگاه را



سایر محمدی

«دزیره» عنوان رمانی به قلم آن ماری سلینکو نویسنده گمنام اتریشی است که چهره واقعی و ویژگی های ذاتی ناپلئون را به عنوان شخصیتی موثر در تاریخ فرانسه و جهان ترسیم می کند. این رمان که نزدیک به پنج دهه قبل از سوی چند تن به فارسی ترجمه و منتشر شده بود، اخیراً با برگردان پرویز شهدی از سوی نشر صدای معاصر و انتشارات مجید به بازار آمده است. پرویز شهدی از جمله مترجمان فعال و حرفه ای در عرصه ادبیات امروز است که فعالیتش را هنگام تحصیل و اقامت در بروکسل حوالی سال ۴۸ با ترجمه رمان «مهابت» اثر پی یر لامور که سرگذشت دوبوسی موسیقیدان بزرگ اتریشی و «شاعر سرگردان» اثر کنیون سرگذشت شرلی شاعر معروف انگلیسی بود آغاز کرد. این دو کتاب توسط انتشارات معین چاپ و منتشر شده اند. شهدی در ترجمه آثار شاخص از نویسندگان بزرگ جهان هم به رمان کلاسیک نظر دارد و هم رمان نو به همین خاطر در کارنامه اش از رمان «شرق بهشت» جان اشتاین بک و «قراز و نشیب زندگی بدکاران» بالزاک تا رمان های «سال گذشته در مارین باد» و «پاک کن ها» از آلن رب گری به را می بینیم. پرویز شهدی مدتی است که ترجمه رمان «خانواده نفرین شده» اثر مارک دوگن فرانسوی را به پایان برده و برای اخذ مجوز تحویل وزارت ارشاد اسلامی داده است. از همین نویسنده دو کتاب دیگر به نام «آفاق چهره های فروریخته» و «بیلاق انگلیسی» آماده چاپ است. شهدی هم اکنون بنا به سفارش ناشرش، رمان معروف «برادران کارامازوف» داستایفسکی را در دست ترجمه دارد.

پرویز شهدی از ترجمه های تازه اش می گوید

پشت پرده آمریکا



آقای شهدی از آثار تازه چه خبر؟

دو - سه رمان تازه دارم از یک نویسنده فرانسوی که با چاپ و انتشار این آثار در ایران معرفی می شود. کار اولین رمان از این نویسنده مدتی است به پایان رسیده. این رمان با نام «خانواده نفرین شده» کندی به زودی منتشر خواهد شد و نویسنده اش هم مارک دوگن است. این رمان براساس سرگذشت و زندگی ادگار هورر نوشته شده که مدت ۴۸ سال رئیس F.B.I و C.I.A بوده است. اسم اصلی کتاب هم «نفرین ادگار» بوده و با همین عنوان در فرانسه منتشر شد اما چون ادگار نام و چهره شناخته شده ای در بین علاقه مندان ادبیات ایران نیست و باتوجه به این که بخش بزرگی از مطالب این کتاب به زندگی خاندان کندی از پدر تا نوه اختصاص دارد، نام کتاب را «خانواده نفرین شده» کندی گذاشتم.

نویسنده در این کتاب به خانواده کندی ها می پردازد؛ این که چگونه پدر خانواده ثروتمند شد، چگونه به قدرت رسید، پسرش چگونه به مقام ریاست جمهوری رسید و اعضای این خانواده چگونه به کنگره راه یافتند. یعنی نویسنده به بهانه پرداختن به سرگذشت ادگار هورر به خاندان کندی هم اشاره دارد. اما موضوع و محور اثر سرگذشت رئیس سازمان سیا و اف.بی.ای است که ادگار هورر نام دارد. از همه مهم تر این که نویسنده سیاست های سنتی و زیربنایی آمریکا را - که اجازه نمی دهد هیچ کس غیر از حلقه یاران وفادار به قدرت برسد - به بهترین نحو افشا می کند.

تمام بخش های این رمان مستند است و شخصیت های رمان با نام واقعی خود در اثر حضور دارند و نقش اصلی خودشان را بازی می کنند. حتی گفت و گو ها نیز عیناً از نقل قول های ثبت شده در اسناد تاریخی گرفته شده است. حتی نحوه کشته شدن کندی هم براساس واقعیت های آن روز روایت می شود. تمام نکات و مسائلی که در این کتاب آمده، در واقع افشای رسوایی ها و نیرنگ هایی است که سیاستمداران کاخ سفید برنامه ریزی کرده بودند که نه تنها در صحنه سیاست کشور آمریکا بلکه در دیگر نقاط جهان به کار می گیرند.

گویا دو کتاب دیگر هم از مارک دوگن آماده چاپ کرده اید. این دو کتاب در چه زمینه ای است و با چه عناوینی منتشر می شوند؟

یکی از این دو رمان آفاق چهره های فروریخته نام دارد. این کتاب هم براساس یک واقعه نیمه مستند نوشته شده و مربوط به جنگ جهانی اول است و به افراد و جوان هایی که در جریان این جنگ بر اثر اصابت ترکش خمپاره قسمتی از سر و صورتشان متلاشی شده می پردازد و به رزمندگانی که قسمتی از لب و دهان، بینی و چشم خود را از دست داده اند، اختصاص دارد که خیلی راحت و آسان نمی توانند در اجتماع ظاهر شوند. در حالی که بقیه اعضای بدن آنها سالم است و می توانند سرمنشأ خدمات زیادی باشند. نویسنده در این رمان یک فاجعه وحشتناک را ترسیم می کند. حدس می زنم که این کتاب با اقبال

غیر از این آثار، کار دیگری هم در دست ترجمه یا انتشار دارید؟

بنابه پیشنهاد ناشرم، ترجمه تازه ای از رمان «برادران کارامازوف» داستایفسکی را به پایان برده ام که در آینده ای نزدیک منتشر خواهد شد. می دانید که قدیمی ترین ترجمه «برادران کارامازوف» متعلق به مشفق همدانی بود که نزدیک به پنج دهه از ترجمه آن می گذرد. البته ایشان با ترجمه آثار داستایفسکی و شناساندن او به جامعه ادبی ایران خدمات بزرگی به فرهنگ و ادبیات فارسی کرده است. یک ترجمه دیگر هم از این رمان به قلم صالح حسینی حدود بیست سال قبل منتشر شده است. ناشری که ترجمه «شرق بهشت» و «دزیره» از من را منتشر کرده، پیشنهاد ترجمه «برادران کارامازوف» را به من داد که پذیرفتم. شما این آثار را از زبان فرانسه ترجمه می کنید؟

این رمان را از روی ترجمه فرانسوی اش به فارسی برگردانده ام با این توضیح که بامتن انگلیسی هم مقابله کرده ام. می دانید که دو رمان مشهور داستایفسکی یعنی «ابله» و «شیاطین» را آقای سروش حبیبی از زبان روسی به فارسی ترجمه و منتشر کرده است.

تا آنجا که من اطلاع دارم «برادران کارامازوف» غیر از این دو ترجمه، ترجمه دیگری نداشت. البته من علاقه داشتم که این دو اثر بزرگ داستایفسکی را هم ترجمه کنم. اما این یک ریسک بزرگ است که کسی سال ها وقتش را صرف ترجمه چنین رمان هایی

بکند اما در پایان کار، ناشری برای آن پیدا نشود. اگر رمان «برادران کارامازوف» را هم ترجمه کرده ام بنا به سفارش ناشری بود که علاقه مند چاپ این رمان شده بود.

رمان «شرق بهشت» جان اشتاین بک را با چه انگیزه ای ترجمه کرده اید؟

می دانید که از جان اشتاین بک، رمان «خوشه های خشم» در ایران معروف است به این خاطر که «خوشه های خشم» رمانی بود که در برهه ای در اغلب نقاط جهان خوانده می شد، چون مبارزه و استعمار کارگران را روایت می کرد و الان دیگر تاریخ مصرف آن تمام شده و از سکه افتاده است. اما «شرق بهشت» یک رمان عمیق فلسفی و تفکربرانگیز است که در همه زمان ها خواننده خودش را دارد. چند وقت پیش در جایی خواندم که هنوز جزو ده رمان کلاسیک و پرفروش آمریکاست.

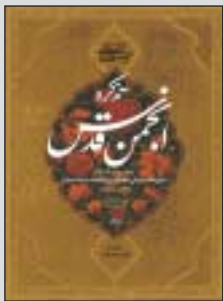
ترجمه این رمان در ایران با استقبال خوبی روبه رو شد. یعنی پس از انتشار در اولین فصل سال در آخرین فصل سال تجدید چاپ شد.

«دزیره» هم از جمله رمان هایی بود که چند ترجمه از آن در دهه پنجاه منتشر شد و برخی از این ترجمه ها هنوز هم تجدید چاپ می شوند.

اتفاقاً ترجمه مجدد «دزیره» را هم بنا به پیشنهاد ناشر انجام دادم. چون یکی - دو ترجمه از «دزیره» در سال های قبل از انقلاب منتشر شده بود. واقعیت این است که «دزیره» را در گذشته بسیار دور خوانده بودم

تمام بخش های این رمان مستند است و شخصیت های رمان با نام واقعی خود در این اثر حضور دارند؛ گفت و گو ها نیز عیناً از نقل قول های ثبت شده در اسناد تاریخی گرفته شده است

گنج نویافته



است؛ نخست آن که محور و موضوع اصلی اشعار، حضرت صاحب الزمان (عج) و مهدویت است و شرافت موضوع و مقام و منزلت پیامبر (ص) و خاندان او بدین مجموعه شرف می بخشد و دیگر آن که بانی انجمن مرد ادیب و شعرشناسی بوده و کار تدوین مجموعه را به عبرت نائینی سپرده که در آن سال ها مناسب ترین فرد

برای این مأموریت بوده است. علاوه بر این کثرت شاعران یکی دیگر از نقاط قوت این مجموعه محسوب می شود. «حداد عادل انتشار این اثر را برای دو گروه مغتنم می داند و می گوید: «انتشار این تذکره برای دو گروه مغتنم است که سزاوار است از آن بهره جویند؛ نخست مداحان و مرثیه خوانان که باید این مجموعه را گنجی نویافته تلقی کنند و اشعار فصیح و بلیغ بلندی را که در آن است انتخاب کنند و در مجامع مذهبی بخوانند و گروه دیگر پژوهشگران تاریخ ادبیات اواخر دوره قاجار چرا که تذکره ای در اختیار دارند که چنانچه معدنی غنی، بهترین اشعار شاعران یک دوره فراموش شده را در دسترس آنها قرار می دهد.»

شعر انتظار

ابوالفضل مرادی مصحح و پژوهشگر این اثر هم درباره تذکره انجمن قدس می گوید: «پرداختن به شعر انتظار فقط به شاعران شیعی محدود نمی شود. بنابر بررسی آثار نوشتاری موجود، عنصری بلخی (متوفی ۴۳۱) نخستین کسی است که در گستره کهن ادبیات فارسی، دیوانش را به نام زیبای مهدی (عج) آراسته است و پس از عنصری در شعر قطران تبریزی، مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، خاقانی و دیگران، نام مهدی (عج) زینت سخن بوده است. در شعر شاعران گوناگون، درخشش و زیبایی نام مهدی (عج) گلگشت دیده را صفای می بخشد و بررسی بسامد و سیر این کاربرد در شعر و ادب فارسی از آغاز تاکنون می تواند بسیار سودمند باشد.»

مرادی با اشاره به ابعاد جشن انجمن قدس می گوید: «یکی از ابعاد این جشن مبارزه با فرقه گمراه بهائیت بود که در آن سال ها به صورت یک فتنه سیاه از سوی استعمار دامن زده می شود و از سوی سرکردگان این گروه، انحرافات در مقوله دکتربین مهدویت و قیام امام زمان (عج) مطرح شده بود. بنابر این یکی از اهداف این جشن، برپاداشتن پرچم مهدویت بر اساس اعتقاد ناب شیعی بود.»

مصحح و پژوهشگر این اثر می افزاید: «آنچنان که از اسناد تاریخی و قرائن برمی آید، این جشن تا سال ۱۳۶۴ ق برابر ۱۳۲۴ شمسی ادامه داشته است.» مرادی با اشاره به حضور چهره های بزرگ در این جلسه می گوید: «حضور گروهی از علما و دانشمندان دینی همچون حکیم ابوالفضل نوری تهرانی - پدربزرگ همسر امام (ره) - بزرگ خاندان ثقفی تهران، حکیم ابوالحسن جلوه، علامه محمدتقی شیرازی مرجع عالیقدر جهان اسلام در آن عهد و دیگران در جشن نیمه شعبان و حمایت آنان از انجمن قدس، گواه اهمیت این جشن در آگاه کردن مردم است.»

به گفته مرادی از دیگر افراد شرکت کننده در این جلسه می توان به ابوالحسن جلوه، ادیب الممالک فراهانی، عنقای تهرانی، سید نصرالله تقوی، میرزا علی اصغر خان امین السلطان، وثوق الدوله، محمد حسین فروغی و ذکاء الملک اشاره کرد.

سمانه سامانی: یکی از فعالیت های معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حمایت از انتشار آثار فاخر و ارزشمند است و در این راستا این معاونت با تلاش دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی از انتشار آثاری که به احیای نسخ خطی می پردازند حمایت می کند.

«تذکره انجمن قدس» یکی از این آثار به شمار می رود. این اثر شامل شعاری از شاعران بزرگ تهرانی است که در مدح حضرت مهدی (عج) و بزرگداشت نیمه شعبان در اواخر دوره قاجار سروده شده است و در ادامه احیای نسخ خطی و احیای آثار گذشتگان، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام به حمایت از انتشار آن کرده است.

«تذکره انجمن قدس» تالیف محمدعلی عبرت نائینی با تصحیح و پژوهش ابوالفضل مرادی توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران و با مقدمه دکتر غلامعلی حداد عادل در دو جلد منتشر شده است.

گنج نویافته

حسین احمدی مدیرمسئول انتشارات مسجد مقدس جمکران درباره انتشار این اثر می گوید: «نظر به احیای نسخ خطی و کهن در راستای ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار، کتاب گران سنگ تذکره انجمن قدس که بیش از یک قرن مهجور مانده بود و هم اکنون نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود تصحیح و احیا شد.»

احمدی در این باره می افزاید: «این اثر شامل ۱۸ هزار بیت است که بنا به تعبیر حداد عادل مشاور عالی مقام معظم رهبری در امور فرهنگی، گنج نو یافته ای است.»

دکتر غلامعلی حداد عادل در مقدمه این کتاب با اشاره به تاریخ این اثر می گوید: «این کتاب داستانی دارد که آگاهی از آن برای خوانندگان ضروری است. در تهران قدیم از حدود یکصد و پنجاه سال پیش خانواده معروف و محترمی به نام سادات اخوی زندگی می کرده اند که در عرصه دین، علم، ادب و سیاست حضور و تاثیر داشته اند و معروف ترین شخصیت این خانواده حاج سید نصرالله تقوی است.»

حداد عادل می افزاید: «در خانه سادات اخوی که در کوچه سقاباشی خیابان ایران است و هم اکنون نیز در آنجا مسجدی به نام مسجد سادات اخوی وجود دارد از سال ۱۲۹۹ تا سال ۱۳۶۴ هجری قمری به مدت شصت و پنج سال همه سال در نیمه ماه شعبان به مناسبت ولادت حضرت مهدی (عج) مجلس جشن مفصل و باشکوهی برپا می شده که علاوه بر مردم عادی، اعیان شهر و رجال حکومتی و حتی ناصرالدین شاه هم در آن شرکت می کرده اند که در این جشن شاعران در چه اول آن عصر اشعاری را که غالباً در تبریک ولادت حضرت (عج) و بعضاً در نعت و منقبت دیگر معصومان (ع) سروده بودند قرائت می کردند.»

کارنامه ای چهل ساله

غلامعلی حداد عادل با اشاره به اهمیت تاریخی این اثر می نویسد: «این تذکره را که به «تذکره انجمن قدس» موسوم شده، در حقیقت باید کارنامه چهل ساله یک انجمن دینی معتبر در پایتخت ایران محسوب کرد که از بیست و پنج سال قبل از مشروطیت تا چهل سال بعد آن برقرار بوده است و می توان گفت این تذکره از چند جهت واجد اهمیت

فارسی در این مدت پیدا می کند، باید هر سی سال یک بار ترجمه شوند.

درست می گویند، برای این که زبان طی این مدت خیلی عوض می شود. خود من چند تا از این آثار بزرگ را مجدداً ترجمه کردم. وقتی من اولین ترجمه های این آثار را که چهل - پنجاه سال از آن می گذرد نگاه می کنم، می بینم بدون آن که مترجم تقصیری داشته باشد، زبان این آثار برای من غریب و کهنه است. مترجم در آن زمان از زبانی بهره گرفته که زبان روز بوده، زبان اهل ادب و زبان متین و معیار مردم بوده ولی آن زبان امروز کاربردی ندارد و کهنه شده است. امروز اگر کسی به آن زبان و با آن واژگان حرف بزند، مورد استهزاء قرار می گیرد. شما اگر زبانی که عبدالله توکل در ترجمه آثار به کار گرفته، مرور کنید یا زبان آثاری را که رضا سید حسینی در کارهای اولیه اش مورداستفاده قرار داده، نگاه کنید از منظر فارسی زبانان امروز و علاقه مندان به مطالعه آثار ادبی اصلاً پذیرفته نیست. شاید کسی باور نکند که این زبان و این ترجمه کار این مترجمان باشد. چون زبان فارسی امروز در مقایسه با زبان فارسی چهل سال قبل متحول و دگرگون شده است. طبیعی هم هست. به هر حال آثاری که در گذشته های دور ترجمه شده اند و امروز نایاب هم هستند، ترجمه مجدد آنها یک ضرورت است. اگر کسی پیدا شود که چنین آثاری را از زبان اصلی ترجمه کند چه بهتر، اما اگر چنین مترجمی پیدا نشد، از هر زبانی که ترجمه شود، مغتنم است.

ترجمه از دیدگاه برخی، یک عمل مکانیکی و یک فن است اما برخی هم آن را یک هنر می دانند که نیاز به خلاقیت دارد. شما چه نظری دارید؟

به نظر من تلفیقی از این دو دیدگاه می تواند درست باشد یعنی ترجمه یک عمل مکانیکی و فنی است که باید باهنر و خلاقیت توأم باشد.

ترجمه فن است به این دلیل که باید از اصول و اسلوب و تکنیک هایی بهره گرفت و اگر مترجمی با این اصول و تکنیک ها آشنا نباشد نمی تواند ترجمه در خوری عرضه کند. اما چرا ترجمه یک هنر است؟ برای این که در برگرداندن یک اثر، انتخاب واژگان، به کارگیری اسلوب و ویژه ای از زبان، رعایت سبک و سیاق متن و انتقال آن به زبان دیگر در ارتقای آن اثر بسیار تعیین کننده است. حتی گاهی ترجمه یک اثر فراتر، قوی تر و بهتر از کار درمی آید. این را هم بگویم که اگر مترجم می خواهد در انتقال فرهنگ و ادبیات یک سرزمین به سرزمین دیگر نقش فعال و تاثیر گذاری داشته باشد، لازم است خیلی کار کند. حتی کارش دشوارتر از کار نویسنده است. نویسنده اندیشه ای درس دارد که می خواهد آن را از طریق داستان و رمان ارائه کند و قلم در دستش آزاد است و هرگونه که می خواهد آن را به جولان درمی آورد اما مترجم محدودیت هایی از پیش تعیین شده دارد و باید در چارچوب معینی حرکت کند، وظایف، مسئولیت ها و تعهداتی نسبت به اثر دارد که نباید فراتر از آن برود.

تسلط مترجم به زبان مبدأ و مقصد مسئله دیگری است البته آشنایی با رموز ترجمه و ریزه کاری های آن هم یک مولفه تعیین کننده است. وقتی همه اینها در یک مترجم جمع و با نبوغ و خلاقیت مترجم همراه شود منجر به سبک ویژه ای می شود که مخصوص همان مترجم است. شاید یکی از اولین ترجمه هایی که خواندم و دوا با اسلحه بود که نجف دریابندری منتشر کرد. هنوز که هنوز است این ترجمه برای من یک معیار است و با این که پنجاه سال از ترجمه اش می گذرد، هیچ کس جرئت نکرده به سراغ ترجمه مجدد آن برود. اگر هم کسی می رفت کاری عبث بود. چون ترجمه او فوق العاده است و هنوز زبان آن کهنه نشده است. همان طور که بین دو نویسنده از نظر قدرت، استعداد و خلاقیت وجه امتیازی هست، بین دو مترجم هم این وجه تمایز وجود دارد که همان سبک کار است. چه بسا ترجمه یک اثر از خود اثر برتر و والاتر باشد. مثلاً ترجمه ای که بسیاری از منتقدان معتقدند شارل بودلر از آثار ادگار آلن پو به دست داده از متن اصلی اثر فراتر رفته است و این به هنر مترجم برمی گردد.

اما پی به اهمیت و ارزش آن نبرده بودم و هنگامی که آن را به دقت خواندم، پی بردم چه اثر درخشانی است و چه روایت جذاب و دست اولی دارد که خواننده را مسحور می کند. هیچ کس به اندازه آن ماری سلینکو نتوانسته شخصیت درونی و بیرونی ناپلئون را آنقدر خوب و دقیق و واقعی ترسیم کند.

این رمان صرفاً زندگی ناپلئون را روایت می کند یا در حاشیه آن مسائل دیگر را هم دربرمی گیرد؟

آنچه این رمان را جذاب و ماندگار کرده و پس از نیم قرن هنوز آن را در ردیف پرخواننده ترین کتاب ها قرار می دهد، قطعاً داستان زندگی دزیره کلاری، دختر یک حریر فروش در مارس نیست که به مقام ملکه سوئد و نوژ رسید و مربوط به این واقعیت تاریخی هم نمی شود که خاندان سلطنتی فعلی سوئد فرزندان یادر واقع نوه و نتیجه های برنات، گروهبان ساده ارتش هستند که در این رمان به تصویر کشیده می شود. البته داستان زندگی او و خانواده اش خالی از لطف و گیرایی نیست، اما آنچه که به این رمان ارزش و اهمیت می دهد، زندگی نامه ناپلئون یکی از سرشناس ترین و بزرگ ترین چهره های تاریخ نه تنها فرانسه بلکه همه جهان است. آنچه به این کتاب ارزشی سواى ارزش تجاری می دهد، شرح حال ساده و به ویژه شرح خصوصیات اخلاقی، روحی، جسمی و بلند پروازی های ناپلئون است که با دقت و ظرافت کم نظیری، بدون ادعای تاریخ نگاری در این کتاب آمده است. آن ماری سلینکو، ناپلئون بناپارت را عریان، بدون پیرایه های حماسی و قهرمانی که فرانسوی ها دوست دارند به او ببندند و آن همه جنگ و کشتار بیهوده اش را نادیده بینگارند و بدون اغراق آن گونه که تاریخ نویس ها روایت می کنند، به عنوان یک شخصیت تاریخی با همه نقطه ضعف ها، بی رحمی ها، جاه طلبی ها، آن گونه که واقعاً بوده نه آن طور که زندگی نامه نویس ها سعی کرده اند از او اسطوره ای بی همتا بسازند، نشان می دهد. به نظر من اگر کسی می خواهد به شخصیت واقعی ناپلئون و خانواده اش پی ببرد، این کتاب جوابگوی این انتظاراومی تواند باشد. به همین خاطر خیلی علاقه مند شدم این رمان را مجدداً ترجمه کنم.

به نظر شما ترجمه هر اثری از زبان اصلی بهتر از ترجمه از یک زبان واسطه نیست؟ چون امروز در ایران مترجمان خوبی هستند که می توانند آثاری را مستقیماً از زبان آلمانی، اسپانیایی، انگلیسی یا روسی به فارسی برگردانند.

بله بهتر است. من هم این عقیده را دارم و به همین جهت سعی می کنم آثاری را که به زبان فرانسوی نوشته شده اند، ترجمه کنم. اما این مسئله هم هست، مثلاً رمان «شرق بهشت» کتابی است مهم و شاخص که جایش در بین آثاری که به فارسی ترجمه شده اند، خالی است.

«شرق بهشت» رمانی فوق العاده معتبر و عمیق است که نه تنها در میان آثار جان اشتاین بک بلکه در میان آثار دیگر نویسندگان هم عصرش مانند همینگوی هم منحصر به فرد و استثناست. این رمان در عین سادگی به قدری عمیق است و به قدری مسائل بنیادین انسانی عصر حاضر را مطرح کرده که هر مخاطب و منتقدی را حیرت زده می کند. وقتی کسی درصدد ترجمه مجدد چنین اثری بر نمی آید و مترجمان انگلیسی هم زیر بار نمی روند. بنابر این من ترجیح می دهم کتاب های شاخص و معتبری مثل «شرق بهشت» از یک زبان دیگر - غیر از زبان اصلی این اثر - ترجمه شود، تا این که هرگز ترجمه نشود. چون ترجمه چنین آثاری از هر زبانی سبب آشنایی نسل امروز با رمان های بزرگ و کلاسیک جنگ خواهد شد. رمان هایی مثل «جنگ و صلح»، «برادران کارامازوف» و «شرق بهشت» رمان هایی زوال ناپذیرند و فراموش شدنی نیستند.

آثاری از این دست بارها تجدید چاپ و بارها خوانده می شوند. نسل ها می آیند و می روند اما این آثار پا برجا می مانند و هر نسلی آنها را به عنوان شاهکارهای ادبیات جهان می خواند.

برخی بر این نظرند که آثار بزرگ و شاهکارهای ادبیات جهان به دلیل پویایی زبان و تحولی که زبان

ردپای مبارزات مردمی تا پیروزی انقلاب



کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک که به همت مرکز اسناد تاریخی در ۲۵ جلد منتشر شده است، حاصل تلاش ستودنی و طاقت فرسای تدوینگران این مجموعه طی مدت یازده

سال است که از آن می توان به عنوان دوره‌ای تاریخی یاد کرد. به همین جهت این سلسله کتاب ها به عنوان منبعی در خور برای جست و جو در رخداد های انقلاب اسلامی به شمار می روند که مجموعه حوادث، رخدادها و جریانات لحظه به لحظه سال های ۱۳۵۶ تا ۵۷ یعنی پیروزی انقلاب اسلامی را با توجه به اسنادی که از ساواک و سایر منابع اطلاعاتی جمع آوری کرده اند روایت می کنند.

وقایع آخرین جلد این کتاب ها از نخستین ساعت های ششم بهمن ماه سال ۵۷ آغاز شده و تا واپسین ساعات ۲۲ بهمن ادامه می یابد. البته در جلد های پیشین روایت حوادث بیشتر از طریق اسناد ساواک صورت می گرفت اما زبان گویای حوادث در جلد بیست و پنجم بیشتر توسط اسناد فرمانداری های نظامی و پلیس است که در روزهای آخر حتی این اسناد نیز غایب هستند و تنها دست نوشته هایی از دفتر ویژه اطلاعات از اتفاقات سطح شهر تهران سخن می گویند.

فروکش کردن گزارش های مکتوب ساواک دلیلی بر عدم تمرکز این سازمان امنیتی نبود بلکه ساواک در این روزها چراغ خاموش حرکت می کرد و مترصد گرفتن جان دوباره ای بود که انقلاب چنین فرصتی به آنها را نداد.

این کتاب که بیش از ۲۰۰ سند مکتوب در قالب گزارش، بولتن، تلفنگرام، تلگراف، آگهی خبر و ... از وقایع و مبارزات مردمی در شهر های مختلف کشور را در بر می گیرد به جز زمان ورود امام (ره) به میهن در سایر روزها به گزارش لحظه به لحظه حوادث از زمان انتظار مردم کشور برای ورود امام خمینی (ره) در ششم بهمن ماه تا اعتراض های مردمی ایجاد شده از بسته شدن فرودگاه مهرآباد، ورود امام و تشکیل دولت موقت در روز چهارم، راهپیمایی در حد و اندازه ۱۷ شهریور، الحاق نیروهای ارتش به مردم و در نهایت پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه می پردازد.

در این کتاب از مجموعه اسناد ساواک که به هر نحو به حرکت انقلابی مردم ایران مربوط می شود بهره برداری شده است و تنها آن دسته از سندهایی که دارای محتوای تکراری و ناقص بوده اند یا ارتباطی با نهضت اسلامی نداشته اند حذف شده اند. همچنین در چینش سندها، اولویت با وقایع حادثه بوده است و هیچ دخل و تصرفی در جمله نویسی اسناد صورت نگرفته است. ضمن این که تاریخ به کار رفته در سندها گاه شمسی و گاه شاهنشاهی است و به جای تاریخ ۱۳۵۷ شمسی از ۲۵۳۷ استفاده شده است.

پاورقی های گنجانده شده در زیر نویس این کتاب به موضوعات متن سند یا موضوعات مهم روز اشاره دارند که هنگامی که با متن سند مرتبط نیستند برای آگاهی بیشتر خواننده از رویدادهای تهدیدکننده موقعیت رژیم شاه یا نمایان کردن نهضت اسلامی گنجانده شده اند.

در بخش پایانی این کتاب ۲۲ عکس از لحظات تاریخی پیروزی انقلاب اسلامی و محقق شدن نیروهای ارتش به مردم در روز ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ آورده شده است.



«کوه روی شانه های درخت» در سرای اهل قلم نقد شد

رقابت داستان با زندگینامه

را در مخاطب ایجاد کرده و بر جذابیت داستان افزوده است. زیرا در بخش آغازین کتاب به نظر می رسد داستان برای مخاطب لو رفته است.

اما کمی که جلوتر می رویم دوگانگی ذهنی در مخاطب نسبت به شخصیت نادر ایجاد می شود و با پیگیری ماجرا حقیقت برای خواننده روشن می شود. منا کرباسچی تعلیق را ویژگی دیگر کتاب برشمرد و گفت: زمانی که خواننده به انتهای هر فصل می رسد به گونه ای جذب داستان می شود که پایان هر فصل برایش آغاز دیگری است و ایجاد چنین احساسی باعث می شود مخاطب تا پایان، داستان را دنبال کرده و از هیجان آن کاسته نشود.

کرباسچی گفت: داستان با وجود زبان ساده ای که در روایت ماجرا دارد می توانست روان تر از این هم بازگو شود و با توجه به حادثه ای بودن موضوع داستان اگر دیالوگ ها به زبان شکسته آورده می شد، صمیمیت بیشتری را بین شخصیت ها در ذهن مخاطب به وجود می آورد. این منتقد ادبی ادامه داد: بهره گیری نویسنده از فضای بومی در توصیف ماجرا امتیاز دیگر اثر به شمار می رود. اما نکته منفی که در این کتاب به چشم می خورد مرگ مولف است. در واقع نویسنده در برخی از بخش های داستان ردی از خود برجای گذاشته است که بهتر بود تنها به توصیف حوادث به جای روایت مستقیم داستان می پرداخت.

منا کرباسچی گفت: جدال ها و کشمکش ها در این کتاب علاوه بر جدال افراد با افراد، جدال با طبیعت و خود شخصیت را نیز در بر می گیرد که این موضوع به دلیل وجود شخصیت های درونی و بیرونی ماجراهای حادثه ای در کنار یکدیگر است. این کتاب به خاطره ای از ارزش ها و عقاید فردی در قالب شخصیت های غیرنظامی می پردازد که تولد دوباره ای را با خود همراه دارد. علی الله سلیمی با اشاره به متفاوت بودن اثر این کتاب، گفت: تعهد و زبان خاصی در روایت شخصیت های این کتاب به چشم می خورد و به نظر من تداعی زمان گذشته و حال در هر فصل این کتاب، نوعی دوپارگی و دوتکه بودن ماجرا را در ذهن مخاطب ایجاد می کند.

کرباسچی هم با برشمردن این دوپارگی به عنوان امتیاز اثر، افزود: برخلاف تصور، کنار هم قراردادن دو زمان گذشته و حال در هر فصل که تداعی کننده ذهن نادر است، تنوع خاصی به فضای قصه داده و ویژگی منحصر به فرد این اثر است. در واقع رعایت تعلیق از سوی نویسنده، مخاطب را در مطالعه بخش ابتدایی دچار ابهام کرده است که با وارد شدن در فضای ماجرا کم کم از این ابهام خارج می شود. اما اگر نویسنده علاوه بر بخش های گنجانده شده، فصل ویژه ای نیز در پایان کتاب برای شخصیت بهزاد در نظر می گرفت، داستان پایان بهتری داشت. نرگس آبیار در ادامه گفت: کل ماجرای داستان در یک ساعت اتفاق افتاده و ادامه خاطراتی است که از ذهن نادر خارج می شود.

او درباره نحوه جمع آوری اطلاعات کتاب کوه روی شانه های درخت گفت: من چند روزی برای تکمیل تحقیقاتم به کردستان و مهاباد سفر کردم و اطلاعاتی را از مردم منطقه جمع آوری کردم.

آبیار گفت: فرم و محتوا در کنار هم تهیه شده اند و این محتواست که تعیین می کند از چه فرمی استفاده شود که من سعی کردم در هر یک از آثارم از فرم متفاوتی استفاده کنم. همچنین شکستن دیالوگ ها کمک زیادی به اثر نخواهد کرد بلکه لحن بیش از هر چیز در تبدیل جملات به دیالوگ های قابل قبول مخاطب موثر است.



از دوران کودکی تا زمان شهادت وارد کند که در این اثر نیز در روایت واقیعت ها، امانتداری شایسته ای از جانب نویسنده صورت گرفته است.

این منتقد ادبی گفت: داستان با توصیف فضاها، مخاطب را در فضای واقعی داستان قرار داده است. البته از ابتکاراتی که در این کتاب دیده می شود این است که نویسنده با وجود این که می توانست پازل های شکل دهنده داستان را کنار هم بچیند، به جای شرح دوران کودکی موضوع داستان را از قسمت پایانی ماجرا یعنی زمان شهادت نادر آغاز کرده است که تنوع خاصی به ماجرا داده است. نرگس آبیار در ادامه با برشمردن اثر خود در قالب رمان گفت: با وجود این که موضوع داستان به زندگی و شخصیت شهید می پردازد اما به نظرم این اثر به عنوان ژانر داستانی تلقی نمی شود. زیرا نثر زندگینامه داستانی متفاوت از نثری است که در این اثر دیده می شود و حتی چنین تفاوتی در تولیدات تصویری از قبیل فیلم نیز وجود دارد.

علی الله سلیمی در ادامه گفت: با وجود تفاوت در نثر این کتاب در مقایسه با قالب داستان، به نظر می رسد این اثر به عنوان زندگینامه داستانی تلقی شود. البته نوآوری ها و خلاقیت های نویسنده اثر در تغییر ساختارها جای تقدیر دارد اما زیر نویس موجود در کتاب که آدرس دقیقی از محل شهادت و تاریخ وقوع حوادث داده است آن را در قالب رمان قرار نمی دهد.

منا کرباسچی در این باره گفت: کتاب کوه روی شانه های درخت را می توان حد واسط زندگینامه داستانی و داستان تلقی کرد. این کتاب شامل هفت فصل است که در تمام فصول زاویه دید بر اساس دانای کل است. البته اگر نویسنده زاویه دید خود را در برخی از بخش ها از جمله دوران کودکی تغییر می داد و از زبان شخصیت اصلی به روایت داستان می پرداخت، جذابیت بیشتری برای مخاطب داشت.

کرباسچی افزود: هر فصل کتاب از زمان حال شروع می شود و پس از شرح مختصری، ماجرا را به گذشته متصل می کند. در واقع مخاطب هنگام مطالعه این اثر دائماً با زمان حال و گذشته در ارتباط است که روایت دایره واری به داستان داده و تنوع خاصی در ماجرا ایجاد کرده است.

در ابتدای این کتاب اشارات مختصری به دوران کودکی شده و تا بخش پایانی به دوران کودکی اشاره نشده است که بهتر بود پس از سپری شدن بخشی از ماجرا به این دوره نیز توجه می شد تا حس برانگیزی بیشتری در مخاطب ایجاد می شد.

کرباسچی گفت: نویسنده به خوبی حس غافلگیری

یکصد و چهل و چهارمین نشست از مجموعه نشست های سرای اهل قلم با موضوع نقد و بررسی رمان کوه روی شانه های درخت نوشته نرگس آبیار نوزدهم مردادماه با حضور علی الله سلیمی، منا کرباسچی و نویسنده اثر در سرای اهل قلم برگزار شد. علی الله سلیمی در ابتدای جلسه گفت: کتاب کوه روی شانه های درخت از جمله آثاری است که بیشتر در قالب زندگینامه داستانی جای می گیرد و این در حالی است که در شناسنامه خود به عنوان ادبیات داستانی جنگ معرفی شده است.

سلیمی افزود: این کتاب که عنوان برگزیده هشتمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس را در کارنامه خود دارد، در سال ۱۳۸۱ از سوی انتشارات شاهد منتشر شد و سال گذشته نیز با اندکی تغییر در شرح عکس های ضمیمه شده به انتهای آن به چاپ دوم رسید.

او با نگاهی به آثار نویسنده اثر گفت: نرگس آبیار در زمره نویسندگانی است که آثار او هر دو حوزه کودک و نوجوان و بزرگسال را در بر گرفته است. تاکنون ۱۵ اثر ادبی از این نویسنده منتشر شده است که از آن جمله می توان به داستان دو خط، یک قطره آب و چشم سوم اشاره کرد. سلیمی گفت: نویسنده کتاب علاوه بر رمان های جنگ و زندگینامه سرداران شهید، دستی نیز در تولید فیلم های جنگی دارد که اولین تجربه فیلم جنگی خود را در سال ۸۵ با عنوان بن بست مهربان تولید کرده و پس از آن نیز چندین فیلم مستند در حوزه دفاع مقدس به مرحله تولید رسانده است.

علی الله سلیمی نگاه واقع بینانه و مستند نویسنده را از ویژگی های اثر عنوان کرد و افزود: نویسنده در خلق این کتاب به یک رویکرد مستند بافت داستانی داده و آن را در قالب قصه نوشته است و تصاویر انتهایی کتاب نیز بیانگر این موضوع است. او گفت: در سال های اخیر ژانری در حوزه ادبیات جنگ با عنوان زندگینامه داستانی جای خود را باز کرده است که البته تا سال های پیش هم کم و بیش وجود داشت و به مفاخر جنگ می پرداخت. اما مدتی است که در روایت سرداران شهید از این قالب استفاده می کنند و به نظر می رسد این کتاب در این قالب باشد. نرگس آبیار در ادامه جلسه بخشی از رمان کوه روی شانه های درخت را برای حاضران خواند و منا کرباسچی نیز به نقد و بررسی ویژگی های این کتاب پرداخت.

منا کرباسچی داستان نویس و منتقد ادبی با اشاره به خلاصه ای از داستان گفت: موضوع داستان به شخصیت دو دوست به نام های نادر و بهزاد برمی گردد که نادر نوجوانی کم سن و سال است که پس از گذراندن کلاس های عقیدتی و آموزش های مهارتی خاص و ویژه وارد گروه ۱۴ می شود و در کش و قوس ماجرا با شخصیت دیگری به نام بهزاد آشنا می شود که هر دو به عنوان نیروهای نفوذی وارد گروهک های حزبی کردستان می شوند. کرباسچی درباره ویژگی های این اثر گفت: این کتاب بیشتر بر اساس زندگینامه داستانی نوشته شده است و تصاویر مستند بخش انتهایی کتاب نیز گواه این موضوع است. البته چنین قالبی دست نویسنده را در وارد کردن تخیلات در شخصیت و حوادث داستان تا اندازه ای می بندد زیرا شخصیت ها علاوه بر موضوع داستان، وجود خارجی نیز دارند و نویسنده برای بازگویی و روایت حقایق ماجرا به تحقیقات و پژوهش بیشتری نیاز دارد.

کرباسچی امانتداری را از دیگر ویژگی های کتاب برشمرد و افزود: از آنجا که نویسنده در این اثر با شخصیت شهیدا سروکار دارد به دلیل بار ارزشی و مقدس شخصیت ها نباید تحریفی در ماجرای داستان



سیدضیاءالدین شفیعی از هفدهمین کنگره شعر دفاع مقدس می گوید

ابدیت به وقت شعر



سرود مرد غریب رادر سوگ زنده یاد سلمان هراتی نوشت و گنج نهران را در بزرگداشت علامه حسن زاده املی. شب یک رویا مجموعه نثرهای ادبی در زمینه ادبیات مقاومت بود و پشت به سایه ها و صداها اثر برگزیده چهارمین دوره انتخاب دوسالانه کتاب دفاع مقدس شد. آثار، برگونه های ماه و سرخ رویان زمین نیز از قلم او برآمدند. در سومین دوسالانه ادبیات پایداری سال ۱۳۸۳ سکوت آزاد است برای او رتبه نخست شعر را احراز کرد. کسی که در نخستین دوره انتخاب بهترین کتاب های دفاع مقدس استان به عنوان مولف برتر برگزیده شد، سیدضیاءالدین شفیعی نام دارد. نویسنده کتاب من مرگ را او خطاب می کنم در میانه دهه چهل در مشهد متولد شد. وی که تاکنون دبیری و داوری جشنواره ها، کنگره ها و جلسه های نقد متعددی را برعهده داشته، خود را متعهد به رعایت روح واژه ها می داند. اما این بار دبیری هفدهمین کنگره شعر دفاع مقدس برای شاعری که در دوره های گذشته با چشم منتقدانه به جشنواره نگاه می کرد، سبب شد تا باب مصاحبه ای با باز شود.

آقای شفیعی! در کنگره گذشته، شعر را عرصه ای دانسته بودید که مضامین تازه ای را تجربه می کند. اکنون که دبیری این کنگره را پذیرفتید نیز همین برداشت را دارید؟

همان طور که در سال های گذشته از سر تحقیق و بررسی می گفتم، کنگره های شعر مواجهه با نسل جدیدی از شاعران دفاع مقدس است که فضاهای تازه ای را در شعر تجربه می کنند. این شاعران به لحاظ فکری و زبانی با شاعران گذشته تفاوت هایی دارند اما به لحاظ مقصد و سراجام، با یکدیگر هم مسلک اند. آمل و آرزوهای شاعران نسل جدید مانند گذشته است. با این حال طی چند سال گذشته فرصت کافی برای عرضه و مشاهده آثار این نسل جدید در کنگره ها وجود نداشت.

شاعران جدید از نظر حسی و عاطفی با شاعران نسل های گذشته متفاوت اند و سعی داریم این امکان را فراهم کنیم که دوستان بتوانند با همان شدت و قوت گذشته وارد جریان شعر دفاع مقدس شوند و با اینکه سال ها از کنگره ها دور بوده اند اما اکنون به برادران تنی و نسل نوین شعر دفاع مقدس تبدیل شوند.

معرفی کتاب

انقلاب بزرگ دستاوردهای شگرف

مینا کریمیان: آرمان انقلاب، تلخیصی از نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی کتابی است که توسط سید حسین اسحاقی تالیف و در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما منتشر شده است. در این مجموعه که با محوریت تلخیص و بهره برداری از اندوخته های پژوهشی معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه (اداره تبلیغات) با عنوان نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی با همکاری محمد صالح نیا تهیه شده است، کوشش می شود تا مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی باز نمای شود.

در این کتاب دستاوردهای انقلاب به پنج دسته سیاسی، بین المللی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تقسیم شده اند و در هر فصل به تعدادی از دستاوردهای انقلاب در هر زمینه اشاره شده است.

نگاهی به دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی گویای عمق و عظمت انقلاب است. در چشم اندازی کلی، مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی عبارتند از به وجود آمدن

است؟
هیئت داوران تفاوت های فراوانی با قبل دارد از آن جمله اختصاص سهمی برای حضور خانم های داور که در سال های گذشته به طور محدود دیده می شد اما امسال سهم مشخصی به شاعران مجرب زن که در حوزه دفاع مقدس قلم زده اند اختصاص داده شده است.

این میزان چقدر است؟
تقریباً ۳۰ درصد.

نظر تان درباره برگزاری کنگره در استان هرمزگان چیست؟

من همیشه معتقد بوده ام که نباید مکان، ما را به دنبال خود بکشاند و اولویت اول ما باشد. حوزه های فرهنگی با عوامل متعددی چون محدودیت بودجه و قرار داشتن در اولویت های پایین منطقه ای و کشوری روبه روست. شعر هم اکثراً قربانی این سلاقی است. این موضوعات نباید برگزار علمی کنگره را تحت الشعاع قرار دهد. خوشبختانه امسال پایه عملیاتی و اجرایی کنگره و تلاش برای اسکان و تشریفات اجرایی، حوزه ای جدا از دبیری کنگره است و دبیر دغدغه ای برای آن ندارد. وقتی کنگره به شکل غایی خود نزدیک شد و برگزارکنندگان خود را شناخت، ممکن است کنگره در هر جایی برگزار شود اما این مسئله مربوط به دبیر علمی نیست.

شما بارها در مصاحبه های خود تاکید داشته اید به جای توجه به شکل و نحوه اجرای کنگره، باید به محتوا توجه داشت. برنامه شما در کنگره هفدهم برای رسیدن به این هدف چیست؟

هنوز هم بر افکار قبلی خود هستم. تلاشی که از سال گذشته با اصرار من آغاز شد و امسال با قوت بیشتری دنبال می شود، توجه به شاعران تک تک استان هاست. بارها دیده شده است که به واسطه ازدحام در سه روز پایانی کنگره، شعرها فرصت داوری دقیق را نداشته اند و به همین سبب ناگفته های ارزشمندی را از دست داده ایم. پرداخت استان به استان شعر دفاع مقدس در همین راستا رخ داد.

برنامه معین من برای امسال یا سال آینده، برگزاری دو یا سه پیش کنگره دفاع مقدس طی سال است که هر کدام مجموعه ای از شاعران چند استان و یک ناحیه را در خود جای می دهد. در این پیش کنگره ها آثار به صورت ناحیه ای بررسی می شوند و در کنگره نهایی با آثار قوی تری روبه رو خواهیم بود.

یعنی کنگره در سه سطح استانی، منطقه ای و ملی برگزار شود؟

بله. البته در صورت عملی شدن این پیشنهاد می توان فقط دو مرحله منطقه ای و ملی را برگزار کرد و نیاز چندانی به مرحله استانی نخواهد بود.

تغییر در هیئت داوران تا چه حد مد نظر شما بوده

کنگره شعر دفاع مقدس میراث زحمات مردان بزرگی است که با خلوص نیتی از جنس شهدا برای آن تلاش کردند. من از انحرافی که در چند سال اخیر رخ داد نگران بودم و وظیفه خود می دانم به عنوان یک سرباز عرصه فرهنگی تلاش کنم تا کنگره به جایگاه واقعی خود نزدیک شود.

برخی صاحب نظران پیشنهاد داده بودند که کنگره به صورت دوسالانه برگزار شود. نظر شما در این باره چیست؟

این امر را تعداد آثار برتر و قابل توجه تعیین می کند و نمی توان پیش بینی کرد. نسبت میان تلاش برای برگزاری کنگره و آثار برجسته نشان می دهد که یک یا دو ساله باشد. الان نمی توانم در این باره قضاوت کنم مگر اینکه آثار دوره های قبل کاملاً بررسی شود.

اگر این امر درست بود من هم از آن دفاع می کنم. نشست های نقد و بررسی و آسیب شناسی که از دوره های قبل آغاز شده بود همچنان ادامه خواهد داشت؟

این برنامه ها در طول سال در جریان بود اما ارتباط مستقیمی با کنگره نداشت. البته این کار جزو برنامه های بنیاد بود که فکر خوبی است و امیدوارم ادامه داشته باشد.

پارسال دومین جایزه مرحوم سیدحسن حسینی را برای شعرهای حماسی با مضامین عاشورایی داشتیم. این جایزه با همین موضوع به قوت خود باقی است؟ بله. خوشبختانه هیچ بخشی از نظر برنامه های جانبی و همزمان تغییر نکرده و ادامه دارد.

به عنوان دبیر کنگره برنامه، جدیدی را برای حمایت از برگزیدگان ارائه داده اید؟

عقیده دارم که این وضع سال به سال باید بهتر و امکان تشخیص دادن به آنان بیشتر شود. علت جوهری وجود بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس کمک به افرادی است که نیازمند کمک فرهنگی در این عرصه هستند که امیدوارم همت و همراهی دوستان پراترزی و جوان نیز به کمک این عرصه بیاید.

آیا چاپ نقد آثار رسیده در برنامه های دبیر کنگره هفدهم جایی دارد؟

یکی از نکات اساسی که به دنبال آن هستم همین مورد است. امیدوارم تا زمان برپایی کنگره، حداقل یک یا دو عنوان کتاب درباره نقد آثار ادوار گذشته چاپ شود.

محیطی مناسب جهت رشد کمالات اخلاقی و انسانی و بازگشت به خویش، زدودن مظاهر فسادمانند عشرتکده ها و شراب فروشی ها از عرصه جامعه، ارتقای نسبی سطح آگاهی های عمومی و روحیه تحقیق، مبارزه با بی سوادی، امنیت اجتماعی و قضایی و برقراری حقوق مساوی برای مردم، ایجاد روحیه وحدت و برادری، رواج ادبیات انقلاب دینی، افزایش و رشد مطبوعات و نشریات، اسلامی کردن مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، نظامی و سیاسی، احیای تفکر دینی و تحول در ارزش های اجتماعی و احیای مفاهیمی مانند جهاد، هجرت، شهادت، ایثار، اخلاص و حج سیاسی، هماهنگی بین تعهد و تخصص و دیانت و روشنفکری، همکاری حوزه و دانشگاه، افزایش ظرفیت دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی و حوزه های علمیه، مردمی شدن نیروهای مسلح و ایجاد و سازماندهی نیروی بسیج مردمی، معرفی الگوی زن مسلمان با فراهم ساختن زمینه های تشکیل جشنواره های مختلف بانوان، مطبوعات ویژه زنان، تاسیس جمعیت ها و تشکل های مربوط، فدراسیون ورزشی بانوان و شرکت آنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی از جمله نامزدی مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا و خودباوری فرهنگی.

بر اساس مباحث این کتاب، دستاوردهای انقلاب اسلامی همان آرمان ها و هدف هایی هستند که به صورت کلی یا جزئی تحقق یافته اند. در ارزیابی دستاوردهای انقلاب اسلامی باید به آرمان های انقلاب اسلامی، وضعیت پیش از انقلاب، امکانات و توانایی های کشور و فشارها و توطئه های دشمنان داخلی و خارجی توجه کرد. برای مثال سرنگونی رژیم سلطنتی و جایگزینی جمهوری اسلامی و نیز کسب استقلال سیاسی از جمله دستاوردهای انقلاب بود که با پیروزی محقق شد، در حالی که دستیابی به استقلال اقتصادی به زمان و تلاش بیشتری نیاز دارد.

حضرت امام (ره) دستیابی به اهداف انقلاب را در گروی کوشش همه ملت امکان پذیر می دانستند: به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان پرومندان به دست آورده اید، همچون عزیزترین امور، قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن که نعمتی عظیم و الهی و امانت بزرگ خداوندی است، کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می آید، نهراسید.
اثر حاضر در ۱۵۲ صفحه با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه منتشر و با قیمت ۱۶۰۰ تومان در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.



با دکتر علی خاقانی و «دانستنی‌های پزشکی»

نسخه‌های خواندنی پزشکان

گاهی که به هر دلیلی سرحال نیستیم و احساس خوب همیشگی را نداریم، دنبال علت می‌گردیم و به خصوص اگر کسالت جسمی باشد، سعی می‌کنیم دریابیم که چه چیزی باعث این بیماری شده و به دنبال آن، سعی در درمان داریم. هر چند در این مواقع بهترین توصیه مراجعه به پزشک است اما اطلاعات اولیه در مورد انواع بیماری‌ها کمک بزرگی برای پیشگیری و حتی درمان‌های اولیه قبل از مراجعه به پزشک است. به تازگی کتابی با نام «دانستنی‌های پزشکی» ترجمه و تالیف دکتر علی خاقانی از سوی انتشارات آشیانه کتاب در ۳۰۰ صفحه به چاپ رسیده است که می‌تواند اطلاعات مقدماتی مفیدی را به مخاطب ارائه کند. در این کتاب به بیماری‌های رایجی از قبیل سردرد، کمردرد، دیابت، سنگ کلیه، تپش قلب، میگرن، آب مروارید، ورم معده، ریزش مو و ... اشاره و به زبان ساده علل ایجاد آن شرح داده شده است. برای آشنایی بیشتر با کتاب «دانستنی‌های پزشکی» بر آن شدیم تا با نویسنده و مولف آن گفت‌وگویی داشته باشیم. دکتر علی خاقانی که در حال حاضر ساکن کاناداست در یک گفت‌وگوی تلفنی به سوالات ما پاسخ داد که حاصل این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید:

چه شد که به فکر تالیف کتابی در زمینه پزشکی عمومی با مخاطب عام افتادید؟ آیا کمبود یا نیاز خاصی در این زمینه احساس کردید؟
 بله. چون کمتر کتابی را با زیربنای علمی درست در زمینه پزشکی عمومی در جامعه می‌توانید پیدا کنید و جای خالی این گونه کتاب‌ها را در بین انواع و اقسام کتاب‌های دیگر پیداست.
 فکر می‌کنم زندگی ماشینی امروز با تمام وسایل رفاهی و پیشرفت‌های فناورانه به دلیل نیاز جامعه، اقتصاد و سرمایه‌داری، سلامتی آنها را در خطر روزافزون قرار می‌دهد و عوامل زیست محیطی از قبیل آلودگی هوا، مواد غذایی مصنوعی، مصرف مواد شیمیایی در کشاورزی و دامپروری و وجود ارتباطات زیاد و آسان از طریق مهاجرت و مسافرت و انتشار انواع مختلف باکتری‌ها و ویروس‌ها در بین مردم، زنگ خطری است برای تندرستی انسان‌ها. در واقع مشکلات روزمره زندگی برابر آن داشت تا به فکر انتشار کتابی باشم که تا حد امکان با راهنمایی صحیح از این مشکلات بکاهد و سعی کردم برای تهیه مطالب این کتاب از آخرین اطلاعات پزشکی استفاده کنم.
 یکی از ویژگی‌های این کتاب، متن روان و قابل استفاده بودن آن برای عموم است. شما در مورد



هر بیماری چه مسائل پزشکی را توضیح داده‌اید؟
 در مورد هر بیماری در ابتدا شرحی از بیماری و شرایط بروز آن در افراد و سنین مختلف و جمعیت آماری که دچار آن می‌شوند آورده شده است. مرحله دوم شرح علائم آن بیماری است و در مرحله سوم بخشی به نام آزمایش‌های کلینیکی وجود دارد که در این بخش به آزمایش‌های لازمی که بیمار باید برای تشخیص انجام دهد اشاره شده است.
 پس از این بخش، درمان مربوط به نتایج آزمایشگاهی شرح داده می‌شود که مثلاً بعد از گرفتن نتیجه آزمایش در مورد بیماری آرتروز، شما نیاز به چه درمانی خواهید داشت.
 شاخص‌های ایجادکننده آسیب عنوان موضوعی است که بعد از روش‌های درمان به آن پرداخته می‌شود، مانند شکستگی استخوان و عفونت در ایجاد آرتروز.
 در بین صحبت‌هایتان به هزینه‌های بالای درمان اشاره کردید. آیا فکر نمی‌کنید انتشار چنین

کتاب‌هایی که تشخیص و درمان‌های پزشکی را ارائه می‌کند به ترویج خوددرمانی در بین مردم منجر شود؟
 این قضیه یک قضیه فرهنگی است و باید فرهنگ خوددرمانی که به شکل یک پدیده رواج دارد کنترل شود.

امیدوارم جامعه ما به سمت فرهنگی پیش برود که عموم مردم برای دیگران طیب نباشند و تجربه درمان بیماری‌های خود را - اگر به آن اطمینان دارند - برای خودشان به کار برند و به قول معروف برای دیگران نسخه نیچند.

در هر جمعی که صحبت از بیماری می‌شود، بیش از نیمی از حاضران بدون شناخت و تشخیص نوع بیماری، برای دیگری نسخه می‌دهند و اصرار هم دارند که بیمار به آن عمل کند. امیدوارم این هشدار و توجه جدی گرفته شود و مخاطب با هدف آشنایی با دانستنی‌های پزشکی این کتاب را مطالعه کند در ضمن پیشنهاد می‌کنم که مطالب پزشکی کاملاً دقیق مطالعه شود و مراجعه به پزشک نیز فراموش نشود.

ویژگی خاص این کتاب از نظر شما چیست؟
 نکته مهم در مورد کتاب این است که در مقالات آن به داروهای قدیمی که امروزه استفاده از آنها ممنوع شده اشاره می‌شود، به خصوص در مورد کودکان که به دلیل شرایط خاص باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

از طریق ناشر این کتاب مطلع شدیم که شما طی زمان برگزاری نمایشگاه کتاب در تهران بودید. نمایشگاه امسال و وضعیت کتاب‌های همدیف «دانستنی‌های پزشکی» را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 کتاب «دانستنی‌های پزشکی» در نمایشگاه کتاب برای اولین بار به بازار ارائه شد و برای من مهم بود که در نمایشگاه حضور داشته باشم. نمایشگاه نسبت به آنچه قبلاً سراغ داشتم خوب بود و پیشرفت داشت، به خصوص این که ناشران پزشکی غرفه و سالن جداگانه‌ای داشتند برایم جالب بود.

بسمه تعالی فراخوان



به منظور اجرای قانون برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور و برای هدمند کردن یارانه‌های حوزه نشر و هدایت آنها به سوی مصرف‌کنندگان واقعی، طرح توزیع کارت الکترونیکی خرید کتاب ویژه دانشجویان، طلاب علوم دینی، اهل قلم و دیگر واجدان شرایط با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط موسسه خانه کتاب به اجرا درمی‌آید.
 بر اساس این طرح، کارت الکترونیک خرید کتاب جایگزین بن‌های کاغذی شده و افراد با در اختیار داشتن این کارت و یک شماره رمز می‌توانند تا سقف شارژ شده در کارت، اقدام به خرید کتاب نمایند. بر اساس محاسبات و آمارهای موجود پیش بینی می‌شود در سراسر کشور حدود چهار میلیون نفر مشمول این طرح شوند. بر این اساس و به منظور ایجاد زیرساخت‌های لازم، ضروری است کتابفروشی‌ها که آخرین حلقه توزیع کتاب در کشور محسوب می‌شوند، به سامانه دریافتی این کارت‌ها مجهز شوند. لذا از کلیه ناشران و کتابفروشان که دارای مجوز معتبر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا اتحادیه صنفی بوده و تاکنون موفق به استفاده از این سیستم در فروشگاه خود نشده‌اند، تقاضا می‌شود جهت نصب دستگاه کارت خوان، فرم زیر را تکمیل و به همراه تصویر مجوز مربوطه به نشانی: خیابان انقلاب - بین صبای جنوبی و فلسطین - موسسه خانه کتاب - طبقه منفی دو ارسال و یا به صورت حضوری به موسسه خانه کتاب ایران بخش کارت الکترونیکی خرید کتاب مراجعه نمایند.

فرم درخواست نصب دستگاه کارت خوان

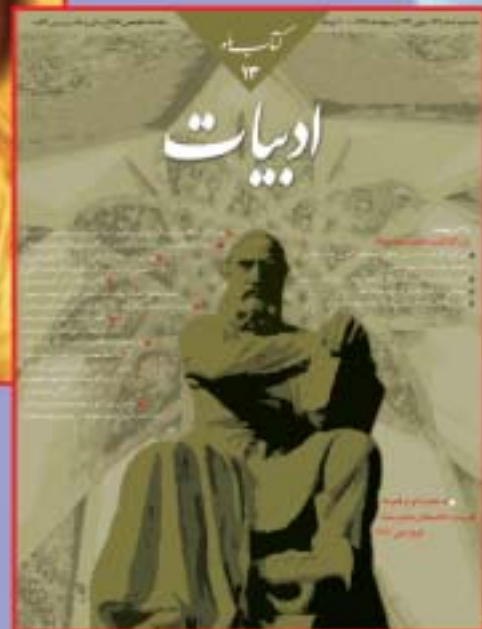
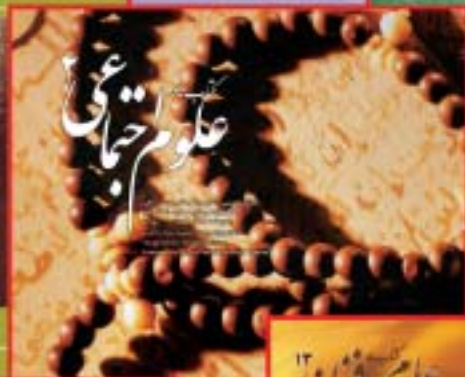
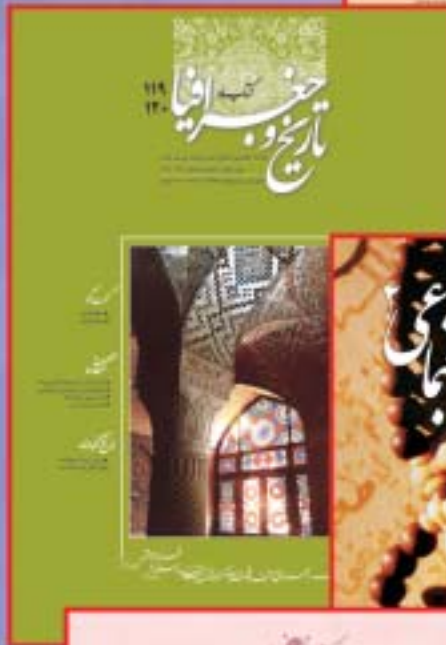
نام واحد فروشگاهی / کتاب فروشی / انتشاراتی	نشانی:
شماره تلفن:	نشانی الکترونیکی:
سال تاسیس:	مشخصات مدیر مسئول:
شماره شناسنامه:	نام خانوادگی:
کد ملی:	متولد:
	صادره از:



خانه کتاب منتشر کرد



مجموعه ماهنامه های تخصصی در حوزه های:



علاقمندان جهت اطلاعات بیشتر با تلفن : ۰۲۵ ۶۴۶۵۶۶ تماس حاصل نمایند



جدایی ناپذیری شعر و حماسه

محمود درویش را باید شاعری خلاق و نوآور دانست که در طول چند دهه شاعرانگی اش همواره در شعر به زیباشناسی، عناصر هنری، تحول ساختاری و زبانی و تصویر آفرینی وفادار مانده است. نبوغ شاعرانه درویش، او را در شمار بزرگان شعر معاصر عرب قرار داده است. شعر محمود درویش در وهله اول به عنوان شعر مقاومت شناخته می شود که به لحاظ قلمرو، در مرز خاصی نمی گنجد. این شعر مرزها را درمی نوردد و جنبه جهانی پیدا می کند که این موضوع به هنر محمود درویش برمی گردد. از این رو، درباره این شاعر در دو حوزه می توان سخن گفت؛ یکی شعر ناب مقاومت و دیگری ساحت شعر امروز جهان عرب. در حوزه شعر ناب مقاومت روی قید ناب تأکید می کنم چون شعر مقاومت باید صریح و تا حدودی دارای جنبه های شعارگونه باشد تا با مخاطب ارتباط برقرار کند. ولی این تلقی در ذهن شاعران تثبیت شده مقاومت تا حدودی مردود است و شعر مقاومت را باید در درجه اول متصف به شعر بدانیم. یعنی خصوصیات هنری آن را بررسی کنیم و بعد بخواهیم به صورت موضوعی آن را در دسته مقاومت قرار دهیم.

این شاعر آزادیخواه مراحل رشد را پله پله پیمود، دهه به دهه رشد کرد و در این زمینه نیز موفق شد چرا که او دغدغه عناصر هنری شعر را داشت. منظور از عناصر هنری، تخیل، حس، زبان و ابزارهایی است که به مدد شاعر و هنرمند برای عرضه مطلوب در فرم شعر هنری می آید. درویش برای خلق فضای شاعرانه اش همواره در سیر آفاق خودشناسی و هستی شناسی بود. او تجربیات خود را با تأملات هنری در آمیخت ولی هرگز از دغدغه اصلی خود که همانا مقاومت بود، غافل نشد. جهانی شدن شعر او شامل چندین دهه ممارست و تتبع در زمینه های مختلف شعری است. درویش ابتدا از طریق زبان های انگلیسی و عبری با ادبیات جهان آشنا شد و بعد از سال ۱۹۷۱ که از فلسطین خارج شد و به مسکو رفت، با فراگیری زبان روسی، ادبیات جهانی را دنبال کرد؛ بنابراین تتبع او در ادبیات جهانی با زبان روسی و انگلیسی همراه بود. حاصل مطالعات درویش، آگاهی فزاینده از حوزه های جهانی شعر بود که بعدها به یکی از قله های شعر امروز عرب تبدیل شد؛ به طوری که شعرش به بیش از ۲۰ زبان دنیا ترجمه و باعث شهرت فراگیر او شد. جایگاه درویش در ادبیات جهان به دلیل توجهش به شعر ناب مقاومت بود؛ شعری که در عین پرداختن به مقاومت، به عناصر هنری شعر نیز توجه دارد و کمتر به برقرار کردن ارتباط آنی با مخاطب نزدیک می شود. او جایگاه شعر را حفظ می کند و ضمن توجه به موضوعات ملی و میهنی، به عنصر هنری شعر نیز توجه دارد که این امر، او را به شعر ناب مقاومت می رساند.

شعرهای محمود درویش، شعرهایی ماندگار در ادبیات جهانند. اگر شعر جنبه آبی داشته باشد و ارتباط فوری با مخاطب برقرار کند - مانند شعرهایی که در قدیم بدیهه سرایی و تحریک احساسات بود - ماندگار نخواهد بود اما شعری که در عین پرداختن به کوچک ترین مسائل مقاومت، به موضوعاتی چون ایثار، تبعید، غربت و پراکندگی ملت می پردازد و در عین حال از عنصر عاطفه و زبان خوب نیز استفاده می کند، چون جنبه هنری دارد، ماندگار خواهد بود.



به یاد محمود درویش، شاعری که هرگز آرمان هایش را کنار نگذاشت

شعر با طعم حماسه و زیتون



درگذشت محمود درویش، شاعر مقاومت، شاعر آرزوها و آرمان های مردم فلسطین، اتفاق ناگواری بود که اهالی فرهنگ را در هفته گذشته داغدار کرد. پس از انتشار خبر درگذشت این شاعر بزرگ عرب، بسیاری از مردم رام الله با چشمانی اشکبار و شمع هایی در دست به خیابان های این شهر ریختند و در سوگ شاعر ملی شان گریستند. اما درگذشت محمود درویش تنها مردمان فلسطین را داغدار نکرد، بلکه همه عرب زبان ها و همه کسانی که همواره آزادی را سرلوحه خویش قرار داده اند، بر مرگ این شاعر بزرگ که هرگز به آرمان هایش پشت نکرد، گریستند. اهمیت و ارزش وی چنان بود که حتی رژیم اشغالگر صهیونیستی نیز نتوانست به سادگی از کنار آن بگذرد و یکی از روزنامه های این کشور، درگذشت این شاعر محبوب فلسطینی را با اظهار همدردی و تألم نوشت.

خبر درگذشت محمود درویش در حالی در اکثر روزنامه ها، خبرگزاری ها و رسانه های جهان منعکس شد که کمتر کسی گمان می کرد در این روزهای پرخبر - روزهایی که المپیک چین و حمله گرستان به یکی از جمهوری های استقلال طلبش - خبری دیگر بر صدر اخبار بنشیند. این همه نشان از آن داشت که جهانیان چه ارزش و امتیازی برای این شاعر آرمان های بشری قائلند؛ رفتاری که کمتر می توان آن را در شعر معاصر جهان دید.

محمود درویش علاوه بر نگاهی انسانی در شعر هایش، در فعالیت های صلح دوستانه بسیاری نیز شرکت کرد. به عنوان نمونه او برای نزدیکی میان کشورهای عرب و مسلمانان، سفرهای بسیاری به کشورهای مختلف انجام داد، هر چند این سفرها، به دلیل ماهیت رهبران برخی از کشورهای عربی به سرخوردگی شاعر انجامید، اما کسی نمی تواند اهمیت تلاش های درویش را انکار کند. محبوبیت این شاعر فلسطینی تا به آن حد بود که رهبر تشکیلات خودگردان فلسطین، محمود عباس با همه مشکلاتی که برای این دولت وجود دارد، هوایمایی اختصاصی را برای بازگرداندن پیکر شاعر به آمریکا روانه کرد تا او را در موطش به خاک بسپارند. محمود عباس همچنین به مناسبت درگذشت این شاعر ملی، سه روز عزای عمومی در فلسطین اعلام کرد و طی بیانیه ای، درگذشت محمود درویش را مصیبتی بزرگ برای مردم کشورش خواند. او در این پیام آورده است: درگذشت شاعر بزرگ ما، محمود درویش یک عاشق فلسطین، پیشگام فرهنگی فلسطین معاصر و یک رهبر بزرگ ملی، ما را در زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با مشکل مواجه خواهد ساخت. از بیان این که چقدر از مرگ او قلب های مهربان ما متأثر شده است، عاجزیم. محمود! خدا ما را در غم از دست دادن تو کمک کند.

محمود درویش متولد ۱۳ مارس ۱۹۴۱ در روستای البیروا در شرق شهر آکره در غرب فلسطین بود. اولین کتاب شعر او زمانی چاپ شد که او ۱۹ سال داشت. این کتاب با توجه به جوانی شاعر و نکات بسیار مهمی که در آن مورد توجه قرار داده بود، مورد توجه وسیعی قرار گرفت. انتشارات پرندگان بی بال در سال ۱۹۶۰، نام این شاعر را در ادبیات عرب پرآوازه کرد. او کتاب بعدی خود را چهار سال بعد با عنوان 'برگ های زیتون' منتشر کرد. شاعر در این کتاب برخلاف مجموعه شعر قبلی، به طور واضح تری به اعتراض علیه رژیم صهیونیستی پرداخت. قدرت شاعرانه محمود با استعاره ها، توصیف ها، تعبیرها و بیان شاعرانه اش سبب شد تا این کتاب علاوه بر

توجه در جهان عرب، مورد توجه دیگر علاقه مندان به شعر نیز قرار گیرد. بلوغ شاعرانه محمود درویش در کتاب 'کارت هویت' خود را به شکلی روشن تر به نمایش گذاشت. این شاعر که همواره تلاش می کرد با رویدادهای معاصر ادبی جهان در ارتباط باشد، علاوه بر مطالعه ادبیات عرب، با تسلطی که به دو زبان انگلیسی و عبری داشت، ادبیات جهان را نیز به دقت پیگیری می کرد. علاقه و نوجویی درویش، او را در سال ۱۹۷۰ راهی روسیه کرد تا با تحولات ادبی و فرهنگی این کشور آشنا شود. سوغات شعر درویش به شوروی سابق، اسنادهای فراوانی بود که او نسبت به هویت جعلی کمونیسم ابراز داشت. البته در کنار این مسئله او با زبان روسی و ادبیات این کشور نیز آشنا شد.

درویش که همواره او را به عنوان نماد مقاومت مردم فلسطین در برابر رژیم اشغالگر صهیونیستی می شناسند، با انتشار ۳۰ مجموعه شعر و هشت کتاب نثر، نام خود را در ادبیات جهان ثبت کرد. اشعار این شاعر به ۲۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده و نقدهای بسیاری نیز درباره آن نوشته شده است. چنانچه بسیاری از کارشناسان ادبیات می گویند، محمود درویش به دلیل شعرها و مقالات بسیار درخشانی که در طول حیات پرپراش نوشته، یکی از مستحق ترین افراد برای کسب نوبل ادبی بود، اما لابی های صهیونیسم، جایزه نوبل را از این افتخار محروم کردند که نام شاعری بزرگ همچون درویش را در میان برندگان داشته باشد.

درویش در گفت و گوهایش حمایت از هموطنان فلسطینی را وظیفه خود می دانست، هر چند با شیوه مبارزه آنها موافق نبود و برای از بین بردن سایه شوم رژیم صهیونیستی، اقداماتی جدی تر را خواهان بود. درویش در کنار این مسئله، همواره همکاری کشورهای عربی و مسلمان را خواهان بود و اظهار امیدواری می کرد که روزی منطقه در فقدان این رژیم اشغالگر، روی آرامش را به خود ببیند. توجه این شاعر ملی فلسطینی به مردم کشورش و مصائب ایشان چنان بود که حتی در کارهای عاشقانه اش نیز

می توان رگه های انتقاد به رژیم صهیونیستی و اشغالگران کشور را یافت. از همین روست که او بارها به دلیل نوشتن شعر و مقاله به زندان رفت و کشورهای غربی به ظاهر حامی حقوق بشر، هیچ اعتراضی در این مورد انجام ندادند.

محمود درویش که علاوه بر سرودن اشعار درخشان، مقالات ادبی و فرهنگی خوبی نیز می نوشت در طول دوران کاری اش در عرصه مطبوعات، با نشریاتی همچون 'الاتحاد'، 'الجدید'، 'الاهرام' و 'امور الفلستین' همکاری داشت. تبعید او در سال ۱۹۸۰ از کشورش نیز به مناسبت مقاله ای بود که وی در آن، از ارزش ادبیات در فرهنگ مقاومت علیه رژیم اشغالگران قدس سخن رانده بود. درویش در تبعید نیز مبارزه را رها نکرد و همواره خود را بخشی از مبارزه علیه رژیم صهیونیستی می دانست، چنان که در سال ۱۹۸۷ به عنوان رئیس اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین انتخاب شد.

درویش در طول سال های فعالیت ادبی اش، جوایز متعددی را از سوی اماکن فرهنگی جهان دریافت کرد که نشان از ارزش ادبی انکارنشدنی وی دارد. او برنده جایزه ادبی این سینا، لوتوس، انجمن نویسندگان آفریقا - آسیا، هنرهای حماسی فرانسه، مدال ادبی و جایزه آزادی فرهنگی بنیاد لبنان، جایزه ادبی ناظم حکمت، نشان عالی ادبیات و هنر فرانسه و جایزه جهانی شعر استروگا شد تا بار دیگر بر ارزش های انکارناشدنی ادبی اش صحنه نهاده شود.

محمود درویش در گفت و گویی در مورد اشغال کشورش توسط صهیونیست ها می گوید: به یاد دارم که شش ساله بودم. در دهکده ای آرام و زیبا زندگی می کردم. خوب به یاد دارم که چه روزهای خوب و آرامی را می گذراندم. در یکی از شب های تابستان که معمولاً عادت اهل ده این است که روی پشت بام بخوابند، مادرم ناگهان من را بیدار کرد. دیدم که داریم با سدها تن از مردم دهکده در میان پیشه ها فرار می کنیم. گلوله های سربی از روی سر ما می گذشتند. این آغاز مصائبی بود که مردم کشورم با آن در سال های بعد روبه رو شدند.



نگاهی به زندگی و آثار هرمان هسه از دریچه کتاب تازه منتشر شده‌ای درباره وی

بازی روشنفکران با آتش جنگ



هرمان هسه

درست در آن روزهایی که بسیاری از روشنفکران اروپایی بر طبل جنگ می‌کوبیدند و آن را ستایش می‌کردند و درست در آن روزهایی که جنگ اول جهانی نشان می‌داد که دستاوردهای تمدن بی اخلاق غربی می‌تواند به چه فجایعی منجر شود، نویسنده‌ای به نام هرمان هسه از صلح می‌نوشت و خواستار برقراری صلحی پایدار در جهان بود. مخالفت او با رایش دوم و جنگ طلبی او به آن حد بود که بسیاری از خوانندگان آلمانی طرفدار این حاکم ضد بشر، نوشته‌هایش را تحریم کردند. از دست رفتن تعداد قابل توجهی از مخاطبان آلمانی، هرمان هسه را نه تنها با مشکلات مالی قابل توجهی روبه‌رو کرد بلکه سبب شد تا او از نظر روانی نیز با مشکلاتی دست و پنجه نرم کند. رضا نجفی در کتاب تازه منتشر شده خود با عنوان «شناختی از هرمان هسه» با اشاره به این موضوع از نامه‌نگاری‌های این نویسنده آلمانی و رومن رولان می‌نویسد: تنها رومن رولان، ادیب فرانسوی بود که در بحبوحه خردباختگی همگانی ملت‌های اروپایی، شجاعت اخلاقی هسه را ارج نهاد و با او هم‌نوا شد، تا جایی که هسه بعدها نوشت که اگر نامه‌نگاری‌هایش با رومن رولان نبود، دوران جنگ برای او تاب‌آورنی نمی‌نمود.

مؤلف کتاب «شناختی از هرمان هسه» عمر هنری او را به سه دوره تقسیم می‌کند. او معتقد است که نخستین دوره حیات نویسندگی این نویسنده برنده نوبل دربردارنده سال‌های نخستین کار وی تا پایان نخستین جنگ جهانی است. وی دومین دوره نویسندگی هسه را فاصله میان جنگ اول و دوم جهانی معرفی می‌کند و بر این باور است که دوره سوم حیات نویسندگی هسه، پس از جنگ دوم جهانی تا پایان زندگی وی را دربرمی‌گیرد. نجفی درباره چگونگی این سیرنگارش می‌نویسد: به سبب موضع‌گیری‌های هسه علیه جنگ، او خوانندگان آلمانی خود را از کف داد و گرفتار دشواری‌های مالی شد. در همین سال‌ها، پدرش را هم از دست داد و بیماری روانی همسرش شدت گرفت. او که پیش از آن نیز بیماری و خیم فرزند را از سر گذرانده بود این دشواری‌ها را تاب نیاورد و به ناچار از روانکاوان کمک گرفت. به گفته مؤلف او سپس مطالعاتی را در عرصه روانکاوی انجام داد و چند جلسه با کارل گوستاو یونگ برگزار کرد. این دوره هنری هرمان هسه با آغاز نقاشی‌های وی مقارن شد. او از نقاشی به مثابه شیوه‌ای درمانی سود می‌جست. پایان جنگ و مطالعات عمیق هرمان هسه از او چهره‌ای متفاوت ساخت. چنان‌که نجفی در این مورد می‌نویسد: «دگرگونی نویسنده، تا حدی بود که او نامی دیگر بر خود نهاد و با نام مستعار امیل سینکلر (زینکلایر) نخستین رمان پس از جنگ خود «میان» را منتشر کرد.» به گفته این مؤلف با چاپ «میان» که سخت‌تحت‌تأثیر آموزه‌های یونگ و داستایفسکی بود، هسه از نویسنده‌ای معمولی به یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان آلمانی زبان سده بیست بدل شد. رمان‌های «گرگ بیابان»، «سیدارتا» و «نارتیس و گلدومند» یا «ترگس و زرین دهن» از جمله آثار این دوره هسه است. او از این دوره، به تدریج از افسانه‌های بومی به افسانه‌های هنری می‌گراید و از سویی دیگر در داستان‌هایش تأثیراتی را که از مکاتیبی چون اکسپر سیونیسیم و سوررئالیسم برگرفته بود، به نمایش گذاشت. مؤلف کتاب «شناختی از هرمان هسه» در مورد سومین دوره کاری او می‌نویسد: «سومین و

واپسین دوره ادبی هسه فقط در یک رمان او «بازی مهره‌های شیشه‌ای» بازتاب یافته است. او پس از روی کار آمدن نازی‌ها در آلمان، جز زمانی نام‌تمام نام «توتولد» (و البته بازی مهره‌های شیشه‌ای) دیگر رمانی ننوشت و به سرودن شعر، نوشتن داستان‌های کوتاه، مقالات و نقدهای ادبی بسنده کرد. اما بازی مهره‌های شیشه‌ای به تنهایی ارزش آن را دارد که دوره سوم را دوره ممتاز حیات ادبی نویسنده بدانیم. به نوشته این مؤلف، این رمان که در طول جنگ دوم جهانی نوشته و منتشر شد، حاصل جمع تمامی تأثیرگیری‌ها، دلمشغولی‌ها، اندیشه‌ها و هنر هسه است. او سپس به مقایسه «بازی مهره‌های شیشه‌ای» با «کوه جادو» توماس مان می‌پردازد و می‌نویسد: «این رمان که در سال ۱۹۴۶ جایزه نوبل ادبی را برای آفریننده خود به ارمان آورد، رمانی تربیتی شناخته شده است. اما نمادگرایی گسترده مهره‌های شیشه‌ای، آن را از زمره رمان‌های تربیتی نیز فراتر می‌برد. از برخی جهات این رمان یادآور مجموعه ویلهلم مایستر گوته است، اما به گونه‌ای مدرن‌تر، نمادین‌تر و پیچیده‌تر آنچنان که اولیس «جیمز جویس در برابر آودیسه هومر». «بازی مهره‌های شیشه‌ای» توصیف‌گر آرمان شهری تخیلی است. کاستالیا، این اتوپیا شگفت‌انگیز، جایگاهی برای تعلیم و تربیت است، اما این مدینه فاضله فراتر از زمان و مکان و شرق و غرب است. به نوشته رضا نجفی، این کتاب حجیم و سنگین پاسخ به کسانی است که هسه را نویسنده‌ای صرفاً رمانتیک و احساساتی می‌دانند.

هسه پس از انتشار «بازی مهره‌های شیشه‌ای» همه فعالیت ادبی خود را صرفاً در شاخه‌های دیگر جز

«بازی مهره‌های شیشه‌ای»
توصیف‌گر آرمان شهری
تخیلی است. کاستالیا،
جایگاهی برای تعلیم و
تربیت است، اما این مدینه
فاضله فراتر از زمان و مکان
و شرق و غرب است

ادیبی از دل تاریخ



عمادالدین کاتب اصفهانی یکی از مورخان و ادیبان نامدار قرن ششم هجری است. عصر او مصادف است با اواخر دوره عباسی و حوادثی که در جهان اسلام روی داد. وقوع

جنگ‌های صلیبی یکی از این واقعه‌هاست. اوضاع فرهنگی و ادبی نیز متأثر از اوضاع آشفته روزگار، کمی نابسامان بود. تقلید ادبی و زیاده‌روی در به کارگیری انواع صنایع و متون بلاغی به ویژه در نثر از ویژگی‌های بارز این عصر در کشورهای عربی و اسلامی است. عماد اصفهانی از پیشروان نثر فنی و مصنوع در این عصر به شمار می‌آید. کتاب «دورنمایی از حرکت ادبی عمادالدین اصفهانی در جهان اسلام» گامی است در جهت شناخت این ادیب و اندیشمند مسلمان.

بخش اول کتاب به زندگی عماد اختصاص دارد. مؤلف در این بخش ابتدا به روزگار عماد و اوضاع عمومی در قرن ششم هجری پرداخته و سپس به سلجوقیان و جنگ‌های صلیبی توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. بررسی این موقعیت تاریخی سبب می‌شود تا شناخت بهتری از عماد به دست بیآوریم. مؤلف پس از فراهم کردن بسترهای مناسب، به شرح حال این ادیب پرداخته است. او به این منظور از خانواده عماد و ارتباط وی با ایشان نوشته و سپس به شرح سفرهای این بزرگمرد اصفهانی پرداخته است. ویژگی‌های شخصی عماد، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی او از دیگر مسائلی است که مؤلف کتاب «دورنمایی از حرکت ادبی عمادالدین اصفهانی در جهان اسلام» به آن پرداخته است. وی در مورد شرح حال فرهنگی عماد می‌نویسد: «وی در اوآن کودکی به همراه پدر و پدربزرگش در مجالس دینی و محافل ادبی حضور پیدا می‌کرد و خانواده‌اش همواره مشوق او در یادگیری قرآن و علم حدیث بودند. در شش سالگی پای درس ابوالقاسم بن حصین، کاتب و محدث بزرگ به استماع حدیث و علوم دینی پرداخت. به گفته دکتر فرزانه غفاری، عماد از سیزده سالگی به مدت یک سال به آموزش قرآن و کتاب‌های عربی در مدرسه محدث کاشان پرداخت و پس از رجوع به اصفهان در سن پانزده سالگی عازم بغداد شد و در مدرسه نظامیه بغداد مشغول تحصیل شد. شرح فعالیت‌های فرهنگی عماد به طور کامل توسط مؤلف کتاب «دورنمایی از...» آمده است. وی در ادامه به آثار عماد پرداخته است.

عماد ادیبی کاتب و مورخ و شاعر، عماد کاتب، عماد مورخ و عماد شاعر از جمله مباحثی است که در بخشی مرتبط با آثار این فخر فرهنگی ایران مطرح شده است. سپس آثار وی به طور جزئی‌تر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. «دیوان رسایل»، «نصرة الفتره و عصرة الفطره»، «البرق الشامی»، «عقبی الزمان فی عقبی الحدان»، «خطفة البارق و عطفة الشارق»، «تحلة الرحلة و حلیة العطلة»، «الفتح القدسی فی الفتح القدسی» و... از جمله آثار مطرح شده توسط دکتر فرزانه غفاری است. وی در فصل‌های بعدی به آثار منظوم عمادالدین اصفهانی و معیارهای نقدی - بلاغی و تناسب لفظ و معنا پرداخته است. در پایان کتاب پیوست‌هایی آمده که اطلاعات جانبی باارزشی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

کتاب «دورنمایی از حرکت ادبی عمادالدین اصفهانی در جهان اسلام» در زمستان ۱۳۸۶ توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

رمان نویسی ادامه داد، از این رو می‌توان این اثر را پایان بخش رمان‌های بزرگش دانست. نجفی در این باره می‌گوید: «او که سالیان‌سال در دهکده کوچک و زیبای مونتانیولای سوئیس، نزدیک دریاچه لوگانو به دور از هیاهوی جنگ و بحران‌های دیگر گذرانده بود، به آرامش درونی رسیده بود. هسه، بیش از پیش گوشه‌ عزلت‌گزیده بود و هنگامی که در سال ۱۹۶۲ درگذشت، در سردرخانه‌اش کتیبه‌ای با این مضمون نصب شده بود: «لطفاً به دیدارم نیایید.» به نوشته مؤلف کتاب «شناختی از هرمان هسه» مرگ پایانی بر شهرت وی نبود. شمارگان آثار او که در زمان حیاتش در کشورهای آلمانی زبان، تنها هشت میلیون نسخه بود، پس از مرگش به ۱۲ میلیون نسخه در آمریکا و ۱۳ میلیون نسخه در ژاپن رسید. به طور کلی برآورد می‌شود که تاکنون ۸۰ میلیون نسخه از آثار هسه به چاپ رسیده است. نجفی در این مورد می‌افزاید: «علاوه بر این آثار هسه دست‌کم به ۴۰ زبان ترجمه شده و این محبوبیت همچنان رو به فزونی دارد. روند روی آوردن دوباره به آثار هسه و کشف مجدد او پیش‌بینی‌ناپذیر نیست. برای نمونه تا پیش از دهه شصت، هسه در آمریکا و به طور کلی کشورهای انگلیسی‌زبان شناخته شده نبود. حال آن‌که در بیست سال گذشته، آثار او به ناگاه در شمارگان میلیونی منتشر شد و به فروش رفت.»

در بخش‌های بعدی کتاب، نجفی چهار رمان «گرگ بیابان»، «میان»، «سیدارتا» و «نارتیس و گلدومند» را مورد نقد و بررسی قرار داده است. او در این بخش‌ها کوشیده است از دریچه و نگاه‌های مختلف رمان‌های هسه را مورد بررسی قرار دهد. در ابتدای فصل چکیده‌ای از رمان آمده سپس کلیاتی درباره‌اش مطرح شده و سپس از دید مکاتب مختلف نقادی مورد بحث قرار گرفته است.

پیوست‌های کتاب نیز می‌تواند به شناخت رمان‌های هسه، کمک شایانی کند. سالشمار زندگی هرمان هسه، کتاب‌شناسی آلمانی آثار هسه، کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی آثار هسه در زبان فارسی و کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی درباره هسه از جمله مسائلی است که در این پیوست‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

«شناختی از هرمان هسه» به تازگی توسط انتشارات کاروان در ۱۵۰۰ نسخه منتشر شده است.

نگاهی به «قصه‌ها و افسانه‌هایی از گوشه و کنار ایران»

قصه‌های مادر بزرگ

جامعه ایرانی همواره به قصه و قصه‌پردازی توجه ویژه‌ای داشته است. قدمت این قصه‌ها به سال‌ها قبل برمی‌گردد و نمود این قدمت را می‌توان در قصه‌های «هزار و یکشب» جست‌وجو کرد؛ سینه به سینه نزد ایرانیان به یادگار مانده و در گذر زمان همراه با تحولات اجتماعی، تغییراتی یافته است. محمدجعفر قنوتی در کتاب «قصه و افسانه‌هایی از گوشه و کنار ایران» تعدادی از این قصه‌ها را که توسط پژوهشگران مختلف گردآمده، جمع‌آوری و منتشر کرده است.

به نوشته این پژوهشگر عرصه فرهنگ، در این مجموعه کوشش شده به جز حک و اصلاحات محدود که مربوط به تصحیح املاقی نویسندگان بوده در نثر اسناد تغییری ایجاد نشود. وی همچنین کوشیده است براساس سنت بزرگان عرصه فرهنگ مردم، نام و مشخصات راویان و ارسال کنندگان افسانه‌ها را در پایان هر روایت بیاورد تا ضمن حفظ امانت و ارجمندی زحمت‌های راویان، نام و نشان آنها نیز به همراه این روایت‌ها ثبت و ضبط شود. وی همچنین آورده است که افسانه‌هایی که چند روایت از آنها موجود بوده، در صورت وجود تفاوت‌های قابل توجه، همه روایت‌ها آورده شوند و اگر دو یا چند روایت شبیه هم بوده‌اند، روایتی که از دقت بیشتری برخوردار بوده به طور کامل نقل شده و به مشخصات سایر روایت‌ها اشاره شده است. وی در این باره افزوده است: «کوشش شده است در صورت وجود شباهت‌هایی میان افسانه‌ها با منابع ادبیات مکتوب به این موارد نیز پی‌باید داشت‌هایی اشاره شود.»

محمدجعفر قنوتی یکی از نتایج این پژوهش را گردآوری ده‌ها هزار سند مهم مربوط به فرهنگ مردم عنوان می‌کند و با ذکر این نکته که برخی از این اسناد توسط استادانجوی و همکاران ایشان از جمله سیداحمد و کیلیان منتشر شده، می‌نویسد: «یکی دیگر از نتایج این پژوهش و پخش رادیویی آن، آموزش تعداد فراوانی پژوهشگر فرهنگ مردم بود که بسیاری از آنها با اتکا به همین آموزش‌ها، فرهنگ مردم منطقه خود را به صورتی علمی تدوین و منتشر کرده‌اند.»

در کتاب «قصه‌ها و افسانه‌هایی از گوشه و کنار ایران» ۵۴ قصه ایرانی که از اقصی نقاط کشور جمع‌آوری شده در کنار هم آمده‌اند. این قصه‌ها و افسانه‌ها چنانچه در انتهای هر اثر آمده، در سال‌های مختلف و از نقاط مختلف کشور جمع‌آوری شده است و یادداشت‌هایی که در پایان اغلب این داستان‌ها آمده، توضیحات و شرح‌هایی را درباره آنها داده است که خوانندگان را در جهت شناخت درست این قصه‌ها و افسانه‌ها یاری خواهد کرد. به عنوان نمونه در انتهای افسانه «پلنگ و آدمیزاد» که توسط محمد شهبابی در سال ۱۳۶۴ به پژوهشگاه ارسال شده، یادداشتی آمده که در آن به دور روایت دیگر که از این قصه موجود است، اشاره می‌شود؛ یکی از روایات در «موش و گربه» شیخ بهایی و دیگری به روایتی مرتبط است که در «هزار و یکشب» موجود است.

کتاب «قصه‌ها و افسانه‌هایی از گوشه و کنار ایران» توسط دفتر پژوهش‌های رادیو در شمارگان دو هزار نسخه به تازگی وارد بازار کتاب شده است.



گزارشی از کتاب «داستان نویسی نوین»

رقابت بی رحمانه با کلمات



را تقلید کند. وی می‌افزاید: «البته ما نمی‌گوییم که شما می‌توانید هر کاری که خواستید انجام دهید. شما مجبورید ارتباط خود با جهان نویسندگی را حفظ کنید ولی به نظر من، هیچ‌کس نمی‌تواند به شما بگوید که دقیقاً کارتان را چگونه انجام دهید.» نایت با آوردن مواردی جزئی و در عین حال کاربردی، علاوه بر آن که به شرح پرورش حس نویسندگی در هنرجوی این رشته می‌پردازد، موفقیت یک انسان هنرمند را نیز از نظر دور نداشته است.

در فصل دوم کتاب، مسئله ایده در داستان مورد توجه قرار گرفته است. شروع، هدایت و پایان داستان در فصل‌های بعدی مورد توجه نویسنده قرار گرفته اما فصل ششم کتاب را باید از نکاتی دانست که به طور خاص توسط این معلم داستان‌نویس مطرح شده است. او در این فصل به عنوان «نویسنده شدن» می‌پردازد. در این فصل که شاید برخی آن را چندان جدی نگیرند به برخی از مسائل و جزئیات حرفه نویسندگی پرداخته شده که می‌تواند برای علاقه‌مندان به این رشته مفید باشد. به عنوان نمونه، عادت کاری نویسنده در قالب محل، زمان و چگونگی نوشتن از جمله مواردی است که نایت مطرح کرده است. او در مورد مکان و چگونگی پرداختن به عرصه نویسندگی می‌گوید: «مکانی را برای نوشتن در نظر بگیرید که فقط متعلق به شماست؛ آن هم فقط برای نوشتن شما. ساعات مشخصی از روز را به نوشتن اختصاص دهید؛ هر طور که شرایطتان ایجاب می‌کند، حتی اگر دو ساعت در صبح روزهای جمعه یا شنبه باشد و در این ساعت کار دیگری انجام ندهید.» موارد دیگری که این نویسنده آثار علمی-تخیلی در ادامه مطرح می‌کند هر کدام می‌تواند گامی در جهت حرفه‌ای شدن در عرصه نویسندگی باشد.

کتاب «داستان‌نویسی نوین» با تمام مشخصات خوبی که دارد، در نام‌گذاری کمی دچار اشکال است. واژه «نوین» چنان‌که می‌دانیم واژه‌ای است که از نظر ساختار در زبان فارسی دارای مشکل است. پسوند «ین» در زبان فارسی به انتهای اسم می‌چسبد و از آن صفت نسبی می‌سازد و چسباندن آن به پایان یک صفت؛ «نو» چندان درست نیست، هرچند واژه «نوین» به عنوان یک غلط مصطلح پذیرفته شده است.

«داستان‌نویسی نوین» توسط نشر چشمه و با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه به تازگی وارد بازار کتاب شده است.

به گفته این داستان‌نویس آثار علمی-تخیلی اگر سال‌ها قبل این سوال در برابر او قرار می‌گرفت که نویسندگی یاددانی است یا خیر، او طرح سوال را جدی نمی‌گرفت، چرا که خود وی، مثل بسیاری از نویسندگان حرفه‌ای، نویسندگی را بدون هیچ قاعده و آموزشی فراگرفته بود و تاکنون به این قضیه توجه نداشت که چگونه نوشته است. به طور حتم چنین کسی نمی‌تواند به دیگران نیز طریقه نوشتن را بیاموزد. او سپس به فعالیت خود در دفتری اشاره می‌کند که در آن داستان‌های ارسالی نویسندگان را می‌خواند و به آنها پاسخ می‌داد. وی می‌افزاید: «براد بیشتر کارها، ضعف در پیرنگ و شخصیت‌پردازی بود؛ نکاتی که خودم در حین نوشتن به کار نمی‌گرفتم نمی‌توانستم روش و قاعده‌ثابتی برای نوشتن به آنها توصیه کنم. من در حین نوشتن، چیزهایی یاد گرفته بودم که بسیاری از آنها درست نبود مثل این که هر داستانی اسکلت پیرنگ دارد.» این مولف و پژوهشگر حوزه ادبیات داستانی سپس به آغاز آموزش داستان‌نویسی توسط خود و همسرش اشاره می‌کند که در سال ۱۹۷۸ روی داده است. او در این مورد می‌نویسد: «وقتی ما کار را شروع کردیم هر دو با تجربه بودیم. اما هیچ کدام از ما به آموزش ابتدایی قانع نشدیم. ما فهمیدیم اولین کاری که باید انجام دهیم، سخت‌ترین کار است؛ یعنی فهمیدن این که دانشجو چه چیزی را نمی‌داند.» به گفته دیمون نایت، در زمانی که آنها کار را شروع کردند، تعداد زیادی از دانشجویان، چیزی از زاویه دید نمی‌دانستند و تعداد کمی از آنها در مورد «پیرنگ» داستانی شنیده بود. او با اشاره به این که در این کارگاه‌ها محدودیت‌های زمانی سبب می‌شد بسیاری از موارد نادیده گرفته یا کمتر به آن پرداخته شود می‌نویسد: «ما در کارگاه فقط می‌توانستیم بعضی از روش‌های آموزشی را استفاده و تمرین کنیم. این کلاس‌ها سال به سال ادامه پیدا کردند تا امروز که در دانشگاه میشیگان برگزار می‌شوند.»

کتاب «داستان‌نویسی نوین» در شش بخش تدوین شده است. در بخش اول نویسنده به پرورش استعداد نویسندگی پرداخته است. مولف با شرح این نکته که هر فرد یک استثنای در عرصه نویسندگی به حساب می‌آید می‌نویسد که هر نویسنده‌ای باید یاد بگیرد به شیوه خودش بنویسد و اصلاً سعی نکند رفتار کسی

تاکنون آثار بسیاری درباره داستان‌نویسی و آموزش آن تالیف شده است. در این کتاب‌ها با موارد بسیاری روبه‌روایم که می‌توان آنها را به عنوان مسائل بنیادین این حوزه عنوان کرد و کتاب «داستان کوتاه» سامرست موام را می‌توان در این دسته از آثار جای داد. با این همه بیشتر آثاری که در مورد داستان‌نویسی و آموزش آن به فارسی تالیف یا ترجمه شده‌اند، شیوه‌های کلاسیک این عرصه را مورد توجه قرار داده‌اند. کتاب «داستان‌نویسی نوین» نیز هر چند حدود بیست سال قبل (۱۹۸۵) توسط دیمون نایت تالیف شده، اما به هر روی می‌توان آن را یکی از جدیدترین آثار ترجمه شده به فارسی دانست. مهدی فاتحی، مترجم این کتاب، فرانسوی نایت را نویسنده‌ای صاحب‌نام و معلمی صبور می‌داند که قدرت عظیمش نه تنها در درس‌هایش، بلکه در تأثیری است که بر ذهن می‌گذارد. او در این مورد می‌نویسد: «روانی لحن نگارش کتاب و صداقت او، چیزهایی است که ما را وادار می‌کند هر خط از کتاب را با علاقه بیشتری از خطوط قبلی دنبال کنیم.»

به گفته مهدی فاتحی دیمون نایت را باید بیشتر نویسنده‌ای مرتبط با ادبیات علمی-تخیلی دانست. او سال‌ها در دانشکده‌های مختلف کارگاه‌های نویسندگی برگزار کرده و به طور جدی کار نگارش داستان‌ها را پیش برده است. توصیه‌های این نویسنده در دو قلمرو تجربی و تئوری، می‌تواند برای داستان‌نویسان جوان مفید باشد. دیمون نایت معتقد است که کتابش مانند هر کتاب دیگری، مثل پیامی در بطری است و آن که آن را می‌پذیرد و می‌خواند در واقع در کلاس او نشسته است. او و همسرش کتی ویلهم چیزی حدود سی سال در کارگاه‌های نویسندگی با نویسندگان زیادی کار کرده‌اند. او که در یوجین اورنجو می‌زیست در سال ۲۰۰۲ چشم از جهان فروبست. مهدی فاتحی با بیان این که کتاب «داستان‌نویسی نوین» برای اولین بار در سال ۱۹۸۵ به نگارش درآمده و در سال ۱۹۹۷ برای سومین و آخرین بار ویرایش و بازبینی شده، در مورد علت ترجمه این کار می‌نویسد: «من کتاب آقای نایت را به خاطر صداقت کلام و آزادمنشی که در روند آموزش داشت برای ترجمه انتخاب کردم. در کشوری که طی صد سال داستان‌نویسی، تعداد نویسندگان تراز اولش به بیش از انگلستان دو دست نمی‌رسد و کارگاه‌های داستان‌نویسی همراه با اساتید مجربش از انگلستان یک دست هم تجاوز نمی‌کند جای خالی چنین کتاب‌هایی بیش از پیش احساس می‌شود.»

دیمون نایت در پیشگفتار کتاب می‌نویسد: «نویسنده‌ای یادگرفتنی است نه یاددانی، اگر هم یاددانی باشد، شما با خواندن یک کتاب نمی‌توانید آن را یاد بگیرید، حتی اگر به این روش هم آن را یاد بگیرید، ممکن است با یادگیری زیاد در زمینه پرداخت، خلاقیت‌تان را از دست بدهید.» وی سپس به طرح این موضوع می‌پردازد که سه مسئله مطرح شده در مورد منتشر نشدن این کتاب دارای تضادی درونی با هم هستند هر چند برخی سنت‌های آن را نمی‌توان نفی کرد. نایت می‌افزاید: «اگر شما می‌خواهید داستان‌نویسی را یاد بگیرید باید بنویسید و با پیروی کردن مجموعه‌ای از دستورات نمی‌توان داستان کوتاه قوی نوشت. مثل چیدن اشیاء و لوازم در منزل و در نهایت این که بعضی مواقع بدون آگاهی، بهتر می‌توان کار کرد.»





با مسعود بیزار گیتی، شاعر «صداهای ریخته»

شعر و مخاطبان اجتماعی

مسعود بیزار گیتی، هر چند با انتشار شش مجموعه شعر در طول سه دهه فعالیت خود در عرصه ادبی، شاعر پرکاری به حساب نیاید، اما کمتر کسی است که از شعر معاصر شمال کشور حرف بزند و نام این شاعر را به مناسبتی بیان نکند. بیزار گیتی که دستی نیز در نوشتن مقالات و نقدهای ادبی دارد، در شعرهای سپید خود، همواره به مسائل اجتماعی توجه داشته است. گفت و گویی که در ادامه می آید به مناسبت انتشار آخرین مجموعه شعر این شاعر شمالی است که به تازگی و تحت عنوان «صداهای ریخته» به چاپ رسیده است.

توجه به مسائل اجتماعی و عاشقانه در شعرهای شما به طور توأمان وجود دارد. این نوع نگاه تا چه اندازه در پیدایی یک شعر موفق موثر است؟

بافت زندگی اجتماعی ما و دوران تاریخی که در آن زندگی می کنیم سبب شده شاعران نگرش اجتماعی بیشتری داشته باشند از سوی دیگر این نکته سبب شده تا مخاطبان اجتماعی نیز به این ژانر بیشتر توجه کنند. وقتی از مخاطبان اجتماعی حرف می زنیم، منظور ما تعداد قلیلی از خوانندگان حرفه ای ادبیات نیست. من برخلاف برخی مسائل تئوریک که در سال های اخیر مطرح شده و سپس از راه ترجمه به ما رسیده و مسئله فرم و زبان را مطرح می کند، به محدودیت خواننده فکر نمی کنم. در این تئوری ها معمولاً ما با خواننده هایی روبرو هستیم که به شکل حرفه ای به ادبیات نگاه می کنند در آن قلم می زنند، نقد می نویسند یا به شکلی با ادبیات درگیرند. از سوی دیگر، مسائلی که در شعر مطرح می شود، گزینشی و آگاهانه نیست. یک اثر، به طور ناخودآگاه از مولفه های درونی سود می جوید، بی آن که خود بخواید یعنی اگر فرایند خلق یک شاعر، یک آهنگساز، یک نقاش یا یک نویسنده را در سطح جهانی بررسی کنید، متوجه آن می شوید که در اثرش یک حرکت غیرارادی و خارج از حوزه تسلط آگاهی وجود دارد. اما به هر حال، یک شاعر هم مثل هر انسان دیگری، همان طور که فکر می کند، عمل می کند.

به گمان من یک انسان را نمی توان از جامعه کنار گذاشت. حتی اگر یک انسان در دوره ای از مناسبات اجتماعی کناره گیری کند و در خلوت خود به اندیشه بپردازد باز تجربیات اجتماعی درونی شده وی در آثارش حضور خواهد داشت. یعنی مولفه آرمان خواهی، منطقی بودن، انسان بودن و انسانی اندیشیدن، یقیناً در آثارش حضور خواهد داشت. ما در تجریدی ترین آثار هنری رگه هایی از توجه به انسان و عشق را می بینیم. اینها بخشی از ناخودآگاه انسان سرچشمه می گیرند و بخشی از خودآگاه او به گمان من بحث در این مورد نیز، بحثی طولانی است که می توان درباره اش صحبت کرد.

شما به دو مقوله فرم و زبان و تحولات آن در سال های اخیر اشاره می کنید و از سوی دیگر از مسائل انسانی و تعهدات اجتماعی موجود در آثار هنری حرف می زنید. به گمان من شما اگر مجبور به انتخاب یکی از این دو گزینه باشید، بحث تعهد اجتماعی و نگاه انسانی را برمی گزینید. درست است؟

تغییراتی که در طول انتشار کتاب های من در گذر زمان روی داده نشان از آن دارد که من خود را همچنان با ایده پوست عوض کردن اثر همگام کرده ام. به این



ترتیب که در آثار من، تلاش در راه رسیدن به ساختارهای نو وجود دارد. این تغییرات در «صداهای ریخته» هم وجود دارد و نشان از آن دارد که من به نوشدگی در اثر اعتقاد دارم اما همواره بین محتوا و فرم اثر پیوندی دیالکتیکی می بینم. یعنی ما به هیچ وجه نمی توانیم فرم و محتوای اثر را از هم تفکیک کنیم. من باز به نکته ای برمی گردم که کمی قبل به آن اشاره کردم. نوعی فرایند نهفته عصبی - که در روانکاوی آن را ناخودآگاه می گویند و خیلی موافق آن نیستم - سبب می شود که فعالیت هنری از اختیار ما خارج شود. این نکته در کار تعیین کننده است و اگر شما نگاه و نگرشی اجتماعی را در کار من می بینید، به برداشت شما مرتبط می شود. از سویی دیگر من در مقاله ای تحت عنوان «بحران موقعیت» درباره موقعیت ادبیات در دهه هفتاد که در یکی از نشریات منتشر کردم از توجه نداشتن برخی گرایش های ادبی به جامعه و گرایش آنها را به ترجمه هایی که روی داده نوشته ام. به گمان من نوعی شتاب در هضم و جذب این تئوری ها وجود دارد.

در واقع پیروی از آنها...

بله، وجود دارد. برخی می خواستند خیلی مکانیکی با فرهنگ ما برخورد کنند. به گمان من این نگره ها بستر مناسبی در جامعه ما فراهم نکرده بودند و جامعه ادبی ما نمی توانست آنها را هضم کند.

و گاه با ترجمه های غلط ...

فقط هم ترجمه های قلمی نبود. گاهی برخی از همکاران قلمی من که نمی خواهم نامی از آنها ببرم، بدون توجه به مسائل مطرح شده در این تئوری ها به تالیف های مکانیکی و غیر خلاق می پرداختند. برخی از آنها نوشته هایی را در این زمینه می خواندند و به طور غلط به ذهن



می سپردند و در یک نوشتار دو یا سه صفحه ای و بدون توجه به نزدیکی با موضوع مورد بحث قرار می دادند. علاوه بر روی دادن این اتفاق ناگوار در حوزه نثر، بارها دیده ام که در حوزه شعر نیز برخی به رونویسی از کار دیگران مشغول بوده اند. یکی از دوستان شاعری که دارای چند دهه تالیف شعری است و در این دو دهه در عرصه انتقاد هم موفق عمل کرده، متأسفانه به گونه ای عمل کرده که فاصله عظیمی بین کار و جوهره کاری اش در گذشته و دوران اخیر حاصل شده است. در کنار این دوست

شاعر که من تحلیل ها و برخی شعرهای متاخرش را نیز می پسندم، افراد بسیاری بوده اند که به رونویسی از هنر دیگران مشغول بوده اند.

منظور من از توجه به فرم توجه به همین جریان ها و مدهای ادبی بود و گرنه در شعر نمی توان بین فرم و محتوا تفاوت و رمز قائل شد. یعنی حتی آثاری که معتقدند ساختار شکنی کرده اند، خود ساختار جدیدی - گیرم ناقص - خلق کرده اند.

بله. دقیقاً. این دوستان گاهی مسائلی را مطرح می کنند که خود به تناقض با آن می پردازند. مثلاً به از بین بردن اقتدار مولف اشاره می کنند و معتقدند باید اقتدار مولف ادبی را از بین برد. اما وقتی شعرشان را می خوانی، پراز من مولف است. به گمان من بسیاری از شاعرانی که با توجه و تاسی از جنبش پست مدرنیسم کار می کنند دارای پارادوکسی عظیم در عرصه اندیشه و زیبایی شناسی در آثار خود هستند. به گمان من چون این دوستان فاقد اندیشه و جهان بینی هستند مدام با پارادوکس هایی مواجه می شوند که حتی برای خودشان هم قابل حل نیست و نمی تواند دلایل موجه ارائه دهند. آنها از آفرینش هنر در قالب خودارجاعی مطلق زبان و مسائلی از این دست حرف می زنند، اما وقتی شما به طور منطقی با آنها بحث می کنید به هیچ وجه قادر نیستند با یک جهان بینی مشخص از تئوری های خود دفاع منطقی - تجربی کنند.

شما تا چه اندازه به مخاطب توجه دارید؟

من این گونه تربیت ذهنی شده ام که همیشه در آن سوی هنر، مخاطب را مورد توجه قرار داده ام. کار من نشان از آن دارد که مخاطب من صرفاً یک نویسنده یا منتقد نیست. آخرین کتاب منتشر شده من در خانه فرهنگ گیلان به نقد و بررسی گذاشته شد و در این خصوص بحث های زیادی مطرح شد. من همیشه مخاطبی اجتماعی را پیش روی خود متصور می شوم؛ مخاطبی که می تواند یک معلم یا یک خواننده حرفه ای ادبیات و یا یک کارمند باشد.

شما تا چه اندازه کارهایتان را ویرایش می کنید؟ ویرایش در کارهای من بسیار جزئی صورت می گیرد. وقتی می نویسم خودم را فشرده می کنم و در همان گام اول در اثری که خلق می کنم می ریزم. یعنی در گام دوم ویراستاری بنیادین صورت نمی دهم. حتی در مقاله هایم نیز این گونه ام. مثلاً مقاله ۴۴ صفحه ای درباره ارتباط دیالکتیک و هنر در یک برداشت و زمان چند ساعته نوشته ام.

یادداشت

نگار عبدالملکی



همه چیز از رویا آغاز می شود

درباره بایدها و نیایدهای شعر سخنان زیادی گفته شده است. گاه برخی، شاعران را به نگاه به مسائل اجتماعی توجه می دهند و گاه برخی نگاه به درون را طلب می کنند. پیامد این دو نوع نگاه به پیدایی ژانر شعر اجتماعی و عاشقانه منجر می شود. اما به نظر می رسد این دو نگاه مجرد به هیچ وجه بازتاب دهنده نگاه بی کرانه و آزاد شعر نیست و از سویی مناسبات شاعرانه را در قلمروی مرزبندی های خود با چالش روبه رو می کند. به عنوان نمونه بسیاری از شعرهای معاصر که نگاهی اجتماعی به مسائل دارند، در بطن خود یک شعر عاشقانه به شمار می آیند و از سوی دیگر بسیاری از عاشقانه ها حامل مسائل اجتماعی در شعرند. نگاه مسعود بیزار گیتی به مقوله شعر را باید در همین سمت و سو جست و جو کرد. او با آن که در اغلب کارهایش به نمایش فضای اجتماعی و عینی معاصر می پردازد اما از توجه به درون هم غافل نیست. به عنوان نمونه می توان شعر «برج های بن لادن» او را مثال زد. او در این شعر، تقابل عشق مادرانه سیدنی شیهان (همان مادری که بعد از مرگ فرزندش در جنگ عراق، به عنوان یک فعال ضد جنگ علیه بوش فعالیت های بسیاری انجام داد) و سیاست های جورج بوش را به شکلی ساده اما قابل تأمل به نمایش گذاشته است. او از سوی دیگر جورج بوش را در مقابل بن لادن قرار می دهد و از دیوانگی هایی سخن می گوید که نام این دورا در تاریخ به ثبت رسانده است: زد رویاها را می گیرم/ به برج های دولو/ به جایای بن لادن/ می رسم/ حالا دیگر خوب معروف شدی/ در کتاب های تاریخ/ آهنگ ها و ترانه ها/ تازه اگر کلی خرج می کردی/ جهان را در لنگه کفش هایت می گذاشتی/ مثل پرزیدنت بوش/ که با این همه توپ و اراده و.../ با یک قطره اشک sidny shihan/ لرزش white house/ در رگ هایش دیده بود... به جز این، بیزار گیتی برای آن که مخاطب را بیشتر درگیر فضای شعری خود کند، نوعی تصویر پردازی را نیز همواره چاشنی کارش می کند. تصویر پردازی او گاه تداعی گر فضایی نوستالژیک است و گاه فضایی عینی را پیش روی مخاطب قرار می دهد. در کنار این دو نوع نگاه که مرزهای مشترک آنها کم نیست، گفت و گو با من شاعر به مثابه مخاطبی فرضی از دیگر خصوصیات شعری این شاعر شمالی است. شعر لکنت چشم ها به شکلی قابل تأمل این وحدت فضاهای شعری را در آثار بیزار گیتی به نمایش می گذارد. شعر با پایین آمدن پرده ها (احتمالاً در یک نمایش) شروع می شود. کمی بعد، سکوت همه جا را می گیرد تا شاعر رهگذر نوستالژی درونی شود و در انتهای شعر یک تصویر شاعرانه ما را به قضاوت در مورد جهان دعوت می کند: پرده ها افتاده اند/ و سطرها/ سکوتشان را/ به عقربه ها دادند/ دلنگنی ها را/ در فنجان/ جای/ تلخ/.../ واژه ها/ شرمسار/ خطوط خاموش/ جهان را/ در لکنت چشم ها/ پرسه می زنند. از سوی دیگر، نکاتی که سبب بعد بخشیدن به این شعر کوتاه شده اند تضادهای موجود در آن هستند. تداعی و رابطه دوتایی میان سکوت و صداها/ عقربه ها و تقابل سکوت و لکنت چشم های بخشی از این تقابل درونی است. انگار بخشی از اثر در برابر بخش دیگر آن به مقابله برآمده است. این نکته سبب می شود تا مخاطب با درنگ بیشتری به این کار توجه کند.

صداها/ ریخته توسط انتشارات فرهنگ ایلیا در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه به تازگی وارد بازار نشر شده است.

کارشناسان از تأثیر نمایشنامه خوانی بر نمایشنامه نویسی می‌گویند

کتاب، نقش اول نمایشنامه



یکی از گونه‌ها و تکاپوهای هنری که در سال‌های اخیر در حوزه تئاتر قوت گرفته نمایشنامه خوانی است. نمایشنامه خوانی اگرچه با تأخیر زیادی به مرزهای تئاتر ایران پای گذاشت، اما در تئاتر دنیا پدیده‌ای جدید و نو تلقی می‌شود. از آنجا که آشنایی هنرمندان ایرانی با نمایشنامه خوانی سابقه‌ای طولانی ندارد و کتاب‌های نظری در این زمینه به زبان فارسی موجود نیست، هنرمندان تئاتر رویکردها و نگاه‌های متفاوتی نسبت به این گونه هنری دارند. در هر صورت این فعالیت هنری نسبت به اجرای تئاتر، به متن و نمایشنامه نزدیک‌تر است و چه بسا بتوان اجرای نمایشنامه خوانی را عاملی موثر در معرفی آثار مکتوب در قالب نمایشنامه دانست. به این منظور و برای بررسی ابعاد مختلف نمایشنامه خوانی و تأثیری که این فعالیت هنری بر فرآیند کتابخوانی دارد، گفت‌وگویی با چند تن از هنرمندان حوزه تئاتر صورت داده‌ایم.

پری صابری از کارگردان مطرح تئاتر ایران است. گرچه حوزه تخصصی این هنرمند پیشکسوت کارگردانی است، اما تسلط او به زبان فرانسه موجب شده تا ترجمه‌های کم نظیری از بزرگان تئاتر ارائه دهد. صابری معتقد است که نمایشنامه خوانی در واقع معرفی زنده یک کتاب است. او ضمن آن که تأثیر و اهمیت نمایشنامه خوانی را به اندازه اجرای نمایش نمی‌داند ولی تأکیدی می‌کند که نمایشنامه خوانی ابزاری است که می‌توان به کمک آن افراد بیشتری را ترقیب به مطالعه نمایشنامه یا دیدن اجرای آن کرد. البته نباید از این نکته غافل بود که نمایشنامه خوانی نیز مانند اجرای تئاتر به مهارت خاص خود احتیاج دارد و نمی‌توان در مورد نمایشنامه خوانی سهل‌انگاری کرد. او در ادامه می‌گوید: «نمایشنامه خوانی یک ابزار هنری بسیار کم هزینه برای القای حال و هوای نمایشنامه است در حالی که یک اجرای کامل، فعالیت بسیار پر هزینه و دشوار به شمار می‌رود. به بیان دیگر نمایشنامه خوانی بسیار کم هزینه است و می‌تواند با بهره‌گیری از موسیقی، نور و دکور محدود، ابعاد اصلی نمایشنامه را معرفی کند. اما این فرآیند احتیاج به تدبیر و درایت هنری قابل توجهی دارد؛ چرا که نمایشنامه خوان قصد دارد با بهره‌بردن از امکانات محدود، مخاطبان را تا حد امکان به فضای نمایشنامه نزدیک کند.»

از دید این کارگردان، تمامی نمایشنامه‌ها را می‌توان نمایشنامه خوانی کرد و در این زمینه محدودیتی وجود ندارد. نصرالله قادری دیگر هنرمندی است که او را به عنوان یک چهره آکادمیک در حوزه تئاتر می‌شناسیم. قادری به جز آثار نمایشی بسیاری که در آنها به عنوان کارگردان حضور داشته، نمایشنامه‌های بسیاری را نیز به چاپ رسانده است. او برخلاف صابری معتقد است که نمایشنامه خوانی نمی‌تواند تأثیر چندانی بر افزایش توجه نسبت به نمایشنامه داشته باشد.

وی علت اصلی این امر را کم‌رونق بودن فضای تئاتر می‌داند و معتقد است بیشتر مخاطبان تئاتر ترجیح می‌دهند یک اجرای کامل نمایشی را ببینند تا آن که در اجرای نمایشنامه شرکت کنند. او ضمن انتقاد از روند نمایشنامه خوانی در ایران، هدف این فعالیت هنری در ایران را با آنچه که در تئاتر دنیا وجود دارد، متفاوت ارزیابی می‌کند: «در دیگر نقاط دنیا نمایشنامه خوانی قبل از چاپ کتاب صورت می‌گیرد. بدین ترتیب نمایشنامه‌ای که در شرف اجراست به مخاطبان تئاتر معرفی می‌شود و این مخاطبان با توجه به پیش‌زمینه‌ای که نمایشنامه خوانی برایشان ایجاد کرده است تصمیم می‌گیرند نمایشنامه را مطالعه کنند یا نه. اما در کشور ما

حالی که در ایران ۷۰ تا ۸۰ درصد مخاطبان نمایشنامه خوانی صرفاً قصد برخورد و آشنایی با نمایشنامه را دارند و هدف آنها آشنایی با اثر به منظور اجرای آن نیست. در واقع در کشور ما به جای آن که گروه نمایشی از میان نمایشنامه خوانی‌ها آثاری را برای اجرا انتخاب کند، خود مستقیماً به نمایشنامه خوانی می‌پردازد.»

چیزتا یثربی دیگر هنرمندی است که نسبت به نمایشنامه خوانی تمایل بسیاری نشان می‌دهد. او که بیشتر در حوزه نمایشنامه نویسی فعال است، نمایشنامه خوانی را یکی از راه‌های قابل توجه برای معرفی نمایشنامه می‌داند. یثربی معتقد است نمایشنامه خوانی باعث می‌شود مردم با نمایشنامه‌ها آشنا شوند، آن را تهیه کنند و به عنوان یک اثر ادبی به رسمیت بشناسند. چرا که اغلب مردم فقط به زمان به عنوان یک اثر ادبی نگاه می‌کنند. در واقع به عقیده یثربی نمایشنامه خوانی راهی است به سوی نمایشنامه و بی‌بردن به ارزش‌های آن. از دیدگاه این هنرمند پرکار کشورمان، می‌توان هر نوع نمایشنامه‌ای را برای اجرای نمایشنامه خوانی تنظیم کرد و در این زمینه محدودیتی وجود ندارد. او در ادامه می‌گوید:

«اگر کارگردان از مهارت و تدبیر کافی برخوردار باشد می‌تواند راهی پیدا کند که هر نمایشنامه‌ای را به فراخور ویژگی‌های آن نمایشنامه خوانی کند. اما باید توجه کرد که نمایشنامه خوانی ویژگی‌های زیبایی شناسیک خاص خود را دارد و کارگردان باید نسبت به این ویژگی‌ها آگاه باشد. ویژگی‌های زیبایی شناسیک نمایشنامه خوانی به نمایش رادیویی بسیار شبیه است. با این تفاوت که به اعتقاد من بازیگران نمایشنامه خوانی باید نسبت به حضور چهره خود در صحنه آگاه باشند و همه استفاده‌های لازم را از آن به عمل آورند.» یثربی هدف نمایشنامه خوانی را آگاه کردن مخاطبان نسبت به کم و کیف نمایشنامه می‌داند و تأکید می‌کند که نمایشنامه خوانی می‌تواند راه حل خوبی برای نویسندگانی باشد که متن خوب و ارزشمندی دارند، اما به خاطر محدودیت‌های مالی، امکان اجرا را ندارند.

او می‌گوید که در غرب نمایشنامه خوانی وسیله‌ای برای معرفی نمایشنامه‌های اصلی است اما در کشور ما به پدیده‌ای متفاوت تبدیل شده است که تلاش می‌کند مجالی باشد برای بروز گروه‌های نمایشی.

رایانی مخصوص که علاوه بر فعالیت‌های هنری در حوزه نظری و نقد تئاتر نیز فعال است یکی دیگر از تفاوت‌های نمایشنامه خوانی در ایران را مربوط به مخاطبان نمایشنامه خوانی می‌داند: «در دیگر نقاط دنیا بیشترین تعداد مخاطبان نمایشنامه خوانی کارگردانان تئاتر هستند. آنها اجراهای نمایشنامه خوانی را برای آشنایی با نمایشنامه‌ها می‌بینند، با نمایشنامه آشنا می‌شوند و برخی از آنها را برای اجرای صحنه‌ای انتخاب می‌کنند.

علت اصلی گرایش نسبت به نمایشنامه خوانی، نبود امکان اجرای کامل نمایش است. محدودیت‌های مالی و نبود امکانات کافی موجب می‌شود تا کارگردانی که قصد اجرای یک نمایش را دارند به اجرای نمایشنامه خوانی یک اثر - که مدت‌ها پیش چاپ شده است و اجراهای کاملی از آن صورت گرفته - قناعت کنند. به این ترتیب هدف اصلی نمایشنامه خوانی که معرفی اثری مکتوب است، محدود می‌شود.» مهرداد رایانی مخصوص نیز از این نظر با نصرالله قادری موافق است. رایانی مخصوص که اکنون مدیریت تئاتر شهر را برعهده دارد، نمایشنامه خوانی در ایران را پدیده‌ای کاملاً متفاوت از آنچه در دنیای تئاتر می‌گذرد می‌داند.

پلی بین متن و اجرا

پرویز فنی پور: اقبال قابل توجهی که در سال‌های اخیر نسبت به نمایشنامه خوانی به وجود آمده، موجب جلب توجه بسیاری از منتقدان و نظریه پردازان تئاتر کشورمان نسبت به این گونه هنری شده است. در حالی که برخی از بزرگان تئاتر، نمایشنامه خوانی را تحرکی جدی در زمینه هنرهای نمایشی می‌دانند، برخی دیگر ابراز نگرانی می‌کنند که در ایران نمایشنامه خوانی جایگزینی برای تئاتر شده است؛ به این معنی که به دلیل نبود امکانات مادی، بسیاری از گروه‌های نمایشی به نمایشنامه خوانی به جای اجرای نمایش مستقل گرایش پیدا کرده‌اند. صرف نظر از این مجادلات، آنچه مسلم است، نمایشنامه خوانی واسطه‌ای متن و اجراست که درصدد معرفی نمایشنامه و نمایشنامه نویسی است. بدین ترتیب نمایشنامه خوانی اثری که اجراهای فراوانی از آن صورت گرفته و نویسنده آن نیز شناخته شده است، نمی‌تواند چندان موثر و مفید باشد. در چنین شرایطی می‌توان نمایشنامه خوانی را روشی سهل الوصول به جای اجرای نمایش تلقی کرد. به طور کلی دو شکل از خوانش نمایشنامه در دنیا مرسوم است. در شکل ابتدایی که می‌توان نام نمایشنامه خوانی بر آن گذاشت، بازیگران متن را در دست می‌گیرند و به صورت نشسته و با بهره‌گیری از صدا و بیان مناسب آن را روخوانی می‌کنند. چنانچه مشخص است این روش بیش از آن که به اجرا نزدیک باشد، به متن نزدیک است و تلاش می‌کند تا ویژگی‌های بیانی و ساختاری نمایشنامه را بیان کند. در روش دیگر که آن را اجرای متن در دست می‌نامند، خوانش نمایشنامه با گرایش به سمت اجرا صورت می‌گیرد و در آن تحلیل و نگاه گروه اجرا اهمیت بیشتری می‌یابد.

در این میان نکته قابل توجه این است که هنوز در جریان خوانش نمایشنامه شاهد چنین تقسیم‌بندی‌هایی نیستیم. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های موجود در نمایشنامه خوانی، نبود تعریف اصول و مبانی زیبایی شناسیک آن است و از چند مقاله مهم که بگذریم نمی‌توان آثار مکتوب قابل قبولی یافت که مبانی نمایشنامه خوانی را به صورت نظری بررسی کرده باشند. در انتها ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که همان‌گونه که نمایشنامه در ساحت زبان اتفاق می‌افتد در اجرای نمایشنامه خوانی نیز باید ویژگی‌های زبانی و ساختاری نمایشنامه حفظ شود؛ بدین ترتیب اجرای نمایشنامه خوانی باید بیشتر معطوف به متن باشد.



گزارشی از کتاب «مقالات شارل بودلر»

پیوند علم و احساس؛ بودلر



شارل بودلر

بودلر اشاره می کند که در عین دقیق بودن و شاعرانگی، کمتر دچار اشتباه شده است. چنانچه او در پیش بینی هایش اغلب موفق عمل می کرده است. وی سپس ما را به داوری درباره کار او دعوت می کند، با این شرح که معیارهای این داوری باید سنجیده و درست انتخاب شوند. او ملاک درستی آرای بودلر (و یا هر منتقد هنری دیگر) را در درستی پیش بینی ها و هدف گیری دقیق نشانه به سمت واقعیت عینی نمی داند.

وی در این مورد می نویسد: «ما بودلر نمی خوانیم که چشم هایمان از پیش بینی های خطاناپذیر آینده خیره شوند. حتی به جرئت می توانیم تخمین بزنیم که اگر او چشم به هنر آینده داشت، بیشتر به گوستاو مورو متمایل بود تا رنوار. اما در مقایسه با اهمیت اثباتی عظیم کارهای او در عرصه نقد، این کاستی ها اساساً بی اهمیتند.» به گفته این پژوهشگر، وقتی ما از بودلر به عنوان «پدر نقد مدرن» یا «نخستین زیبایی شناس دوران خود» نام می بریم، ارجاع مان به پیش گویی داوری های خاص و رایج زمان ما نیست، بلکه در نوع رویکرد عمومی مان به هنر و نقد هنری می اندیشیم. وی می افزاید: «شاید شارل بودلر نخستین کسی باشد که به مغالطه خطرناک پیروی از «خط حزبی» در هنر و از مرز باریک استقلال هنری و آناشسیسم سخن گفت. حتی انتقادات او به هنرمندانی که باب طبع او نبودند چنان طرح می شد که بر نقاط قوت او هم به اندازه نقاط ضعفش پرتو افکنده شود و با وجود پرورده قطوری که آقای روبرول برای بودلر تشکیل داده بود، او هرگز در دیدن بزرگی و حتی اهمیت او ناتوان نبود و حتی در ادامه توضیح می داد که چرا هنرمند یا اثر مورد بحث بزرگ تر یا مهم تر نیست.»

«مقالات شارل بودلر» به سه فصل عمده تقسیم شده است. در فصل اول مقالات او را با عنوان های «متناظرها»، «نقاشی زندگی مدرن»، «زندگی و هنر اوژن دلاکروا»، «ادگار آلن پو/ زندگی و آثارش»، «در ماهیت خنده»، «فلسفه اسباب بازی» و «هنر فلسفی» می خوانیم و بخش دوم این کتاب به نقدهای بودلر اختصاص دارد. «روش انتقادی» و «تخیل، ملکه استعدادها»، «مخاطب مدرن و عکاسی»، «درباره رنگ»، «به بورژوازی» و «درباره کیفیت فهرمانی زندگی مدرن» از جمله رئوس بخش دوم این کتاب است. در ادامه پاورقی ها، تصاویر و توضیحاتی درباره تصاویر منتشر شده که به فهم بیشتر اندیشه های بودلر یاری می رساند. کتاب «مقالات شارل بودلر» با ترجمه روبرت صافاریان به تازگی توسط انتشارات حرفه نویسنده منتشر شده است.

و آفرینش هنری فرو می ریزد و معلوم می شود که اینها صرفاً دو روی یک فرایند واحد هستند.»

چنانچه مترجم انگلیسی مقالات بودلر در مقدمه خود می نویسد، کار نقادی بودلر در مورد آثار هنری، با نقدی که او در سال ۱۸۴۵ بر «سالون پاریس» نوشت شروع شد. این شاعر سال ها بعد از نقدهای اولیه اش احساس ناراضی می کرد، هر چند منتقدان و هنرمندان آنها را در زمان انتشار بسیار مفید ارزیابی کرده بودند. وی حفظ، نگهداری و مطالعه این مقالات را از آن رو مفید می داند که سیر اندیشه بودلر را به نمایش می گذارند. جانانان مین در مورد نوشته های بعدی بودلر، به نقدهای او بر «سالون ۱۸۴۶» اشاره می کند و با بیان این که این نوشته ها بسیار درخشان تر از نوشته های سال قبل هستند، آنها را نوعی نگاه شخصی بودلر به مسائل مرتبط می داند



و می نویسد: «این مقالات با چند فصل درباره مسائل بنیادین زیبایی شناسی شروع می شود و زمانی که نخستین هنرمند به ما معرفی می شود، با طرح کلی دیدگاه های نویسنده درباره نقد آشنا شده ایم. در این مقدمه کلی و در فصل های کلی بعدی و اشارات پراکنده ای که در سراسر نوشته وجود دارد، برای نخستین بار با کلید واژه های مهم بودلر آشنا می شویم؛ کلیدواژه هایی که مواضع کلیدی استراتژی نقادی او را تعریف می کنند.»

جانانان مین در ادامه مقدمه خود به دیدگاه علمی

مقوله نقد و نگاهش به مسائل گوناگون می پردازد. به گفته جانانان مین، بودلر به مثابه یک شاعر، همواره در برابر نقد سرد ریاضی وار و بی عاطفه موضع می گیرد و جای آن خواهان نقدی می شود که جانبدارانه، پرشور و سیاسی باشد. بودلر همچنین دو مقوله «سرگرم کننده و شاعرانه» را نیز فراموش نمی کند و آنها را ویژگی های یک نقد می داند. مین می افزاید: «البته موضوع به این سادگی هانیست. برای یافتن ساده ترین و روشنگرترین شرح ها درباره نگاه بودلر به نقد، بهترین کار این است که به مقاله بلندی که او پانزده سال بعد در دفاع از واگنر نوشت رجوع کنیم.» بودلر در این مقاله همه شاعران بزرگ را منتقدانی بالفطره عنوان می کند. او در این مقاله بلند برای شاعرانی که تنها خود را به دست غریزه شان می سپارند و می خواهند شعر فطری بگویند اظهار تاسف می کند. به

اعتقاد بودلر، شاعران بزرگ هر گاه لازم ببینند، درباره هنر خود به زبان استدلالی سخن می گویند تا قوانین ناشناخته آنها کشف شود. او به دست آمدن قواعد تازه راه دوری از خطاپذیری هنر عنوان می کند. جانانان مین از این مقاله بودلر نتیجه می گیرد که شاعر، (و در مقام کلی یک هنرمند) انسانی دووجهی است که هم احساس می کند و هم احساسات خود را تجزیه و تحلیل می کند و محرک حرکت اندیشه انتقادی اش از همان نیروی بنیادینی مایه می گیرد که پشتیبان کار خلاقه اش است. وی می افزاید: «به این ترتیب، در نگاه بودلر، تمایز نقد

شارل بودلر فرانسوی یکی از مهم ترین شاعران مدرنیست قرن بیستم بود. او در کنار شعرهایی که هر کدام به نوعی نقد اجتماعی به حساب می آمدند و زندگی پرتضاد و پردردسر انسان مدرن را به نمایش می گذاشتند، به نقد آثار هنری و احتمالاً درباره آنها نیز می پرداخت. نقدهای بودلر در زمان حیاتش تنها مجال این را یافتند که در نشریات تخصصی و روزنامه ها منتشر شوند اما پس از مرگ، منتخبی از آنها در دو مجلد و تحت عنوان «مقالات شارل بودلر» به چاپ رسیدند. کمی بعد این آثار به دیگر زبان های زنده دنیا از جمله انگلیسی ترجمه شدند. انتشار همه گیر این کتاب دو جلدی مقارن با زمانی بود که حکومت پهلوی، بدون شناخت درستی از مدرنیته، تنها می خواست مظاهر آن را کورکورانه وارد جامعه کند. انتشار این کتاب با توجه به شرایط فرهنگی آن روزگار و عدم شناخت جامعه از فضای مدرن به هیچ وجه مقدور نبود. کمی بعد نیز کتاب به پوته فراموشی سپرده شد تا در روزگار ما به چاپ برسد؛ روزگاری که ما در حال مرور اندیشه های گوناگونیم تا نکات مثبت و منفی آنها را بشناسیم، روزگاری که مدرنیته ضعف های خود را به بشریت نشان داده و دیگر بت دروغین مدرنیته، نمی تواند اندیشه های آزاد را از نقد باز دارد. انتشار «مقالات شارل بودلر» را می توان از این لحاظ نیز به فال نیک گرفت.

«مقالات شارل بودلر» توسط روبرت صافاریان ترجمه شده که از مترجمان مطرح آثار هنری و سینمایی است. او در مقدمه کوتاهی که برای کتاب نوشته، منبع ترجمه را متن انگلیسی می داند که توسط جانانان مین از فرانسوی به انگلیسی برگردانده شده است. این کتاب دو جلدی در اصل در سال های ۱۸۶۸ با عنوان «کنجکاوی های زیبایی شناسانه» و ۱۸۶۹ با اسم «هنر رمانتیک» منتشر شده بود. او همچنین نوشته است: «برای تکمیل کتاب، تکه هایی از برخی از مقالات دیگر بودلر که در مجموعه ای انگلیسی زبان درباره مسائل هنر گنجانده شده اند، به فارسی ترجمه و به مقالات برگرفته از کتاب جانانان مین اضافه شده است.»

کتابی که صافاریان ترجمه کرده، تنها منتخبی از مجلد اول ترجمه جانانان مین است. چنانچه این مترجم پژوهشگر انگلیسی درباره این مجلد و همچنین جلد دوم مقالات بودلر آورده، در جلد اول بیشتر به اشخاص و اندیشه های کلی پرداخته می شود و جلد دوم نوشته های او درباره نمایشگاه های هنری سالانه پاریس، موسوم به «لون» و سایر نمایشگاه هایی است که با دقت از آنها دیدن کرده است. وی سپس به نوع نگاه بودلر به

معرفی کتاب

نگاهی به کتاب «بدن تکه تکه شده»

نقدی بر مدرنیته



کاوه رحمانی: یکی از تضادهای موجود در نگاه مدرن آن است که در عین توجه ظاهری به فردیت انسان، همچون ابزار آن را مورد بررسی قرار می دهد. یعنی هر چیز در عین آن که ظاهراً به شکلی عادی و انسانی روایت می شود، خالی از هر گونه شناخت شناسی اصالت بشری است.

لیندا ناکلین در کتاب «بدن تکه تکه شده» همین مفهوم را دستمایه کار خود قرار داده است. این کتاب که عنوان فرعی «قطعه به مثابه استعاره ای از مدرنیته» را نیز داراست، نشان می دهد که انسان چگونه در قالب رمزها و استعاره ها در نقشی متفاوت با آنچه به نظر می رسد، صفحات هنر مدرن را به خود اختصاص داده است. آرونا د سوزا، در گفتاری دیدگاه ناکلین را چنین شرح می دهد: «در

نوشته های ناکلین در مورد هنرمندان، مفهوم تناقض از دلالتی ویژه برخوردار است. او تأکید می کند که عقاید شخصی هنرمند ضرورتاً با رمزگان بازنمایه ای که در جهت معنا در اثر هنری به کار می گیرد ارتباط پیدا می کند، اما معنای نهایی یک نقاشی به هیچ وجه در گروی باورها نیست.»

عنوان «بدن تکه تکه شده» نیز از همین مفهوم سربرآورده است. مفهوم استعاره ای این منتقد هنر از این عبارت، نشان دهنده نوع نگاهی است که همواره نسبت به هنر مدرن وجود داشته است.

به گمان ناکلین و بسیاری دیگر از منتقدان هنر، بسیاری از هنرمندان فضای مدرن، انسان را نه به صورت یک کل و نه به صورت اجزایی کوچک و بی اهمیتی در نظر می گرفتند و او را خالی از مفهوم واقعی اش به نمایش می گذاشتند. البته برخی منتقدان کوشیده اند تا این نوع نگاه را با نگاه مرسوم فلسفی که ما آن را با عنوان «مجاز جزء به کل» می شناسیم دارای ارتباط دو به دو کنند، اما به نظر می رسد که اینان نیز ره به اشتباه می برند.

البته ناکلین در بخش هایی از کتاب تا حدی به این ایده دل می بندد.

او معتقد است که از دست دادن کلیت، فاجعه نیست. اما دلیلی که برای این منطق خود می آورد، کمی سست به نظر می رسد: «اساساً امر مدرن از دل این فقدان ساخته می شود.»

کتاب «بدن تکه تکه شده» را از سوی دیگر می توان شرح و تحلیل روانکاوانه چند تابلوی مطرح هنر مدرن دانست. ناکلین در این کتاب در کنار این شرح به نتیجه گیری هایی نیز می رسد. به عنوان نمونه، او در جایی از کتاب به تابلوی ویل نوو با عنوان «خوراک فکر برای شیدان تاجدار» می پردازد که اثری است پیرامون انقلاب فرانسه.

لیندا ناکلین برای آن که گستره مفهومی خود را در نقاشی مدرن به نمایش بگذارد، سبک های مختلف نقاشی را مورد بررسی قرار می دهد و مفهوم «انسان قطعه» را در آنها اثبات می کند. او نشان می دهد که انسان چگونه به مثابه یک شیء در آثار نقاشانی همچون ژریگو، گیلاری، دشان مارتن و دگا به نمایش درآمده است. کتاب با ذکر تصاویری همراه است که نشان دهنده این مفهوم نویسنده به شمار می آیند.

نگاهی به «راز اژدهای سرماخورده»
هیچکاک تقدیم می کند



«راز اژدهای سرماخورده» از سری داستان های «آلفرد هیچکاک و سه کارآگاه» است که ابتدا توسط رابرت آرتور و به سبک داستان های پلیسی انگلیسی نوشته شده است. در این داستان های کارآگاهی

سه کارآگاه نوجوان به کشف حقیقت ماجراهایی که آلفرد هیچکاک کارگردان نامدار سینما به آنها محول کرده بود می پردازند. در واقع آرتور علاوه بر استفاده از نام و شهرت هیچکاک، از ایده های معماگونه فیلم های او و سبک خاصش در ایجاد دلهره هم استفاده می کرد. پس از رابرت آرتور، این داستان ها را مجموعه ای از نویسندگان از جمله ویلیام آردن، نیک وست، ماری ویرجینیا کری و مارک براندال ادامه می دادند و هر یک از آنها به طور مستقل، مقدمه ای به نقل از هیچکاک می نوشتند که او تنها مبلغی را در ازای آن دریافت می کرد. اما برخی معتقدند که هیچکاک شخصا، این داستان ها را جمع آوری و انتخاب و اثرش را به طور مستقیم بر مجموعه ها اعمال می کرده است. سه کارآگاه کم تجربه اما کارآمد «ژوپیتر جونز» مغز متفکر گروه، «ایست کرنشاو» ورزشکار و نیرومند و «باب اندروز» محقق در دفتر محقر خود گرد هم جمع می شوند و با بررسی جزئیات معماها و حس تعلیقی که ایجاد می کنند، داستان های جذاب و سرگرم کننده ای را پیش روی مخاطبان قرار می دهند و در انتهای هر داستان به شیوه داستان های پلیسی کلاسیک به همراه هیچکاک به مرور روند دستیابی به کلید ماجرا می پردازند.

در راز اژدهای سرماخورده، این سه کارآگاه به دنبال کشف واقعیت وجود یک اژدها، در غار زیر خانه یک کارگردان سابق فیلم های ترسناک - «آلن» - هستند. «وست» شخصیت کارگردان را این بار به عنوان تماشاچی انتخاب کرده و به بررسی عکس العمل او در مقابل تأثیر جلوه های ویژه تصویری فیلم های ژانر وحشت پرداخته است. آلن برخلاف هیچکاک که از دوستان قدیمی اوست و به رازهای دنیای واقعی علاقه مند است، به مسائل و رای دنیای حقیقی بیشتر توجه دارد. او با این که می داند نسل اژدهاها منقرض شده اما معتقد است آن اژدهایی که با چشم خود دیده، حقیقی است. از این طریق قیاسی بین اوهام و باورهای علمی روزگار مدرن صورت می گیرد. برای مثال تفاوت صدای نازک و گوشخراش اژدهایی که کارگردان با چشم دیده، با دستگاه مکانیکی ساخته بشر که صدای اژدها را برای ترساندن مردم تقلید می کرده است، به تقابل علم و توهم و افسانه اشاره دارد.

این داستان هادر دوران خود جزو آثار محبوب به شمار می آمدند است تا جایی که پس از مدتی نویسندگان آلمانی داستان های خود را به این مجموعه افزودند و به چاپ رساندند.

داستان با سیر خطی پیش می رود و با دنبال کردن سوژه ای مشخص، فضایی از دنیای کابوس ها و ترس هارترسیم می کند که گاه جنبه شوخی دارند و گاه تا حد مرگ وحشتناک می شوند. اما فصل بندی کتاب چندان جالب به نظر نمی رسد و بین روند حوادث شکاف ایجاد می کند هر چند ترجمه سحر قدیمی نسبتاً روان و دقیق است و پیگیری داستان را جذاب تر می کند.

«راز اژدهای سرماخورده» تألیف نیک وست با ترجمه سحر قدیمی توسط نشر هرمس در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و با قیمت ۲۰۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است.

کتاب و رو



زهره نیلی

«وقتی به دنیا آمد در گوشه ای از زمین بمبی منفجر شد. شاید اگر همان لحظه به فضا سفر می کرد، می توانست کره زمین را با روبان قرمزش ببیند. صدای گریه های کودکان و زنانی که از حمله بمب ها جان سالم به در برده بودند، آن قدر زیاد بود که اجازه نداد او با تولدش گریه کند. به صدای گریه کودکان دیگر گوش کرد. او پر از صدا شد و پر از تصویر روبان قرمز به دور کره زمین...» ناصر یوسفی در کتاب «روبان قرمز به دور کره زمین» از صلح و دوستی سخن گفته و کودکان و نوجوانان را به دوری از خشونت فراخوانده است. او در تازه ترین داستان خود نیز همچون کتاب «چه شد که خندیدم» به بدی ها و آسیب های جنگ اشاره کرده و راه رسیدن به دنیایی بهتر و دلنشین تر را نه تنها به این گروه سنی که به تمامی دوستداران صلح و آرامش نشان داده است. انتشار کتاب «روبان قرمز به دور کره زمین» توسط انتشارات ایران بان و نشر قطره، بهانه ای شد تا با این نویسنده به گفت و گو بنشینیم.

ناصر یوسفی و انتشار «روبان قرمز به دور کره زمین»

جهان خواب صلح می بیند



داستان شما درباره کودکی است که از بدو تولد، جنگ و خونریزی را با تمام وجود احساس می کند؛ کودکی که حتی مجالی برای گریه کردن در لحظات آغازین زندگی نمی یابد. باید پرداختن به این مساله تا چه اندازه آگاهانه بوده است؟

از سال ۱۹۹۰ تاکنون، میزان مرگ و میر انسان ها بر اثر جنگ، برابر با تمام آسیب هایی بوده که تا پیش از آن تاریخ بر آنان وارد شده، بنابراین گفتن از جنگ و بدی های آن، نمی تواند کاملاً ناآگاهانه یا به طور کامل، خودآگاه باشد. مسلماً وقتی من نویسنده می شوم که در هر جنگ، بیشترین آسیب به زنان و کودکان وارد می شود، نمی توانم نسبت به این قضیه بی تفاوت باشم و به راحتی از کنار آن بگذرم. اگر چه ایده اولیه این کتاب با مشاهده اردوگاه پناهندگان کرد در ذهن من شکل گرفت؛ درست در زمانی که کودکی به دنیا آمد و در همان لحظه بمبی منفجر شد و صدای گریه و زاری زنان به قدری زیاد بود که هیچ کس صدای گریه کودک تازه به دنیا آمده را نمی شنید.

پس این کتاب بر اساس خاطره تلخی که سال ها در ذهنتان بوده شکل گرفته و ارتباطی به کودکان و نوجوانان امروز که جنگ را درک نکرده اند، ندارد... به عبارتی می توان گفت که شما پیش از آن که به نوجوان امروز توجه کنید، دغدغه ذهنی خود را تصویر کرده اید.

در کتاب انسان را مخاطب خود قرار داده ام، بدون آن که به جنسیت و گروه سنی اش فکر کنم. به همین خاطر است که قهرمان داستان من، اسم ندارد و نه پسر است و نه دختر. چرناز بزرگ ترها فکر می کنند که کودکان از درک و فهم بعضی مسائل عاجزند؟ آن هم وقتی روان شناسان به این نتیجه رسیده اند که بچه ها وقتی به دنیا می آیند، تفاوتی بین خود و دنیای بیرون خویش قائل نیستند.

شما در این داستان از انسان اسطوره ای خود سخن گفته و به نمادپردازی روی آورده اید. برای نمونه رنگ ها در داستان شما جنبه نمادین یافته و



به وسیله ای برای ارتباط کودک با دنیایی بهتر تبدیل می شود. کودکان تا چه اندازه می توانند نمادها را دریابند و آیا می توان با آنها در قالب رمز و کنایه سخن گفت؟ کودکان در سنین مختلف می توانند برداشت های متفاوتی داشته باشند و داستان های نمادین، این امکان را به مخاطبان در هر سن و سالی می دهد که از کشف لایه های پنهان یک اثر لذت ببرند و نه یک بار بلکه چند بار به خواندن آن پردازند. برای مثال، شعر محبوب من در دوران کودکی، شعر «خورشید احمد رضا احمدی بود و هنوز هم بعد از این همه سال از خوانندش لذت می برم چون لایه های تازه تری از آن بر من گشوده می شود. بنابراین می توان با کودکان به زبان رمز سخن گفت و به آنان لذت کشف نمادها را چشاند. به نظر می رسد متعادل کردن احساسات و کاستن از هیجان های ظاهری، رسالت قهرمان داستان

شما مست. درست است؟

شیوه زندگی شهری موجب شده که ما از خویشترن حقیقی خود فاصله بگیریم، اگر چه جنگ ها، تهدیدها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز در این زمینه بی تأثیر نبوده است. به عبارتی ما سازهایی هستیم که از کوک خارج شده ایم و برای خلق آهنگ دلنشین تر به کوکی دوباره احتیاج داریم و توجه بیش از حدی که در فرهنگ ما به سکوت، چله و مراقبه شده نیز به همین خاطر بوده است. در حقیقت، بزرگان دین و عرفا می خواسته اند احساسات ما را متعادل کنند.

کتاب شما یادآور ابیاتی از مولانا است. با توجه به این که شخصیت اصلی داستان شما، زبان جمادات را می فهمد و با آنها صحبت می کند، می توان پرسید تا چه اندازه تحت تأثیر مولانا بوده اید؟ من یک ایرانی هستم با پیشینه غنی ادبی که - خواه ناخواه - بر من تأثیر می گذارد. وقتی مولانا به درختان سلام می داد، من هم می توانم با همه کائنات به گفت و گو بنشینم. به شرط این که خود را از این زنجیره جدا ندانم. حقیقت این است که آفتاب، هر روز به ما لبخند می زند و صدایمان می کند اما ما صدای او را نمی شنویم.

در این داستان، رویاها، امیال سرکوب شده انسان و خواب ها، نشان دهنده زوایای پنهان وجود آدمی هستند. توجه بیش از حد به خواب و رویا،

تا چه اندازه سودمند و ضروری است؟

ما می توانیم رویایمان را عملی کنیم به شرط آن که باورش داشته باشیم؛ برای مثال ژول ورن در دنیای خیالی خود به کره ماه سفر می کرد بی خبر از این که سال ها بعد رویای او محقق می شود و انسان ها توانند به کره ماه سفر کنند اما نظام آموزشی ما از یک سو راه را بر تخیل کودکان می بندد و از سوی دیگر مردم ما به نسل های آینده فکر نمی کنند و تنها به دنبال دست یافتن به خواسته های کوچک خود هستند.

آینه در داستان شما برخلاف تصور غالب، تنها ظاهر انسان ها را نشان می دهد و قهرمان داستان تنها در آینه می تواند ظاهر انسان ها را ببیند...

همه تلاش من این بود که بگویم ذهن انسان، برتر از همه مصنوعات است. آینه، ساخته دست بشر است و نمی تواند فراتر از او باشد به همین خاطر شخصیت داستان در آینه تنها چشم و گوش افراد را می بیند.

هدف از نگارش این داستان، ترویج فرهنگ صلح بوده و در دهه جهانی صلح (از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ میلادی) نوشته شده؛ کتابی که با جنگ آغاز می شود و به آن می پردازد. علت این نگاه بدبینانه چیست؟ شاید نگاه من اندکی بدبینانه باشد اما من در عین حال از کسانی گفته ام که با همه توان خود می کوشند نوار قرمزی که دور کره زمین را گرفته، پهن تر نشود. افراد دیگری هم هستند که خرد می ورزند و مردم را به خردورزی فرامی خوانند.



با مدیرعامل کانون پرورش فکری درباره فعالیت های این نهاد در حوزه کتاب و کتابخوانی

درس را با قصه بیاموزیم

چهار منطقه تهران شکل گرفت تا بچه های معلول را در کنار کودکان سالم بنشانند و از مزوی شدن معلولان جلوگیری کند اما وجود این تعداد کتابخانه، آن هم فقط در تهران، بسنده است؟ بهتر نیست که سازمان ها و وزارتخانه های مرتبط مثل آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و... به گسترش این گونه کتابخانه ها در استان ها و شهرهای دیگر بپردازند و امکاناتی را برای نابینایان و ناشنوایان فراهم آورند تا آنها هم لذت خواندن را بچشند؟!

برگزاری مسابقات و بلاگ نویسی از دیگر فعالیت های کانون پرورش فکری طی چند سال اخیر بوده است؛ مسابقه هایی که هدف اصلی از برگزاری آن، آموزش استفاده درست از رایانه و فضای مجازی به کودکان بوده است. همچنین کتابخانه های مجازی کانون از اول مهرماه کار خود را آغاز می کنند و بخش های مختلفی چون قصه نویسی، روزنامه دیواری و... را در برمی گیرند اما آیا وجود کتابخانه ای مجازی، کودکان را از رفتن به کتابخانه و برقراری ارتباط عاطفی با کتابدار و مربی بی نیاز می کند؟

آموزش فلسفه به کودکان از جمله برنامه هایی است که امسال در تهران و استان گلستان پی گرفته می شود تا درست فکر کردن، دقیق و هوشیار بودن و... را به بچه ها آموزش دهد و آنها را از سطحی بودن بیش از اندازه برهاند.

آموزش پویانمایی، به کودکان و نوجوانان انتشار نمایشنامه هایی برای اجرای کودکان و نوجوانان، راه اندازی مرکز نجوم و رصدخانه برای این گروه سنی تا نگاه آنان را از زمین برگردد و به آسمان ببرد و... از دیگر مواردی است که به همت کانون دنبال می شود.



فکری نیز در این راستا و با توجه به این که کشور ما، مهد قصه و افسانه است به آموزش و برگزاری جشنواره های قصه گویی پرداخته و در طرح مورد نظر می خواهد دانش آموزان و معلمانشان را با این شیوه آشنا کند.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، همچنین دارای ۶۲۵ مرکز ثابت، ۴۸ مرکز سیار روستایی، ۱۰ مرکز شهری و ۵۳ مرکز پستی است و این در حالی است که کشور ما به ۲۵۰۰ کتابخانه تخصصی کودک نیاز دارد و پر کردن این شکاف، نه تنها نیازمند توسعه فیزیکی است بلکه بیش از آن به افزایش نیروی کارآمد انسانی احتیاج دارد.

اگر چه در سال های اخیر، چهار کتابخانه فراگیر در

می دهد و اجرای آن، سه سال به طول می انجامد و هدف از عملی کردنش، شیرین کردن درس و کتاب برای بچه ها، نو کردن شیوه های آموزش و افزایش میزان خلاقیت در کودکان است.

قصه گویی، یکی از روش های مهمی است که در طرح «کانون - مدرسه» از آن استفاده می شود. به این معنی که مربیان کانون پرورش فکری در مدارس حضور می یابند و مطالب درسی را در قالب قصه به دانش آموزان منتقل می کنند چرا که قصه گویی، نه یک فعالیت فرعی و یک جور سرگرمی که یک شیوه آموزشی ساده، تاثیرگذار و کم هزینه است که همه دنیا به ارزش و اهمیت آن پی برده اند حتی جنبشی هم به نام «نهضت قصه گویی» آغاز شده است. کانون پرورش

محسن چینی فروشان، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تعریف کلاسیک از اوقات فراغت را زمانی خارج از کار رسمی روزانه می داند و می گوید: این زمان برای دانش آموزان، وقتی است که به ظاهر آموزش نمی بینند و از مدرسه و درس و کتاب آسوده شده اند اما اگر هدف اصلی از آموزش بچه ها، یادگیری است و یادگیری به معنی مجموعه اطلاعاتی است که منجر به تغییر رفتار یک فرد می شود، باید دید مدارس و محیط های آموزشی تا چه اندازه می توانند در یادگیری دانش آموزان و انتقال اطلاعات به آنان موثر باشند؟!

در هر حال یادگیری و پرورش دانش آموزان، یک حادثه و اتفاق نیست، بلکه یک فرایند است و به زمان، حوصله و استمرار نیاز دارد و ما وقتی از پرورش دانش آموزان سخن می گوئیم باید برای همه اوقاتشان، برنامه ریزی کنیم، نه این که با آغاز تابستان یادمان بیفتد که کودکان به فراغت نیاز دارند و باید برنامه ای مقطعی و نه چندان تاثیرگذار برای آنان در نظر گرفت.

به همین خاطر اگر چه آموزش و پرورش، متولی اصلی برنامه ریزی برای دانش آموزان است، اما کانون پرورش فکری، صداوسیما، فرهنگسراها و... باید برنامه هایی را برای پرورش ذهن و اندیشه کودکان در نظر بگیرند. کانون پرورش فکری، اگر چه به لحاظ اداری، جزئی از سازمان آموزش و پرورش است اما ارتباط چندانی میان این دو وجود ندارد هر چند امسال قرار است کانون پرورش با توجه به ظرفیت های مالی و معنوی خود و با همکاری آموزش و پرورش، طرح «کانون - مدرسه» را اجرا کند؛ طرحی که تنها ۱۰ درصد از مدارس ابتدایی را که نزدیک ترین مدارس به ۶۳۰ مرکز ثابت فرهنگی - هنری کانون هستند، پوشش

با محمدرضا شمس به بهانه انتشار «تو مادر منی»؟

شعر، راز کودکی

تکرار اصوات و کلمات، از دیگر ویژگی های کتاب است. شمس معتقد است: «توجه به تکرار در افسانه ها و مثل های ما هم وجود داشته و به کار می رفته است. زیرا زبان و شکل در شعر و داستان کودکان، به ویژه کودکان خردسال از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بچه ها هر چه کوچک تر باشند، توجهشان به معانی کلام کمتر است اگر چه شاعران و نویسندگان، معنای مورد نظر خود را در قالب کودکان می توانند به این گروه سنی منتقل کنند.»

نویسنده کتاب «تو مادر منی»، تکرار را ویژه خردسالان نمی داند و می گوید: «حتی در شعر و داستان هایی که برای بزرگسالان سروده و نوشته می شود هم می توان به تکرار روی آورد. اگر چه این تکرار، جنبه تأکیدی دارد و باید شکل خاص خود را بیابد و به خط سیر داستان کمک کند. اگر چه خوانندگان بزرگسال، گاه از تکرار می گذرند اما کودکان با این تکرار همراه می شوند و خود را شریک شعر و قصه می دانند.»

شمس فرم و محتوا را لازم و ملزوم یکدیگر می داند و معتقد است: «موضوعی که برای خردسالان انتخاب می کنیم، باید متناسب با همان گروه سنی باشد. زیرا هر موضوعی، قالب خاص خود را انتخاب می کند و نمی توان این دو را از یکدیگر جدا کرد و نویسندگان و شاعران باید در کنار فرم به محتوا هم توجه کنند و

اما یادکنکی که شاد بود، از صبح تا شب به دنبال باد بود و هنوز هم شکمو بود...»

محمدرضا شمس در داستان «بادی که خوابش می آمد» خستگی های بادی را مطرح کرده که خسته و درمانده است. یک دنیا کار کرده، کشتی ها را هل داده، ابرها را جارو کرده، برگ های زرد و قرمز را از شاخه ها جدا کرده و... و حالا دلش می خواهد کمی بخوابد. بادی که می گردد و می گردد تا خانه مناسب خودش را برای خواب پیدا کند. نویسنده در این داستان و داستان های دیگر، خانه را پناهگاهی امن برای کودکان می داند و با زبانی غیر مستقیم، مهربانی، نودوستی، شادمانی و... را به آنان آموزش می دهد. او همچنین زنگ ها و اصوات را به کودکان می آموزد:

«همه (به برکه آب) نگاه کردند. یک خاله قورباغه، یک بز، یک کلاغ، یک خانم ققدا و یک موش آن تو بودند. خوشحال شدند و قورقور قور، بع بع، قارقارقار، ققدقد و جیرجیر جیر خندیدند.»

همچنین تصویر به کمک متن داستان می آید و نانوشتن ها را روایت می کند زیرا نویسنده معتقد است: «یک کار زمانی می تواند موفق باشد که هر پنج حس کودک را فعال کند یا حداقل تعداد بیشتری از حواس او را به کار گیرد، اگر چه این اصوات و تکرار آنها برای کودکان خردسال بسیار جذاب و در عین حال آموزنده است و بچه ها را با صداها و حتی رنگ ها آشنا می کند.

«در یک مغازه اسباب بازی فروشی، همه جور اسباب بازی بود. ماشین هم بود؛ ماشین های کوچک و بزرگ؛ ماشین های رنگ و وارنگ. یک ماشین کوچولوی قرمز هم بود. ماشین قرمز دنبال مادرش می گشت...»

«تو مادر منی؟» عنوان کتاب تازه ای از محمدرضا شمس، نویسنده آشنای کودک و نوجوان است که به همت انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است؛ کتابی که کودکان را با عشق، شادی و امیدواری آشنا می کند و آنان را به تلاش و تکاپو وامی دارد. «تو مادر منی؟»، عنوان نخستین داستان کوتاه از این مجموعه است که به بیان تلاش و تکاپوی یک ماشین قرمز کوچولو برای یافتن مادر خود می پردازد؛ ماشین کوچولویی که فکر می کند، همه حتی ماشین ها هم مادر دارند و برای یافتن مادرش حتی به «بوق بوق» خندیدن ماشین های دیگر نیز توجه نمی کند.

نویسنده در این مجموعه داستان، کودکان را بر خلاف همه مشکلات و سختی ها با زبانی شیرین و کودکانه به شادی و جنب و جوش فرامی خواند. در داستان «بادکنکی که شاد بود» ماجرای بادکنک کوچولویی را بیان می کند که خیلی شکموست و از صبح تا شب به دنبال باد می دود و اینجا، آنجا، پایین، بالا، هر جا بادی می بیند، نسیمی می بیند، یا حتی فوت کوچولویی می بیند، می دود و قورتش می دهد، بدون این که به حرف پدرش که همیشه می گوید: «پسرم این قدر نخور، بکهر می ترکی ها» توجهی کند... تا این که یک روز بادکنک کوچولو مامی کرد و شکمش تریکید. پدر و مادرش فوری آمبولانس خبر کردند و او را بردند بیمارستان. بعد بانخ و سوزن، شکمش رادوختند،

آنچه لازم است را به کودکان انتقال دهند.» نویسنده کتاب «بادکنک و اسب آبی»، توجه به نیاز کودکان امروز را ضروری دانسته و می گوید: «ما هنوز نمی دانیم که مخاطبانمان به چه فکر می کنند و چه چیزهایی را دوست دارند. به همین خاطر از همه چیزهایی استفاده می کنیم که بارها و بارها تجربه شده. اگر تکرار را به کار می بریم به این جهت است که آزموده شده و نتیجه داده است. در حالی که در عصر ارتباطات که همه چیز این طور باشتاب پیش می رود باید نیاز کودکان را بشناسیم و با این شناخت به تجربه های تازه دست بزنیم.»

شمس با اشاره به این که شناخت مخاطب، بحث بسیار پیچیده ای است بیان می کند: «ما نمی توانیم در مورد مخاطبان خود، حکم کلی صادر کنیم. از سوی دیگر نویسندگان و شاعران نمی توانند با یک سری فرضیات از پیش تعیین شده به سراغ سرودن و نوشتن بروند بلکه بهتر است موضوع مورد نظر را پرورش دهند و قالب هماهنگ با آن را انتخاب کنند و به آفرینش بپردازند. پس از آن، مخاطبان، خود به سراغ کتاب می آیند و اثر دلخواه خود را انتخاب می کنند.»

شمس همچنین بر این باور است که تا ماهیت کودکی را درک نکنیم، نمی توانیم چستی شعر را دریابیم. زیرا اگر سرتاسر زندگانی را به ادبیات مانند کنیم، کودکی را شعر و بزرگسالی را نثر این ادبیات خواهیم یافت. از این رو هر آنچه برای کودکان نوشته می شود باید همچون شعر، خیالمند، صمیمی، رازآمیز و غیرقابل پیش بینی باشد.

«تو مادر منی؟» را گلناز ثروتیان، تصویرگری و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ۱۹ هزار نسخه منتشر کرده است.



نگاهی اجمالی به «روان شناسی کاربردی در فوتبال»

توپ فوتبال در زمین روان شناسی

المیری از شور و شوقش برای ترجمه سریع این کتاب خبر می دهد و می گوید: «من آنقدر برای ترجمه این کتاب عجله داشتم که با یک کار شبانه روزی دو ماهه ترجمه آن را به پایان رساندم، اما چاپ آن خیلی طول کشید. از طرف دیگر، روین شاهرودی مدیر نشر علم و حرکت می گوید: «هدف من، ارائه یک کار خوب است، به همین دلیل خودم و سایر دست اندکاران نشر، دقت زیادی روی کتاب می کنند و شاید چندین بار آن را اصلاح کنند.»

المیری همچنین از علاقه اش برای ترجمه این کتاب سخن می گوید، چون او فوتبال باشگاهی را تا رده امیدهای باشگاه سایپا دنبال کرده و زیر نظر مربیانی چون رضا نعلچگر و غلامرضا فتح آبادی در پست های هافبک نفوذی و مهاجم بازی کرده است. ویرایش علمی این کتاب را هم دکتر محمد خبیری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و چهره نام آشنای فوتبال ایران انجام داده است.

آشنایی با همکاران اریکسون

دکتر ویلی ریلو که در نگارش این کتاب به عنوان روان شناس به اریکسون کمک کرده است، با تکنیک های روان شناختی منحصر به فردش با ورزشکاران بسیاری برای قهرمانی در جهان و کسب مدال های طلای المپیک کار کرده است. وی چندین کتاب درباره اجراء، روان شناسی ورزشی و همچنین مدیریت نوشته است.

کتاب «روان شناسی کاربردی در فوتبال» ۹ فصل دارد. فصل اول لو اسکوودتو، فصل دوم اجرا (شهامت بردن)، فصل سوم اعتماد به نفس (مهم ترین موضوع)، فصل چهارم انرژی ذهنی (کنار آمدن با فشار روانی)، فصل پنجم تعیین اهداف (شکستن موانع)، فصل ششم قدرت ذهن (ذهن ما چگونه اجراء ما را هدایت می کند)، فصل هفتم تیم خوب (فرهنگ برد و نقش مربی)، فصل هشتم تمرین ذهنی (تغییر منفی به مثبت) و فصل نهم «سخنان پایانی» (آغاز یک سفر طولانی) نام دارد.

چاپ اول این کتاب اخیراً از سوی نشر علم و حرکت در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه با ۱۶۵ صفحه و قیمت ۳۵۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است.



است که اریکسون و همکارانش در این کتاب توضیح می دهند و می توان از آنها به عنوان راهکارهایی کاربردی استفاده کرد.

نکته مهمی که درباره کتاب «روان شناسی کاربردی در فوتبال» باید به آن اشاره کرد، جامعیت این کتاب برای اغلب رشته های ورزشی است. اگر چه این کتاب تاکید فراوانی بر ورزش فوتبال دارد، اما نویسندگان با ارائه ترکیبی از نمونه های عملی و نظری معتقدند که با تکیه بر جنبه درونی، نه تنها در فوتبال، بلکه در بسیاری از ورزش ها و حتی زندگی روزمره نیز می توان بر مشکلات غلبه کرد.

نکته دیگر این که به گفته المیری، این کتاب فقط ویژه مربیان حرفه ای نیست و مربیان رده های پایه فوتبال نیز می توانند از آن استفاده کنند.

یکی از عواملی که باعث می شود این کتاب در جمع کتاب های با کیفیت قرار گیرد، شور و شوق مترجمان آن برای انجام کار و صبر و حوصله ناشر برای ارائه یک کتاب خوب است.

آرش برهانی برمی خورید که موقعیت های گل را یکی پس از دیگری هدر می دهد، پرسیده می شود که مشکل چیست. واقعیت این است که طبق نوشته های این کتاب، چنین بازیکنانی اصطلاحاً گرفتار «قفل کننده ذهنی» شده اند. نویسندگان این کتاب به خوبی توضیح می دهند که چرا این اتفاق می افتد؟ آنها می گویند از آنجایی که چنین بازیکنی در موقعیت های مشابه، توپ را هدر داده است، استرس زیادی بر او وارد می شود و موقعیت های بعدی را نیز خراب می کند.

آیا کتاب «روان شناسی کاربردی در فوتبال» راهکارهایی را برای غلبه بر این گونه بحران ها ارائه کرده است؟ جواب این سوال را باید در جایی پیدا کرد که اریکسون روش های ایجاد اعتماد به نفس، غلبه بر فشار روانی، ترویج فرهنگ پیروزی در یک تیم، نقش مربی، روش تغییر افکار منفی به مثبت و نظایر این مسائل را توضیح می دهد.

المیری در این باره می گوید: «تمرینات ذهنی، تصویرسازی و اعتماد به نفس، از جمله آموزش هایی



شهرت و محبوبیت یک نویسنده، بدون شک در استقبال مخاطبان اثر او تاثیر فراوانی دارد، مخصوصاً وقتی او این شهرت و محبوبیت را بر اساس معیارهایی صحیح به دست آورده باشد.

هنگامی که صحبت از مربیان نامدار جهان به میان می آید، ناخود آگاه نام «سون یوران اریکسون» سوئدی نیز گفته می شود؛ فردی که تیم پارمای ایتالیا را دگرگون کرد و با شایستگی بر نیمکت مربیگری تیم ملی انگلیس نشست.

حالا وقتی اریکسون کتابی می نویسد، شهرت و معروفیت این مربی سوئدی نیز به استقبال خوانندگان دامن می زند. سوال اینجاست که کتاب «روان شناسی کاربردی در فوتبال» اریکسون، فقط باید به خاطر شهرت این مربی تراز اول دنیا کتابی خوب به حساب آورد؟

واقعیت این است که بهره گیری اریکسون از دو دستیار باتجربه، باعث شده است که این کتاب اعتباری دوچندان پیدا کند، مخصوصاً «ویلی ریلو» که یک روان شناس نامدار در سطح فوتبال جهان است.

مجتبی المیری نیز که با کمک محمد رحیمی این کتاب را به زبان فارسی برگردانده است، چنین عقیده ای دارد و می گوید: «سطح کیفی این کتاب در حد قابل قبولی است، زیرا دربرگیرنده تجربیات اریکسون در سطوح بالای فوتبال جهان و علم ریلو به عنوان یک روان شناس نخبه است.»

مقدمه کتاب این گونه آغاز می شود: «چه اتفاقی می افتد که در وضعیت های بحرانی، یک موقعیت خوب گل را از دست می دهید و شهادت ابتکار عمل هم ندارید؟ در تمرینات عالی کار می کنید ولی هنگام مسابقه رسمی نمی توانید بازی واقعی خود را ارائه کنید؟ زمانی که باید مبارزه کنید، فرار می کنید و زمانی که باید حمله کنید، دفاع می کنید؟ از باختن ترس دارید، اما همانقدر هم از بردن می ترسید! این جملات کوبنده در ابتدای مقدمه به گونه ای است که انسان را به یاد نمونه های موجود در فوتبال خودمان می اندازد.

اتفاقاً المیری (مترجم کتاب) نیز به همین موضوع اشاره می کند و می گوید: «وقتی به یک بازیکن مثل

معرفی کتاب

نگاهی به کتاب «تئوری بنیادی شطرنج» شطرنج بر صفحه کتاب



بسیاری از مردم، شطرنج را از طریق راهنمایی دوستان و خویشان می آموزند، اما اغلب با اصول علمی و تئوری های کارساز این ورزش آشنا نمی شوند.

طبق نظر تمامی کارشناسان حوزه شطرنج و شطرنج بازان حرفه ای، یک شطرنج باز باید همواره مطالعه کند و آموزش را رکن اصلی

پیشرفت خود بداند. البته اگر پایه آموزش شطرنج با مطالعه کتاب های این رشته ورزشی شکل بگیرد، طبیعتاً هم ضریب موفقیت شطرنج باز را بالا می برد و هم آموزش علمی این رشته را در وجود او نهادینه می کند. کتاب «تئوری بنیادی شطرنج» از جمله کتاب هایی است که علاقه مندان به این رشته را از ابتدا به شکلی حساب شده با شطرنج آشنا می کند.

در این کتاب که به قلم مایزلیس، شطرنج باز نامدار روس تالیف و توسط رضارضایی ترجمه شده است، خواننده گام به گام و به صورت علمی و منظم، اصول شطرنج را می آموزد و در نهایت پس از مطالعه

۱۲ فصل کتاب می تواند همچون شطرنج بازی آگاه در مسابقات شرکت کند و از دانسته های خود بهره بگیرد. البته این ادعای مترجم کتاب هنگامی رنگ واقعیت به خود می گیرد که شطرنج باز به تمرین مداوم بپردازد.

از ویژگی های این کتاب می توان به آشنا کردن تدریجی خواننده با مباحث گوناگون شطرنج اشاره کرد؛ به گونه ای که خواننده بتواند آن را به طور کامل درک کند.

در حقیقت، مایزلیس فرض را بر آن گذاشته است که خواننده کتاب بعد از فهم کامل هر موضوع، به سراغ مطالعه فصل بعد می رود. او تلاش دارد خواننده را با مفاهیم بنیاد شطرنج آشنا کند، نه فقط با انجام یک حرکت. در شش فصل اول این کتاب، اصول و کلیات بازی شطرنج ارائه می شود و افزایش مهارت و معلومات، هدف شش فصل بعدی کتاب است.

این کتاب مدت ها قبل با نام «شطرنج و تئوری آن» توسط استیانیان ترجمه شده بود، اما ضرورت ترجمه مجدد برای بهره گیری بیشتر علاقه مندان به شطرنج احساس می شد.

فصل اول کتاب به گونه ای نوشته شده است که گویا خواننده برای اولین بار است پشت میز شطرنج می نشیند، به همین دلیل ابتدا صفحه شطرنج، مهره ها، هدف بازی، نامگذاری خانه ها و ثبت حرکات توضیح داده می شود و سپس طرز بازی، نحوه حرکت مهره ها و حرکات ساده همراه با ثبت حرکات و علائم قراردادی بیان می شود.

در فصل دوم با عنوان هدف بازی، شیوه های مات کردن تساوی، پات کردن تساوی، پات و ترفیع پیاده بیان شده است و در فصل سوم تاکتیک ها و استراتژی های گوناگون آموزش داده می شود که از اهمیت بالایی برخوردار است.

پس از فصل چهارم با عنوان محاسبه و فصل پنجم با عنوان ترکیب، در فصل ششم که پوزیسیون نام دارد، نقاط ضعف خانه ها و پیاده ها، همراه با قدرت سواره ها و دو فیل تشریح شده است.

کلیات و مراحل سه گانه بازی شطرنج در فصل هفتم و ایده های اساسی آخر بازی، تحقق برتری، آخر بازی های تئوریک و عملی در فصل هشتم آورده شده است.

نویسنده روسی این کتاب پس از آن به تکنیک های بازی، مبانی تئوری گشایش ها و مسائل جدید گشایش می پردازد و در فصل دوازدهم ۱۰ بازی نمونه را به طور کامل شرح می دهد.

در مجموع آموزش گام به گام و کاربردی شطرنج را می توان ویژگی اصلی کتاب «تئوری بنیادی شطرنج» قلمداد کرد. ضمن این که تجربیات مایزلیس به عنوان یک شطرنج باز حرفه ای و چاپ این کتاب از سوی نشر فرزین. که به صورت تخصصی در حوزه مکتوبات شطرنج فعالیت می کند. زمینه جلب اعتماد خوانندگان به این کتاب را فراهم کرده است. کتاب «تئوری بنیادی شطرنج» در شمارگان ۵۰۰۰ نسخه با ۶۸۴ صفحه و قیمت ۳۵۰۰ تومان از سوی نشر فرزین منتشر شده است.



با دکتر خدابخش احمدی و «مباحث اخلاقی در مشاوره و روان درمانی»

روان درمانی با رویکرد دینی



است که مورد تأیید فلاسفه و ادیان بوده و این پنج اصل در منشور حقوق بشر و همچنین در حقوق حرفه‌ای پزشکان نیز مطرح شده است اما این اصول در مباحث روان درمانی و مشاوره به طور خاص مصادیق جزئی‌تر و فرعی‌تری پیدا می‌کنند که این کتاب هم در واقع همین مصادیق را مورد بحث قرار داده است. البته مطالعه این کتاب هم برای مشاوران و روان‌شناسان و مربیان تربیتی می‌تواند مفید باشد و هم برای مراجعان. کتاب با آنکه برای متخصصان نوشته شده، اما به دلیل نگارش ساده و سلیسی که دارد می‌تواند مورد استفاده مراجعان نیز قرار گیرد بدین معنا که مراجعان نیز به حقوق خود در جریان مشاوره واقف می‌شوند.

به موضوع نگاه مصادیقی داشتن به اخلاق حرفه‌ای اشاره کردید، اتفاقاً در حوزه اخلاق، نگاه‌ها غالباً انتزاعی و کلی‌اند یعنی در معدود آثاری که جست‌وجو کرده‌ام در این زمینه نوشته شده اغلب به کلیات پرداخته‌اند بدون آن‌که به مصادیق اشاره‌ای داشته باشند، چگونه می‌توان به این مصادیق نزدیک‌تر شد و از آن کلی‌نگری فاصله گرفت؟

توصیه‌های کلی در مباحث اخلاقی در واقع یک سلسله‌راه‌نمایی‌های اساسی است که گوشه‌زد می‌کند فرد صرفاً با مسائل کلی در ارتباط نیست بلکه با تصمیم‌گیری‌های ویژه‌ای سروکار دارد که این تصمیم‌گیری‌ها ویژه‌ای یک موقعیت واقعی است نه انتزاعی. برای مثال شخصی به مشاور می‌گوید من تصمیم دارم خودکشی کنم یا مثلاً تصمیم دارم به شخصی آسیب بزنم. در اینجا اگر مشاور و متخصص از آن استانداردها آگاه نباشد و آنها را رعایت نکند می‌تواند بسیار مسئله‌ساز باشد. اینها مصادیق واقعی هستند که مشاوران و مراجعان ما به طور روزمره با آن سروکار دارند. بنابراین باید با مصادیق جزئی آشنا

مباحثی مثل عدالت، آزادی و بسیاری از مصادیق اخلاقی دیگر در همه جای دنیا و بین تمام انسان‌ها به صورت مشترک پذیرفته شده و آنچه در این کتاب مطرح می‌شود مشترک پذیرفته شده و آنچه در این کتاب مطرح می‌شود حداقل استانداردها هستند

یادداشت

حسین سلیمی بختانی



تیغ دو دم مشاوره

دیرهنگامی است که علوم مختلف از جمله فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ... در خدمت شناخت پدیده‌های هستی قرار گرفته است و به تدریج انسان به این مهم پی برد که می‌تواند از فرآیند علمی در کاهش آلام خود و هموعانش استفاده کند. بر همین اساس است که روان‌شناسی با هدف درک و فهم و تغییر رفتار انسان قدم به عرصه علوم گذاشت. هر چند ماهیت وجودی آن قدمتی به اندازه وجود بشر دارد.

هر رشته علمی متناسب با اهداف خود بی‌نیاز از توجه به حوزه اخلاق نبوده و نخواهد بود و این مفهوم در مشاوره و روان‌شناسی اهمیت افزون‌تری دارد. اخلاق حرفه‌ای مجموعه قوانینی است که از طریق نظام نامه‌های اخلاقی و حرفه‌ای به اعضای نهادهای انجمن‌های مربوطه ابلاغ می‌شود و نظام نامه اخلاقی در مشاوره و روان‌شناسی عبارتست از مجموعه مدونی از معیارها یا استانداردهای اخلاقی برای متخصصانی که مسئولیت بهداشت روانی افراد جامعه را برعهده دارند.

مشاوران و درمانگران در فرآیند یاری‌رسانی با دوره‌های اخلاقی در تصمیم‌گیری مواجه خواهند شد که ممکن است تاکنون راه‌حل پیش‌بینی شده‌ای برای آن پیشنهاد نشده باشد در این گونه موارد مراجعه به این نظام نامه‌ها الزامی است و زمانی که این نظام‌نامه‌های اخلاقی راه‌حلی را برای دوره‌های ما ارائه نمی‌دهد، اصول اخلاقی (از جمله سودمندی، نداشتن صدمه و آسیب، احترام به استقلال فرد، منصفانه بودن، صادقانه بودن و ...) چارچوب مناسبی را برای جهت‌دهی به تفکر اخلاقی ارائه می‌دهد.

کتاب «مباحث اخلاقی در مشاوره و روان‌درمانی» که از سوی دکتر خدابخش احمدی به رشته تحریر درآمده و به همت نشر دانژه منتشر شده است در نوع خود باب جدیدی را در مباحث علمی رشته مشاوره و روان‌شناسی باز کرده است که امید می‌رود موضوعات اخلاقی سرفصل دروس دوره‌های مختلف دانشگاهی و بازآموزی این رشته‌ها قرار گیرد؛ چیزی که در حال حاضر جای خالی آن به شدت احساس می‌شود.

در عین حال از نکات برجسته این کتاب می‌توان به تعاریف، ارزش، اصالت، فواید، اصول اخلاقی در گستره وسیع اجتماعی و دینی اشاره کرد. غالباً به محض طرح مباحث اخلاقی در مشاوره، موضوع رازداری و محرمانه بودن به ذهن‌خطور می‌کند که در عین اهمیت باید به سایر مسائل این مقوله از جمله رضایت آگاهانه، حقوق خردسالان و ... توجه کرد. همچنین کتاب با بیان شیوا به تحلیل موضوعات اخلاقی در فرآیند کار از مرحله انجام آزمون و تشخیص، برقراری ارتباط، به کارگیری فنون و تجویز دارو پرداخته و نقش مسائل اخلاقی در مشاوره گروهی و گروه‌های مختلف را به بحث گذاشته است.

مؤلف معتقد است که شایستگی حرفه‌ای یک بار و برای همیشه به دست نمی‌آید و حتی اگر فرد درجه بالایی از مدارک تحصیلی را دارا باشد، بازآموزی حرفه‌ای مداوم برای دریافت اطلاعات جدید در حیطه‌های خاص ضروری خواهد بود. در پایان کتاب نیز منابع ارزشمندی برای مطالعه بیشتر در حوزه اخلاق و اخلاق حرفه‌ای برای خوانندگان مشتاق آورده شده است. باید توجه داشت که ضوابط و استانداردهای طرح شده با گذشت زمان، تغییر، اصلاح یا تکمیل می‌شوند و در به کارگیری آنها انعطاف‌پذیری لازم است. آنچه مسلم است بدون توجه به این ضوابط تیغ دو دم مشاوره و روان‌درمانی نه تنها احیا نمی‌کند بلکه ممکن است نابود کند.

باشند چرا که اگر صرفاً به توصیه‌های کلی اخلاقی اکتفا شود ممکن است مشاور نتواند مصداق‌ها را تطبیق دهد و با آن کلیات به خطا برود و خطا رفتن متخصص می‌تواند هم به ضرر خود او باشد و هم به ضرر کل حرفه مشاوره و روان‌درمانی و هم می‌تواند به مراجع و در نهایت به جامعه آسیب بزند.

نگارش چنین کتاب‌هایی تا چه حد تابع پژوهش‌های تجربی با لحاظ کردن رویکرد فرهنگی است؟

متأسفانه در کشور ما پژوهش‌های تجربی به ویژه در حوزه روان‌درمانی و مشاوره بسیار کم است و شاید مجموع پژوهش‌هایی که در دست است بیش از دو - سه مورد نباشد. من امیدوارم این کتاب و کارهایی نظیر این، پایه‌ای برای پژوهش‌های بعدی در این زمینه شود. این بحث در واقع اولین بار است که - به واسطه این کتاب - در جامعه ما مطرح می‌شود بنابراین ما تازه در نقطه شروع کار هستیم و امیدواریم محققان ما بتوانند این حوزه را از یافته‌های پژوهشی خود غنی کنند.

اگر اخلاق را یک مفهوم متغیر و وابسته به فرهنگ بدانیم، کتاب‌هایی که در حوزه اخلاق حرفه‌ای ترجمه می‌شوند تا چه حد ممکن است مسئله‌ساز باشند؟

ضمن این که اخلاق وابسته به فرهنگ است اما اساساً منشأ اصلی و تاریخی اخلاق از ادیان است و چنان‌که می‌دانیم کامل‌ترین اخلاق - در میان ادیان - در اسلام ریشه دارد آنجا که خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید که ما شما را نفرستادیم جز برای این که مکارم اخلاق را به سرانجام برسانید. اصلاً ما می‌توانیم ریشه اخلاق و سالم‌ترین، جامع‌ترین و مانع‌ترین اخلاق را در دین خودمان پیدا کنیم بنابراین چه نیازی است که در این حوزه سراغ ترجمه برویم؟ گرچه روی مباحث اخلاق حرفه‌ای در حوزه روان‌درمانی و مشاوره در کشورهای دیگر بیشتر کار شده و مادر این زمینه فقط به ذکر چند توصیه اخلاقی همراه با چند حدیث و آیه به شکل کلی بسنده کرده‌ایم و به مصادیق و پژوهش در این زمینه نپرداخته‌ایم اما می‌توانیم بهترین مصادیق اخلاقی را با دین خودمان تطبیق دهیم و به دنیا معرفی کنیم. ترجمه فقط می‌تواند در این حد مفید باشد که بدانیم مباحث اخلاق حرفه‌ای در جاهای دیگر چگونه است. برای مثال در غرب، دست دادن زن و مرد نامحرم یک مسئله عادی است و به تبع آن دست دادن مشاور و مراجع ناهمجنس هم عادی است و حتی توصیه می‌شود که باشد در حالی که در فرهنگ ما این مسئله حرام است بنابراین، این مسائل باید کاملاً با قوانین جامعه ما منطبق شود چون بدون این انطباق می‌تواند آسیب‌زا هم باشد. ضمن این که باید به این نکته هم توجه داشت که مباحث اخلاقی هم که در غرب مطرح می‌شود در برخی اصول که ریشه انسانی دارد با ما مشترکند برای مثال بحث رازداری به حقوق انسانی افراد مربوط است و در تمامی جوامع تا حدودی یکسان است. همچنین مباحثی مثل عدالت، آزادی و بسیاری از مصادیق اخلاقی دیگر در همه جای دنیا و بین تمام انسان‌ها به صورت مشترک پذیرفته شده و آنچه در این کتاب مطرح می‌شود استانداردهای حداقل هستند. در این کتاب در اکثر موارد، خط قرمزها مطرح شده‌اند و در عین حال یک سری استانداردهای عالی وجود دارد یعنی سطح بالایی از رعایت اخلاق. امیدوارم افراد با رعایت حداقل استانداردها، به مرور به سطح استانداردهای بالای اخلاقی هم برسند و فراتر از اخلاق عمل کنند.



این هفته با حمید کمالی، نویسنده کتاب «یک قدم با ادبیات جهان»

رمان های مهم جهان در یک کتاب



کرده اید که تا حدودی از دنیای نوجوانان دور هستند. آیا در این کار عمدی بوده؟

حرف شما از یک زاویه درست است. به عنوان مثال اگر در یک اثر شخصیت اول متعلق به یک نوجوان باشد انگیزه خواندن بالاتر می رود اما قصد من واکاوی حضور نوجوانان در یک اثر نبوده بلکه قصد داشتم با این کتاب دیدگاهی جدید برای خواننده نوجوان بگشایم که برایش نو و جذاب باشد.

فکر می کنید واکاوی حضور نوجوانان در یک اثر به خودی خود جذاب باشد؟

حتما همین طور است و من در آینده قصد دارم بیشتر به آن بپردازم.

بازتاب کتابتان تا کنون چگونه بوده؟

ناشرم از فروش کتاب زیاد راضی نیست، البته باید اجازه بدهیم چند ماهی از پخش آن بگذرد و بعد قضاوت کنیم.

شما برای چاپ اولین کتابتان سرمایه گذاری شخصی کردید؟

راهی جز این وجود ندارد. ظاهرا این مشکل در عالم نشر به یک سنت تبدیل شده و هیچ راهی برای برون رفت از آن نیست.

فکر می کنید سرمایه اولیه تان با فروش کتاب برگردد؟

امیدوارم این اتفاق بیفتد چون واقعا به آن نیاز دارم. قصد دارید خلاصه نویسی آثار را ادامه بدهید؟

خواننده در مواجهه اولیه با این کتاب به خوبی در نمی یابد که با یک کتاب ترجمه شده طرف است یا یک کتاب تالیفی. لطفا کمی در این باره توضیح دهید.

همان گونه که در موخره کتاب نوشته ام خواننده با هر دو مقوله ای که شما گفتید طرف است. بخش نقدها و نظرها در این کتاب ترجمه هایی است که با ذهنیت من ادغام شده اند، یعنی در ارائه نظرات یک منتقد، نظرات شخصی خودم را هم گفته ام، البته مرز میان اظهار نظرهای شخصی و ترجمه نظرات منتقدان کاملا رعایت شده است.

شما به سوال اول من پاسخ ندادید و از ایجاد انگیزه چنین کتاب هایی در ذهن نوجوانان نگفتید؟

ببینید شما حتما در دوران نوجوانی چه در کتاب های درسی و چه غیر درسی با نام و چکیده ای از کتاب های بزرگ کلاسیک مواجه شده اید و اگر علاقه مند بوده باشید حتما همان اندک آموزش بعدها به دردتان خورده. منظورم این است که شیوه چکیده نویسی بهترین راه برای شناخت هر چه بیشتر یک اثر است و حس کنجکاوی را در نوجوان برمی انگیزد. بر همین اساس می توانم بگویم که الفبای اولیه خواندن آثار جدی از همین خلاصه نویسی ها سرچشمه می گیرد، همان گونه که در خود من چنین اتفاقی افتاد.

شما در این کار چند رمان مطرح را چکیده نویسی

حمید کمالی متولد ۱۳۵۷ در اولین کتابش خلاصه هایی از چند رمان را ارائه کرده که همراه با نظرات کارشناسانه است. کمالی سعی کرده قبل از هر چیز ذهن خواننده را به پشت صحنه نگارش یک رمان بزرگ دعوت کند. گفت وگویی کوتاه ما را با او بخوانید.

شما در اولین کتابتان سعی کرده اید چند رمان بزرگ جهان را خلاصه نویسی کنید و به زبان ساده ارائه بدهید. به گمان شما این کار تا چه اندازه می تواند در ذهن یک نوجوان ایجاد انگیزه کند؟

این کار از قدیم الایام در سراسر دنیا رواج داشته و این گونه نیست که کار من بدون تاثیر پذیری از کارهای دیگران انجام شده باشد. تنها تفاوت کار من در مقایسه با کار دیگران این است که به خلاصه یک رمان بزرگ بسنده نکرده ام و توضیحات مفصلی هم از نظرات منتقدان ارائه داده ام.

چرا این آرای منتقدانه مفصل تر از خود اثر ارائه شده اند؟

چون نقد می تواند خواننده را با زیر و بم های ذهن نویسنده آشنا کند، به تعبیری بهتر می توانم بگویم که من با این کار ذهن خواننده نوجوان را به پس زمینه اثر کشانده ام تا در مواجهه با آن بسیاری از جواب های لازم را دریافت کند و از خواندن اثر لذت بیشتری ببرد.

بله، البته به شرایط و بازتاب کتاب بستگی دارد. امیدوارم فروش این کتاب به گونه ای باشد که اولاً ناشرم از کارش پشیمان نشود و ثانياً مجبور نباشم برای چاپ کارهای بعدی وجهی بپردازم.

نوع برخورد شما با معرفی آثار بزرگ همان گونه که خودتان گفتید کاری نو است و تاکنون انجام نشده. چرا این کار را به شکل یک پروژه به ناشران مطرح ارائه نمی کنید؟

حکایت چاپ این کتاب حدیث مفصلی است. اتفاقا همه مسیرهایی که شما می گوید را رفتم و در آخر خسته و دست خالی برگشتم، کسی در حوزه نشر اولین کتاب را اصلا به رسمیت نمی شناسد زیرا هر جا که رفتم از کارهای قبلی ام می پرسیدند و عذرم را می خواستند.

و حرف آخر

حرف آخر این که امیدوارم زمانی فرا برسد که در حوزه نشر همه صداها جدی گرفته شوند و مراکز برای داوری سطح کیفی آثار راه اندازی شود.

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات بین الملل کاج با سی و چهار عنوان کتاب پرکارترین ناشر، مهدی وحدتی صدر با ده عنوان پرکارترین مولف؛ و مهدی الهی قمشه ای با دو عنوان پرکارترین مترجم بودند.

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
بزرگترین کتاب	۱۴۰۰ ریال	فرهنگ کتاب و کتابخوانی، گزیده سخن سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، محمدجواد ابراهیمی، ناشر: انتشارات المظفر (مجموعه چاپ ۱، ۸۸۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۷۰۰۰۰ ریال	رشته و زمانه پدیدارشناسی: جستاری در زندگی و اندیشه های موسرول و هایدگر، سبلیوس مجادی، ناشر: ققنوس، چاپ ۴، ۱۰۱۸ صفحه، ۱۶۵۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۴۸ مرتبه	رساله توضیح المسائل: با تجدیدنظر و اصلاحات، یوسف سامعی، ناشر: مکتب نماز، ۵۳۶ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۴۱۳۰۰۰ نسخه	قرآن کریم، مهدی الهی قمشه ای، ناشر: پیام عدالت، چاپ ۱۴، ۶۱۲ صفحه
کمترین شمارگان	۴۰۰ نسخه	طب هومیوپاتی پاسخ به هزاره نو، سالار فرهنگپور، ناشر: نشر استراکویه، چاپ ۲، ۳۴۴ صفحه، ۵۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۳۶۲ صفحه	فرهنگ فارسی شامل لغات ایبسی، ریاضی نجومی، یزتسکی، طبیعی، اقتصادی، فلسفی، حقوقی، فلسفی، هنری، ورزشی، لغوی و موارد مربوط به پیشه های مختلف، محمد معین، ناشر: میلاد، چاپ ۱، ۳۵۰۰ نسخه، ۹۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۲۲ صفحه	دعای جوشن کبیر با نام دعای اسماء زمان (مصحح) و سوره یس، عباس قس، مهدی الهی قمشه ای، ناشر: یزتسکیان، چاپ ۴، ۵۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
بزرگترین کتاب	۱۰۰۰۰ ریال	تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) فاطمه رفیعیان، ناشر: بین المللی کاج، چاپ ۱، ۶۰۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۲۵۰۰۰ ریال	همراه ارتد حسابداری: کارشناسی ارتد دانشگاه پیام نور، طی کریمی، ناشر: ایرون، کتاب ستور، چاپ ۱، ۴۶۴ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۶۶ مرتبه	دفتر برنامه ریزی به روش قلبی، کاظم قسبوس، ناشر: کانون فرهنگی آموزش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۷۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۱۰۰۰ نسخه	راهکار درجه ۴، گلایریا خلق، ناشر: انتراتی، چاپ ۵، ۵۶۰ صفحه، ۵۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	همراه ارتد حسابداری: کارشناسی ارتد دانشگاه پیام نور، طی کریمی، ناشر: ایرون، کتاب ستور، چاپ ۱، ۴۶۴ صفحه، ۱۲۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتاب های بدون قیمت	تعداد کتاب های اگست
	مرد	زن	مرد	زن		
۳۴۷	۵۳۰	۲۳	۱۸	۶۳	۱۶	

* مولف نامی پدیدآورگان (باند نویسنده، نام، گوینده، مترجم و...) به جز مترجم

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی اداره کتاب و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۱۳۸۷/۱۲/۱۲ تا چهارشنبه ۱۳۸۷/۱۲/۱۶، ۸۱۰ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع دین و سپس آموزش و کمک درسی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات کودک و نوجوان، ادبیات، علوم عملی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تایید*	ترجمه	چاپ اول	چاپ مجدد	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	حجم متوسط
۱	کتاب	۱۶	۱۴	۲	۱	۱۴	۲	۳۶۱۹	۳۷۴	۲۷۴
۲	فلسفه و روانشناسی	۴۲	۱۷	۱۵	۱۴	۲۵	۷	۲۱۷۸	۲۲۰	۲۱۷۸
۳	دین	۱۸۷	۱۴۹	۳۸	۷۱	۱۱۶	۱۰۳	۶۶۸۴	۲۹۵	۶۶۸۴
۴	علوم اجتماعی	۴۹	۳۶	۱۲	۲۱	۱۸	۷	۲۵۲۶	۲۴۹	۲۵۲۶
۵	زبان	۲۸	۲۲	۵	۱۶	۱۲	۴	۲۹۲۵	۳۴۴	۲۹۲۵
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۵	۱۷	۸	۱۰	۱۵	۳	۳۱۱۳	۳۰۸	۳۱۱۳
۷	علوم عملی	۸۰	۶۵	۱۵	۳۶	۴۴	۲۲	۳۰۲۹	۲۲۳	۳۰۲۹
۸	هنر	۲۰	۱۶	۴	۹	۱۱	۲	۲۲۷۵	۱۰۳	۲۲۷۵
۹	ادبیات	۴۶	۳۳	۱۳	۴۳	۴۴	۱۸	۲۴۸۳	۲۸۷	۲۴۸۳
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۲۶	۲۲	۴	۱۰	۱۶	۶	۳۱۴۴	۲۱۹	۳۱۴۴
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۱۴۳	۱۴۱	۲	۵۰	۹۳	۱۴۰	۲۷۱۴	۲۴۳	۲۷۱۴
۱۲	کودک و نوجوان	۱۱۸	۷۵	۴۳	۴۴	۷۴	۸۷	۵۱۰۸	۶۳	۵۱۰۸
	جمع کل	۸۱۰	۶۳۸	۱۷۲	۳۳۶	۴۷۴	۶۰۲	۲۴۰۱	۲۵۲	۲۴۰۱

* تایید: به نامی گزینی انتخاب می شود که ترجمه باشد. اگرچنین ترجمه، تکراری، تحقیق، تخریب و غیر آن.

** منظور از موضوع آموزشی و کمک درسی: کلیه کتابهایی است که به منظور یادگیری و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مطالب آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گرانترین کتاب	۴۰۰۰۰ ریال	چهارم های جستجوگر بداند: تکرار چنان و متنی: قصه ها و سیاهچاله ها، زهران فریاسی، خوشنویار، ریچارد مید، هایدی فیاضی، ناشر: کاج، چاپ ۱، ۲۴ صفحه، ۱۶۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۰ مرتبه	کودک و ریاضیات: علی اکبر صفایی، ناشر: صفائیان، ۲۴ صفحه، ۱۸۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	طوم من، طی اکبر صفایی، ناشر: صفائیان، چاپ ۱، ۴۰ صفحه، ۸۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۶۰۰ نسخه	چهارم های جستجوگر بداند: تکرار چنان و متنی: قصه ها و سیاهچاله ها، زهران فریاسی، خوشنویار، ریچارد مید، هایدی فیاضی، ناشر: کاج، چاپ ۱، ۲۴ صفحه، ۴۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۷۸۴ صفحه	قصه های قرآن، محمداحمد جلالی، مصطفی زمانی، ناشر: پژوهشگاه، چاپ ۱، ۱۷، ۳۰۰۰۰ نسخه



ناشران جهان در ادینبورو



جشنواره بزرگ کتاب ادینبورو با حضور ۸۰۰ نویسنده از سراسر جهان و بیش از هزار ناشر از ۴۵ کشور، هفته گذشته رسماً آغاز به کار کرد. بیست و پنجمین نمایشگاه جهانی کتاب ادینبورو امسال با حضور نخست وزیر انگلستان افتتاح شد. در این جشنواره جمعی از سیاستمداران دوستاندار کتاب از جمله عضو پیشین کابینه جان پریسکات و روزنامه نگاران سرشناسی چون الکساندر مک کال اسمیت، طارق علی و جولیان بارنز حضور داشتند در حالی که شون کانری (جیمز باند اسبق) نیز از چهره های شناخته شده این جشنواره بود.

این در حالی است که در جشن امسال نویسندگان جهان از طریق ویدئو کنفرانس با خوانندگان خود در نمایشگاه بین المللی کتاب ادینبورو ارتباط برقرار کردند و نویسندگان دیگری که موفق به شرکت در بزرگترین نمایشگاه کتاب جهان نشدند، توانستند با این شیوه و از طریق ویدئو کنفرانس با خوانندگان خود ارتباط برقرار کنند. کاترین لوبری رئیس نمایشگاه بین المللی کتاب ادینبورو با این ادعا که کارهای نشدنی را شدنی می کنیم، دست به چنین روشی برای اجرای برنامه زده است.

ادینبورو در سال ۲۰۰۴ به عنوان شهر ادبیات یونسکو شناخته شد و از آن به بعد نمایشگاه کتاب این شهر نیز با استقبال دو چندانی روبه رفته است. به گفته منتقدان ادبی جهان، نمایشگاه کتاب ادینبورو بزرگترین نمایشگاه ادبی جهان است. جشنواره بین المللی کتاب ادینبورو بخشی از یک جشنواره بزرگ فرهنگی هنری است که اوت هر سال در پایتخت اسکاتلند برگزار می شود.

گران ترین جایزه ادبی قاره دور

جایزه ۱۰۰ هزار دلاری استرالیا در حالی آخرین روزهای انتظار را می گذراند که سوختن نوشته میریل جوشائو، آل دوردادو اثر دوروثی پورتر، جامائیکا نوشته مالکوم ناکس، تاسف از گیل جونز، داستان های کامل نوشته دیوید مالوف، بیوه و قهرمانش اثر تام کنیلی و باغ وحش نوشته استیون کنت نامزدهای بخش داستان هستند.

تاریخ کویزلند اثر ریموند اوآنس، قراموشی فرهنگی نوشته کلاویو جیمز، زندگی من به مثابه یک خائن نوشته زهرا قهرمانی و رابرت هیلمن، ناپلئون اثر فیلیپ دویر، گل اخری و زنگ زدگی نوشته فیلیپ جونز، زندگی شکسپیر اثر جرمین گری و ویتنام: جنگ استرالیایی نوشته پل هام نامزدهای بخش غیر داستانی هستند. این جایزه در هر بخش به یک نفر مبلغ یکصد هزار دلار اهدا می کند.

نامزدهای جایزه کتاب کودک کانادا

فهرست نامزدهای نهایی کتاب کودک کانادا معرفی شد. ماجرای خفاش بی باک، پیشنهادهایی برای حفظ مادر بزرگ از بیماری آلزایمر، سال های کودکی شرلوک هولمز، دوران کودکی و... در این فهرست قرار دارند.

این جایزه ۲۰ هزار دلاری هر ساله به دو گروه از کتاب های منتشر شده به زبان انگلیسی و فرانسه در کانادا تعلق می گیرد.

در فهرست نامزدهای کتاب کودک به زبان فرانسه، پنج کتاب حضور دارند که داستان سویی

بیچاره، مجموعه ای از ترانه ها و قصه ها به زبان فرانسوی همراه با تصویرسازی برای کودکان و موش و گربه نوشته میلن وات از این جمله هستند. نامزدهای کتاب های انگلیسی زبان نیز شامل پنج کتاب است که بال سیاه از مجموعه داستان های خفایشی نوشته کنت اوپل و سال های کودکی شرلوک هولمز اثر شون پیکاک در این فهرست قرار دارند.

برنده فرانسوی زبان ۱۲۹ اکتبر در مونترال و برنده انگلیسی زبان این فهرست در ۶ نوامبر در تورنتو معرفی می شوند.

اظهارات اومبرتو اکو درباره تأثیر جنگ

بر شروع رمان نویسی اش

اومبرتو اکو نویسنده و فیلسوف ایتالیایی گفته است که پیش از شروع جنگ جهانی دوم به نوشتن می پرداخته، اما جنگ بر آغاز رمان نویسی او تأثیر زیادی گذاشته است.

اومبرتو اکو در پاسخ به این سؤال پاریس ریویو که آیا جنگ تأثیری در شروع نویسندگی اش داشته یا خیر، می گوید: نه، ارتباط مستقیمی بین شروع نویسندگی من و جنگ وجود ندارد. من پیش از شروع جنگ نیز نوشتن را شروع کرده بودم و

مستقل از جنگ می نوشتم. وقتی جوان بودم کتاب های طنز می نوشتم، چون خودم به شدت به آنها علاقه داشتم و همچنین علاقه ام بیشتر به کتاب های فانتزی بود که در مالزی یا آفریقای مرکزی چاپ می شد.

وی همچنین در ادامه درباره نوشته های کودکی اش می گوید: من آن وقت ها کلی می نوشتم اما آنقدر آثار خسته کننده ای بودند که هیچ کدامشان را تمام نمی کردم. آن موقع من بزرگترین نویسنده کتاب های ناتمام بودم. اما وقتی شروع به رمان نویسی کردم، خاطره ام از جنگ، تأثیر زیادی در نوشتنم داشت. اما همه آدم های دنیا به خاطرات دوران جوانی شان دلستگی خاصی دارند.

اومبرتو اکو متولد پنجم ژانویه ۱۹۳۲ نشانه شناس، فیلسوف، متخصص قرون وسطی، منتقد ادبی و رمان نویس ایتالیایی است.

اکو پس از اخذ مدرک دکترای در دانشگاه های تورینو، میلان، فلورانس، بولونیا و کالج دوفرانس تدریس کرده است.

اومبرتو اکو بیشتر به یک رمان نویس معروف است در حالی که او در وهله اول یک نشانه شناس

روی قفسه ها

هفته گذشته کتاب خواننده نامرئی اثر برونیا باری در حالی در لیست پرفروش های کتاب قرار گرفته است که در آن زندگی خصوصی یک پیشگو مورد مذاقه قرار می گیرد.

رمان میزبان بعد از ۱۳ هفته همچنان صدر نشین جدول پرفروش هاست در حالی که رمان نشانه هم که چهار هفته متوالی در لیست پرفروش ها دیده می شد، همچنان می فروشد.

آخرین وطن پرست داستانی از براد تور، رمان سفر دریایی نوشته جیمز پاترسون و هوارد روگان و رمان تعقیب هری وینستون به قلم لورن ویسبرگر نیز در جدول پرفروش ها قرار دارند. در هفته گذشته جنگ شبیه سازی شده ها به قلم کارن تراویس نیز به جمع پرفروش ها پیوست تا در کنار رمان ترک خورده نوشته کارین اسلادر، نخستین حضور در جدول پرفروش ها را تجربه کند.

و فلسفه دان است. اکویکی از مهم ترین و پرکارترین اندیشمندان و روشنفکران دنیای معاصر است و جزو مهم ترین زبان شناسان و نشانه شناسان ساختارگرا قرار دارد. اکو با بیش از ۴۰ کتاب علمی و صدها مقاله، تنها پنج رمان نوشته است.

جایزه کتاب بزرگ

برای زندگینامه صدای یاغی

کتاب زندگینامه الکساندر سولزنیستین نویسنده نامدار روس که به صدای یاغی شهره بود و هفته گذشته دارفانی را وداع گفت، ممکن است برنده گران ترین جایزه کتاب روسیه باشد. در این میان از میان ۱۰ نامزد گران ترین جایزه ادبی دولت روسیه، زندگینامه الکساندر سولزنیستین نوشته لیودملا ساراسکینا از بخت بیشتری برخوردار است.

در یک گزارش ویژه در وب سایت رسمی کتاب بزرگ، ضمن ارائه گزارشی مختصر و ابراز تاسف از مرگ نویسنده بزرگ روسیه آمده است که با توجه به اینکه این جایزه برای زندگینامه نویسندگان و اشخاص برجسته اهمیت زیادی قائل است، امسال نیز پس از بررسی های داوران تاکنون این نتیجه حاصل شده است که زندگینامه سولزنیستین شایستگی زیادی برای دریافت جایزه دارد و از دلایل تأیید صحت و واقعی بودن این زندگینامه این است که نویسنده آن یعنی ساراسکینا سال ها در کنار خود نویسنده بوده و جزئیات کامل زندگی وی را یادداشت کرده و بسیاری از ناگفته های سولزنیستین را در این کتاب آورده است. ساراسکینا از پژوهشگران بزرگی است که در شناساندن نویسندگان بزرگی چون داستایفسکی کمک فراوانی به ادبیات روسیه کرده است.

برنده جایزه دولتی کتاب بزرگ در ماه نوامبر اعلام می شود.



نقش زنان در جبهه

محمدجواد جزینی؛ داستان نویسنده

انتشارات ققنوس در تدارک است تا در ماه‌های نه چندان دور، کتاب کسی برای قاتل مرده گریه نمی‌کند را روانه بازار کند. این کتاب مشتمل بر ۲۶ داستان کوتاه است که بخش اعظم آن به داستان‌های جنگ برمی‌گردد که اغلب آنها طی سال‌های گذشته در مطبوعات به چاپ رسیده و به نقل شرایط زندگی انسان‌ها در موقعیت‌های مختلف از جمله دوران دفاع مقدس می‌پردازد.

زنان نویسنده جنگ نیز کتابی است که به زودی به سفارش دفتر امور بانوان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بازار عرضه می‌شود. این کتاب به تحلیل تاریخی کارنامه نشر ۵۰۰ مولف زن از سال‌های ۵۹ تا ۸۵ در قالب‌های مختلف خاطره، داستان، رمان، شعر، مقاله و ... می‌پردازد و نخستین کتاب پژوهشی در این زمینه است که به معرفی کامل زنان نویسنده جنگ پرداخته و مشتمل بر چهار فصل است.

فصل اول به بررسی تحلیلی تاریخی سال‌های کارنامه زنان و بررسی کتاب‌های تألیف شده توسط آنان از لحاظ موضوع و محتوا می‌پردازد. فصل دوم در واقع تحلیل کارنامه نشر و توصیف ادبی ناشران را در برمی‌گیرد. فصل سوم بر کتابشناسی زنان نویسنده براساس موضوع اختصاص دارد و در فصل چهارم نیز کارنامه مجزایی برای هر نویسنده زن به تفکیک آورده شده و امکان جست‌وجوی آماری کتاب‌های جنگ در حوزه زنان را برای پژوهشگران فراهم می‌کند.

سومین کتاب هم که تاریخ تحلیلی رمان جنگ نام دارد به بررسی تمامی رمان‌های تولیدشده جنگ از سال ۵۹ تا ۸۷ می‌پردازد و ضمن تحلیل این رمان‌ها، کارنامه نشر آنها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. معرفی نویسندگان، ذکر تاریخچه آثار ادبی جنگ، کتابشناسی رمان جنگ و تحلیل آماری نشر از بخش‌های دیگری است که در این کتاب ذکر شده و طی چند ماه آینده روانه بازار خواهد شد.

خدای همگان

مینا اعظامی؛ مترجم و روان‌شناس

پس از ترجمه کتاب‌های ملاقات عارفانه، آرامش حقیقی و موهبت عشق، واقعیت ازدواج که به تازگی وطی هفته‌های سپری شده به بازار عرضه شده است، ترجمه چند اثر جدید دیگر را در دست دارم که ظرف ماه‌های آینده روانه بازار خواهند شد.

کتاب نخست که بخواید و به شما داده می‌شود نام دارد نوشته ایستر و جری هیکس است که انتشارات صورتگر در تدارک انتشار آن در ماه‌های نه چندان دور است.

این کتاب که حجمی حدود ۲۷۰ صفحه را در برمی‌گیرد فراتر از یک کتاب روان‌شناسی بوده و به عنوان یک اثر فراطبیعی تلقی می‌شود. در این کتاب همان‌طور که از نامش پیداست به منشأ هستی بخش یعنی خداوند به عنوان خالق انسان و تمام هستی اشاره شده است و این که اگر انسان به تبعیت از این منشأ بپردازد، هر آنچه را که بخواید به او داده می‌شود.

و او خدای همگان است کتاب دیگری است که قرار است از سوی انتشارات البرز منتشر شود. این کتاب نیز همانند اثر دیگر به منشأ هستی اشاره دارد و به دنبال معرفی راه‌ها و مسیرهای

مختلف برای رسیدن به خداست. توجه به این که مقصد یکی است و خداوند وجود داشته و خواهد داشت و این انسان‌ها هستند که باید با خودباوری و تقویت ایمان خود، وجود خداوند به عنوان منشأ هستی بخش باور کنند از جمله مباحث این کتاب است.

سومین کتابم روزهای زندگی نام دارد که توسط لوئیس هی نوشته شده و انتشارات صورتگر در صدد انتشار این کتاب است. این کتاب مجموعه حکایات معنوی و واقعی عده‌ای از نویسندگان را در برمی‌گیرد که اتفاقات معنوی خاصی برای آنها رخ داده است و همگی تحت تأثیر یک لحظه به ارتباط عمیقی با خداوند می‌رسند.

درواقع طی سال‌های اخیر بیشتر کتاب‌هایی که ترجمه آنها را برعهده داشتیم به دنبال این هستند که خداوند وجود دارد ولی درک و حس ارتباط با خالق هستی نیازمند پالایش روح و زدودن ناپاکی از دل هاست.

گذشته‌های مهربان

سید محمود سجادی؛ شاعر و منتقد

اخیراً مجموعه‌ای مشتمل بر گزینیه‌ای از دفترهای قبلی شعر به همراه شعرهای جدیدم توسط نشر نکا (توسعه کتاب ایران) به چاپ رسیده و به بازار کتاب عرضه شده است. این مجموعه گزیده‌ای است از شعرهای من طی بیش از چهار سال شاعری از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۵ با عنوان «با مهر به گذشته بنگر» و شعرهایی از مجموعه‌های کندوهای بی‌شده، میکائیل و گاو آهن مغموم، بامویمایی نفس گریه، شعر جنوبی و اشعار جدید که عموماً در حیطه شعر نیمایی و سپید هستند و تنها یک چکامه (قصیده) با عنوان خلیج فارس با وزن قدمایی در پایان کتاب آمده است. دو شعر نیز از مجموعه شعر آمده چاپ بانوی بیقارای در این کتاب گنجانده شده است.

شب هزار و یکم

محمدابراهیم اقلیدی؛ مترجم

پس از عرضه شش جلد از قصه‌های هزار و یکشب ترجمه ۱۱ جلد دیگر از این مجموعه را به پایان رسانده‌ام و انتشارات مرکز در تدارک است تا آنها را ظرف ماه‌های نه چندان دور به بازار عرضه کند.

این مجموعه که کتاب اصلی آن به زبان عربی است و مجموع مجلدات آن حجمی حدود ۴۰۰۰ صفحه را در برمی‌گیرد حدود ۱۶۰ سال پیش توسط محمد شاه قاجار به زبان فارسی ترجمه شده بود که با توجه به مشکلاتی که در آن وجود داشت به منظور ساده‌تر کردن محتوای کتاب برای مخاطب در صدد ترجمه دوباره آن برآمدم.

مجموعه هزار و یک شب که قصه‌های آن براساس مضمون، موضوع و سرزمین طبقه بندی شده به روایت قصه‌ها و داستان‌های زیبایی همچون داستان حیوانات، افسانه‌های پریان، داستان‌های سفر و سیاق، شبانه‌های ایرانی و داستان‌های بغدادی و مصری می‌پردازد.

پژوهش‌های مردم‌شناسانه

عبدالله انوار؛ نسخه پژوه

در حال حاضر سه کتاب آماده چاپ دارم. نخستین کتابم تصحیح اثر «جامع‌الاحان» است که از کتاب‌های مهم فارسی درباره موسیقی به شمار می‌رود. این کتاب شامل فصل‌های پنج‌گانه مقدمه، تعریف موسیقی، کیفیت به وجود آمدن موسیقی، موضوع، مبادی و علت غایی این فن است که توسط عبدالقادر بن غیبی مراغی به زبان فارسی دری تألیف شده است.

موسیقی عامیانه و محلی متداول در زمان مراغی در جامع‌الاحان منعکس شده و برای پژوهش‌های مردم‌شناسانه

اهمیت بسزایی دارد.

کتاب دوم که حل المسائل منطق ریاضی نام دارد کتابی علمی است که براساس قضایا، محصولات درجه اول و محصولات درجه دوم تقسیم بندی شده است. این کتاب برای نخستین بار به منطق ریاضی در حوزه حل المسائل پرداخته است.

سومین کتابم شرح موسیقی الکبیر فارابی است که بزرگ‌ترین شاهکار فرهنگ اسلامی بوده و حجمی حدود هزار صفحه را در برمی‌گیرد. این کتاب بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اثری است که



پرویز بیگی حبیب‌آبادی



محمدابراهیم اقلیدی

در موسیقی مشرق زمین به نگارش درآمده است که به مباحث عملی موسیقی و اصول و قواعد فیزیکی ناظر بر آن، قوانین ضرب و نسبت‌های ریاضی اصوات می‌پردازد و نقادی بر دانش موسیقی یونانیان است. کتاب‌های من با استقبال ناشران در اولین فرصت روانه بازار خواهند شد.

به روشنی روز

پرویز بیگی حبیب‌آبادی؛ شاعر

انتشارات امیرکبیر در تدارک است تا سه کتاب از من رادر قطع جیبی در ماه‌های نه چندان دور روانه بازار کند. تأملی در تذکره تحفه سامی، تأملی در تذکره روزروشن و تأملی در تذکره حدیقه الشعرا عنوان این کتاب‌هاست که همگی به دوره‌های صفویه و قاجاریه و تلفیق شعر و مسائل اجتماعی آن روزگار می‌پردازند.

در واقع من کار تلخیص، پژوهش و بازنگری این کتاب‌ها را برعهده داشتم که ویژگی‌های عمده آنها انتخاب بهترین اشعار از تذکره‌ها، مسائل اجتماعی، معرفی و نکات شنیدنی و خواندنی موجود در این کتاب‌هاست. با توجه به این که هر یک از کتاب‌های تذکره حجمی حدود چندین هزار صفحه را در برمی‌گیرد بنابراین مطالعه این کتاب‌ها از حوصله مخاطب خارج است و تلخیص این کتاب‌ها علاوه بر معرفی ذهنیت کاملی از آنها برای مخاطب ایجاد می‌کند.

نقد و نظریه پردازی

دکتر احمد تمیم داری؛ پژوهشگر و دایرة المعارف نویسنده

در حال حاضر تألیف کتاب ادبیات، نقد و نظریه پردازی را به اتمام رسانده‌ام که ظرف ماه‌های نه چندان دور از سوی پژوهشکده فرهنگ و علوم انسانی منتشر خواهد شد. این کتاب نوشته آندریو بنت و نیکلاس رویر است که مشتمل بر ۲۴ فصل بوده و در هر فصل به صورت مشروح نقد و نظریه پردازی ادبیات با تکیه بر داستان و شعر را مورد بررسی قرار می‌دهد. البته این کتاب به نقد کلاسیک نمی‌پردازد و تنها عوامل متعددی را که در نقد جدید آثار ادبی تأثیرگذار هستند تحلیل می‌کند و در بخش‌هایی از کتاب آثاری از نویسندگان مشهور دنیا آورده شده و این آثار نقد و بررسی شده‌اند.

کتاب دیگری که قرار است ظرف ماه‌های آینده روانه بازار شود، تاریخ ادب پارسی نام دارد که قرار است از سوی انتشارات الهدی با سفارش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی منتشر شود. این کتاب بر اساس مکتب‌های ادبی، سبک‌شناسی و ادوار ادبی تألیف شده که البته در چاپ قبلی تنها دوران اسلامی را مدنظر قرار داده بود اما در چاپ مجدد با تغییرات زیاد، بخش مرتبط با تاریخ ادبیات پیش از اسلام نیز در آن گنجانده خواهد شد. در واقع این کتاب به عنوان دانشنامه فارسی رشته ادبیات محسوب می‌شود که می‌تواند مورد استفاده دانشجویان قرار گیرد.